



مجله هفته - شنبه ۲۷ میزان ۱۳۵۳
شماره - ۳۱ و ۳۰

Ketabton.com



رئیس دولت و صدر اعظم فرموده اند

نظام جمهوری مصمم است به همکاری مردم

مشکلات فقر، بیماری و بیسوادی را رفع نماید

اوراق حاوی سمبول جمعیت به همکاری ترافیک به تمام عراده جات شامل سرویس ها ، تکسی ها و بوس های شهری تو ذیع میگردد و سینما هاو تیاتر های مرکز و ولایات مبلغی به تکت های شان افزود نموده و عواید آنرا بحساب جمعیت انتقال خواهند داد.

جمعیت افغانی سره میاشت در جریان هفته مخصوص معادل اضافه اژدو ملینون وششصد هزار افغانی لباس ، ادویه مواد درسی ، شیر و برکتین ماهی به شاگردان مستحق معارف مریضان بی بضاعت و معیوسان مساعدت می نماید.



شاهلی محمد داؤدرئیس دولت و صدر اعظم و حامی جمعیت افغانی سره میاشت.

بایام شاهلی محمد داود رئیس دولت پوئنه ولسه هاومکاتب مرکز و ولایات برگزار

و صدر اعظم و حامی جمعیت افغانی سره میاشت می گردد.

کشمپ ۲۳ میزان از رادیو افغانستان نشر گردید هفته مخصوص سره میاشت از ۲۴ میزان در سراسر کشور آغازشد.

به مناسبت تجلیل ازین هفته و ذرا ی عدلیه، معارف، صحیه و اطلاعات و کلتورو

همچنان رئیس هاشم زینتون بیانیه هابی

از طریق رادیو افغانستان ایراد

خواهند کرد.

همچنان در خلال این هفته روزنامه های

مرکز و ولایات بانشر سرمقاله ها، مقالات

و مضامین و همچنان رادیو افغانستان با بخش

پروگرام های خاص از هفته مخصوص سره

میاشت تجلیل بعمل می آوردند.

بموجب پروگرام مرتبه اداره مرکزی

جمعیت افغانی سره میاشت به مناسبت هفته

مخصوص جمعیت معافلی در حربی پو هنتون

اکادمی پولیس، موسسه صحت عامه، میرمنو

صفحه ۲



اعلیحضرت شهید سعید محمد نادرشاه رح. نجات بخشای وطن

(سرمقاله ص ۸)

مصایب طبیعت از قبیل جنگ ، بیماری و دیگر حوادث ناگوار که هر کدام آن بذات خود برای انسان مصایب وآلام رابار می آورد جزو گیری نمایند در همچو مواقع سهم گرفتن اشخاص نزع دوست و باعاطفه میتواند تاحدی از آلام روحی آسیب دیدگان بکاهد و آرامش روحی بخشد .

تاسیس جمعیت های خیریه که بمنظور

کاهش و رسیدگی بحال بینوایان و مصیبت

رسیدگان بهمان آمده از احساسات نوع دوستی

مردم سر چشمه میگردد . من یقین دارم که

هموطنان عزیز و با درد ما بخوبی ازین وظیفه

انسانی خویش آگاه اند و موسسه خیریه

سره میاشت را در اجرای وظایفیکه بحیث

یک خدمتکار ملی و بین المللی در برابر

هموطنان و هموعان بر عهده دارد یاری میکنند .

بقیه در صفحه ۶۳

پیام رهبر ملی ما بنیاد علی محمد داؤد

رئیس دولت و صدر اعظم به مناسبت

هفته مخصوص سره میاشت

هموطنان عزیز .

مسرورم بمناسبت هفته مخصوص سره

میاشت تمنیات قلبی خود را برای خوشبختی

مردم نجیب ما و اعتلای افغانستان عزیز

ابراز نمایم .

خواهران و برادران گرامی هفته که

بنام هفته مخصوص سره میاشت همساله

در وطن عزیز ما شناخته شده برای مردم

ما بهترین فرصتی است تا با پیروی از تعالیم

عالی اسلامی و عواطف انسانی خویش به

کاهش در ماندگان و بینوایان بشتابند از پا

افتادگان دستگیری و از دلشکستگان دلچزنی

نمایند تا با سهم گرفتن درین امر رضای

خالق و آرامش روحی را حاصل دارند .

در عصریکه ما زندگی داریم بایشرف

علم و تخنیک بسیاری از مشکلات جوامع بشری

حل گردیده و بسیاری از دشواری ها از

بین بر داشته شده اما با اینهم بشر موفق

نگردیده در مقابل آفات و حوادث سماوی و

بنیاد ملی رئیس دولت و صدر اعظم نماز عید سعید فطر را در ارگ جمهوری ادا نمودند



بنیاد ملی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم هنگامیکه بروز اول عید سعید فطر با جنرالها و صاحب منصبان اردوی جمهوری مصافحه مینمایند.

بنیاد ملی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم به ساعت ۹ و نیم صبح ۲۴ میزان نماز عید سعید فطر را با امامت قاری محمد عمر در مسجد جامع ارگ ریاست جمهوری اداء نمودند.

زعیم محبوب ما بعد از اداء نماز برای رفاه و اسایش ملت با شهادت افغان و

ترقی و تعالی عالم اسلام دعا فرمودند. در اداء نماز با بنیاد ملی رئیس دولت و صدر اعظم دوکتور محمد حسن شریک معاون صدارت عظمی، اعضای کمیته مرکزی هیأت کابینه عده از جنرالها و صاحب منصبان ارشد اردوی جمهوری، مولوی عبدالصیر رئیس مقام عالی شریک، عده از

متن بیانیه بنیاد ملی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم بمناسبت عید سعید فطر

رئیس دولت و صدر اعظم فرموده اند... رسیدگی بحال گرسنگان و جیبه دینی و وظیفه اخلاقی همه آنانیکه توانائی کمک را دارند میباشند

هموطنان گرامی!

عید سعید فطر را به همه خواهران و برادران و کافه مسلمانان جهان تبریک می گویم. امید وارم که مردم متدین ما در ماه مبارک صیام با ادای فریضه اسلامی واجبات از او امر الهی رضایت خالق بی نیاز را حاصل نموده باشند.

باید بغاظر داشته باشیم که رسیدگی بحال گرسنگان و بی نوایان کشور و جیبه دینی و وظیفه اخلاقی همه انانیکه توانائی کمک را دارند میباشند یقین دارم

مردم با عاطفه و با درد ما در این ماه مبارک علاقه بر فریضه دینی این جیبه اخلاقی و اجتماعی خویش را نیز ادا نموده اند. ایام عید که علاوه از جنبه دینی خاصیت اجتماعی دارد مسلمانان جهان را با همبستگی خلوص نیست و صفای عقیدت دعوت میدارد روی این فلسفه آرزو مینمایم همه خواهران و برادران هموطن کشور ت نفاق و بدبینی هائیکه متأسفانه بعضاً سبب بدبختی فامیلها و مردم ما گردیده همه را

کنار گذاشته با صفای عقیده و همبستگی و برادری که آرزوی این نظام جوان جمهوری میباشد ایام فرخنده عید را سپری نمایند.

هموطنان گرامی!

کشور ما برای جبران پسمانی های خویش به سعی و عمل همه جانبه مردم ما نیاز مند است که بر آوردن این هدف جز در برتو خدمت گذاری صادقانه و ایثار میسر نیست مخصوصاً مسؤولیتی را که در مقابل خواهران و برادران فقیر و مستمند خود

پیام های تبریکه

به مناسبت عید سعید فطر از طرف بنیاد ملی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم پیام های تبریکه عنوانی روسای دول و صدراعظمان کشور های اسلامی فرستاده شده است.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه ضمن ارائه این خبر علاوه کرده که همچنان از طرف روسای دولت و صدراعظمان کشورهای اسلامی پیام های تبریکه به همین مناسبت برای بنیاد ملی رئیس دولت و صدر اعظم مواصلت کرده است.

معیاد حبس باقیمانده یکدهه محبوسان مورد عفو قرار گرفت

به مناسبت حلول عید سعید فطر معیار حبس باقیمانده یکدهه محبوسان سرگز و ولایات کشور مورد عفو بنیاد ملی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم قرار گرفته است.

یک منبع صدارت عظمی اطلاع داد که فرمان رهائی محبوسان بوزارت داخله صادر گردیده است تا بهر جا جمع مربوطه ابلاغ گردد.

بزرگان و مشران بلوچ و پشتونستانها تبریکات خود را به بنیاد ملی رئیس دولت و صدر اعظم ابراز داشتند

بزرگان اقوام سالارزی، ماموند، چار منگ و اتمانخیل باجور، سابی، شینوار و خوانزندگان شود کمر، افریدی، شینوار، پیری خمکنی و ورتزی، تیر او خیر، تمام مشران قومی مومند، وزیر، مسید بیتنی، و دو و پشتونستان و همچنان کلیه بزرگان و مشران بلوچ و پشتونستانی ها و بلوچ های مقیم افغانستان بمناسبت عید سعید فطر تبریکات صمیمانه خود و اقوام شان را به بنیاد ملی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم، اعضای کمیته مرکزی و کابینه و تمام مردم افغانستان ابراز داشته سعادت ملت افغان و ترقیات و رفاه و افزون افغانستان را تحت قیادت رهبر ملی ما بنیاد ملی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم آرزو نموده اند.

داریم هرگز فراموش، تکرده پسر ای رفیع نیاز مندی آنان تا حد توان مساعدت نمائیم.

دولت جمهوری از بدو تاسیس تاکنون برای تامین رفاه و سعادت مردم خویش و از بین بردن علل و عوامل فقر و بیچارگی در تلاش بوده و است توفیق کامل در این راه وقتی میسر خواهد بود که مردم ما همه با قبول ایثار و احساس مسؤولیت با همبستگی کامل در خدمتیکه در مقابل مردم خود بر عهده دارد یاری و کمک نمایند.

در خاتمه باز دیگر این ایام فرخنده را به همه مردمان افغانستان و برادران پشتونستانی و مسلمانان جهان تبریک گفته از درگاه خداوند بی نیاز سعادت افغانستان عزیز را در برتو نظام جمهوری آرزو و صلح جهان را تمنا دارم.

رئیس دولت و صدر اعظم

سفیر کبیر هند را پذیرفتند



ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد که یناغلی کهار دام پر تاب سنگ سفیر کبیر دولت جمهوری هند در کابل ساعت یازده قبل از ظهر روز ۱۷ میزان اعتماد نامه اش و طبق تشریفات معمول به یناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم در قصر ریاست جمهوری تقدیم نمود.

درین موقع یناغلی محمد اکبر رئیس دفتر ریاست جمهوری و یناغلی عبدالصمد غوث مدیر عمومی سیاسی وزارت امور خارجه حاضر بودند.

خلص سوانج یناغلی کهار دام پر تاب سنگ سفیر کبیر جدید هند در کابل

یناغلی کهار دام پر تاب سنگ بنا ریخ سوم مارچ ۱۹۲۲ متولد گردیده است. در اپریل ۱۹۴۸ در وزارت خارجه هند شامل خدمت گردیده است. می ۱۹۵۱ سکر تر دوم کمشنری عالی

هند در کراچی، اگست ۱۹۵۳ سکر تر دوم سفارت هند در برین، اگست ۱۹۵۵ سکر تر اول و کفیل کمشنر در کمشنری عالی هند در کانبرا، اپریل ۱۹۵۸ معاون کمشنر در کمشنری وزارت امور خارجه هند، جو لای ۱۹۶۱ شامل کالج دفاع هند، درمی ۱۹۶۲ برتبه معاون

یناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم هنگامیکه سفیر کبیر هند را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند. سکرتری بحیث مدیر وزارت امور خارجه هند، ۱۹۶۸ سکرتر جنرال وزارت امور خارجه هند، در بغداد یناغلی کهار دام پر تاب سنگ متاعل می ۱۹۶۶ های کشتی هند در کمپالا، سپتمبر از جنوری ۱۹۷۱ تا سپتمبر ۱۹۷۴ سفیر هند بوده دارای چهار فرزند میباشد.

رئیس دولت و صدر اعظم سفیر کبیر یونان را پذیرفتند

ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد که یناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم ساعت یازده قبل از ظهر روز ۱۳ میزان غیر مقیم یونان را در کابل که دوره ماموریتش در افغانستان به پایان رسیده بود بزرگ ای

بر فراز دریای آمو پلی بطول ۹۰۰ متر ساخته میشود

قرارداد سروی و دیزاین ساختمان یک پل بالای دریای آمو در ناحیه خیرتان ر وز ۱۴ میزان بین افغانستان و اتحاد جماهیر سوری در کابل عقد گردید.

قرار داد را از جانب افغانستان دیپلوم انجیر غوث الدین متین معین وزارت فواید عامه و از جانب اتحاد شوروی یناغلی پریس نیتوف مستشار اقتصادی سفارت کبیر ای آنکشور در کابل امضاء کردند.

پل بالای دریای آمو که ساختمان آن در ناحیه خیرتان پیشبینی شده است از جمله بزرگترین تاسیساتی خواهد بود که بالای دریای آمو احداث میگردد.

دعوت افطاری از طرف سفیر کبیر عربستان سعودی تر قیب یافته بود

دعوت افطاری شام روزه ۱۵ میزان از طرف یناغلی محمد الاحمد الشیبلی سفیر کبیر عربستان سعودی مقیم کابل در منزلش ترتیب شده بود که در آن دکتر محمد حسن شرق معاون وزارت عظمی، بعضی از اعضای کابینه لوی درستیز و عده از مامورین عالی رتبه عسکری و ملکی اشتراک نموده بودند.

بعد از افطار فلم مکه معظمه و یک فلم عربی دیگری نمایش داده شد.

معاون صدارت عظمی از کومیدی زنان عصبی در کابل ننداری دیدن کرد

این درام که در طول سال جاری سو مسین محصول هنری افغان ننداری میباشد تو سط دکتر نعیم فرحان ترجمه و دایر کت شده و در آن برجسته ترین هنرمندان افغان ننداری اشتراک گردانند.

کمدی زنان عصبی که مورد علاقه خاص تماشاچیان قرار گرفت تا ساعت ده شب دوام کابل ننداری دیدن کردند.

تیلگرام های

تبریکه به قاهره
وبرلین مخبره
گردیده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف یناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم تیلگرام تبریکه به مناسبت سالگره پیروزی شش اکتوبر عنوانی یناغلی انور السادات رئیس جمهور و یناغلی عبدالعزیز حجازی صدر اعظم جمهوری عربی مصر به قاهره مخبره گردیده است.

یناغلی رئیس دولت و صدر اعظم طراین تیلگرام تمثیات نیک خود حکومت و مردم افغانستان را برای سعادت و موفقیت های مزید حکومت و مردم کشور دوست و برادر مصر ابراز کرده اند.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف یناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم به مناسبت روز ملی جمهوری دیمو کراتیک آلمان تیلگرام تبریکه عنوانی یناغلی ویلی شتوف رئیس شورای دولتی آنکشور به برلین مخبره شد.

رئیس دولت و صدر اعظم اعتماد نامه

سفیر کبیر غیر مقیم کانادا را پذیرفتند



شاهلی رئیس دولت و صدراعظم هنگامیکه سفیر کبیر غیر مقیم کانادا را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد که شاهلی کیت ویلیام مک لیلان سفیر کبیر غیر مقیم کانادا در افغانستان ساعت یازده قبل از ظهر روز ۲۲ میزان اعتماد نامه اش را طبق تشریفات معمول به شاهلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم در قصر ریاست جمهوری تقدیم نمود. درین موقع شاهلی محمد اکبر رئیس دفتر ریاست جمهوری و شاهلی عبدالصمد عوض مدیر عمومی سیاسی وزارت امور خارجه نیز حاضر بودند.

خلص سوانح شاهلی کیت ویلیام مک لیلان سفیر کبیر غیر مقیم کانادا در کابل. شاهلی مک لیلان بتاريخ ۳۰ نوامبر سال ۱۹۲۰ در ایالت کیوبک متولد گردیده است و تحصیلات خود را در یو هتسون های مک گیل مانتریا و نیو کالج اسکسورد تکمیل نموده است. موصوف از ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۶ در قطعه پارستونی قوای نظامی کانادا در جیبیه اروپا خدمت کرده است.

بعد از جنگ مدتی در صنایع خصوصی کار کرده در سال ۱۹۵۲ بعیت سگرتی دوم شامل خدمت در وزارت خارجه کانادا گردید. شاهلی مک لیلان در نمایندگی های سیاسی کانادا در برن لاس انجلس روم وینتیان، لندن و بروسل اجرای وظیفه نموده است. شاهلی مک لیلان در یکده کنفرانس ها و جلسات بین المللی ذیل از کانادا نمایندگی کرده است.

نماینده کانادا در شورای سازمان خوراکه و زراعت جهان در تاسیس پروگرام مواد غذایی جهان.

در جلسات مختلف موسسه هوانوردی ملکی بین المللی.

در کانسر سیوم های بانک جهانی. در افتتاح شورای مذهبی مسیحی واتیکان ۱۱.

در جلسات پلان گولیمو.

شاهلی کیت ویلیام مک لیلان متاهل بوده و چهار فرزند دارد.

بیش از ۴ میلیون و ۷۷ هزار افغانی افزایش در واردات ریاست برق کابل

اضافه از چهار میلیون و هفتصد و هفت هزار افغانی در واردات چارماه اول امسال ریاست برق کابل به تناسب واردات چارماه اول سال گذشته آن ریاست افزایش بعمل آمده است. یک منبع آن ریاست روز ۱۶ میزان گفت که مجموع واردات چارماه امسال به پنج و هشت میلیون و پنج و پنج هزار و سه صد و بیست و هشت افغانی بالغ گردید و در حالیکه واردات چارماه اول سال قبل پنج و سه میلیون و سه صد و پنج و چهار هزار و ششصد و دواغذانی شده بود.

منبع علت افزایش واردات را توجه در امور تحصیل باقیات جلو گیری از ضایعات و صرفت برق و علاقمندی کارکنان موسسه خواند.

صفحه ۵



دوکتور محمد حسن شرق معاون صدارت عظمی حینیکه سالگره پیروزی شش اکتوبر را به سفیر کبیر جمهوری عربی مصر تبریک میگوید.

به مناسبت سالگره پیروزی شش اکتوبر دعوتی در سفارت عربی مصر ترتیب شده بود

سفارت کبرای جمهوری عربی مصر ساعت هفت شب ۱۴ میزان دعوتی به مناسبت اولین سالگره پیروزی شش اکتوبر در آن سفارت کبرا ترتیب داده بود که در آن شاهلی محمد نعیم، دوکتور محمد حسن شرق معاون صدارت بعضی از اعضای کابینه لوی درستیز، مامورین عالی رتبه عسکری و ملکی کابل، مبارز و وکود دیپلوما تیک مقیم کابل شرکت داشتند.

یک تصفیه خانه نفت به ظرفیت یکصد هزار تن ساخته میشود

وزیر معارف عازم پاریس گردید

دوکتور نعمت الله پژواک وزیر معارف و خاتمش بناید عوت وزیر معارف فرانسه و

خانمش صبح روز ۱۹ میزان عازم پاریس گردیدند.

قرار است وزیر معارف طی اقامت در فرانسه از موسسات علمی و کلتوری آن کشور دیدن نمود و درباره موضوعات موثر در رابطه فرهنگی بین افغانستان و فرانسه مذاکراتی با مقامات مربوط آن کشور انجام دهد.

وزیر معارف متعاقباً در چندین جلسات

کنفرانس عمومی یونسکو که بتاریخ ۲۵ میزان در پاریس دایر میگردد نیز شرکت خواهد کرد.

دوکتور پژواک ریاست هیات دولتی

جمهوری افغانستان را در این کنفرانس بعهده دارد. اعضای هیات افغانی بعد از پاریس خواهند رفت بعضی از اراکین وزارت معارف شارژ دافیر و اعضای سفارت گبرای فرانسه مقیم کابل برای وداع با وزیر معارف در میدان هواپیما بین المللی حاضر بودند.



رئیس پلان وزارت معادن و صنایع و مستشار اقتصادی سفارت گبرای اتحاد شوروی هنگام امضای اسناد همکاری بین افغانستان و اتحاد شوروی.

اسناد همکاری بین افغانستان و اتحاد شوروی برای آماده ساختن استفاده و انتقال نفت معدن انگوت واحداث یک تصفیه خانه به ظرفیت سالانه یکصد هزار تن بادر نظر داشت توسعه آن به تناسب ذخایری که در آینده کشف می گردد قبل از ظهر روز ۱۸ میزان در کابل به امضاء رسید.

درین موقع پوهاند عبدالقیوم وزیر معادن و صنایع بنیاد علی احمد خرم و زیر پلان بنیاد علی الکساندر میخائیلو و یسج پوزانوف سفیر گبرای اتحاد شوروی در کابل حاضر بودند.

اسناد را از جانب افغانستان بنیاد علی عبدالسمیع زمان رئیس پلان وزارت معادن و صنایع و از طرف اتحاد شوروی بنیاد علی تیتوف مستشار اقتصادی سفارت گبرای اتحاد شوروی در کابل امضاء کردند.

یک منبع وزارت معادن و صنایع گفت با تثبیت معدن نفت در شمال کشور توسط متخصصین افغانی و شوروی که دو اعشاریه هشتاد و هشت میلیون تن ذخایر آن قابل استخراج می باشد در نظر است در ساحه معدن تصفیه خانه احداث گردد.

منبع اضافه کرد با تطبیق پروژه تصفیه نفت اساس دوساله جدید صنایع استخراج مواد نفتی و تصفیه آن در کشور گذاشته می شود و تولیدات بنزین، تیل خالص، دیزل از ویت و غیره در داخل کشور میسر می گردد.

اعضای این اسناد قدم دیگری در راه استفاده از منابع طبیعی افغانستان بادر نظر داشت ارتقاء سطح اقتصادی کشور میباشد که از اهداف عمده سیاست دولت جمهوری محسوب می گردد.

افغانستان بهتر دانست که مسئله پنبه و نستان از طریق صلح آمیز مطابق به خواسته های خود مردم پنبه و نستان و بلوچ حل شود

بیانیه بنیاد علی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه در جلسه کامله مجمع عمومی ملل متحد

بنیاد علی رئیس!

اعضای جدید آتیه پراز مو فقیه تمنا میکنیم و انتظار همکاری مثر با ایشان را درین سازمان داریم مطمئن هستیم که در راه صلح و ترقی گیتی سهم آنان کوشش های مارا غنی تر خواهد ساخت.

برای هیات مز جای مسرت خاص است که همسایه مادرین منطقه یعنی جمهوری مردم بنگله دیش کوسی

بنیاد علی رئیس!

قانونی خود را درین سازمان بین المللی با اهتمام موقع اعضای جدید سازمان احرار میکند.

مردم افغانستان با مردم بنگله دیش، گیتی بنگله دیش علایق محکم دوستی و برادری صمیمانه دارند و ظهو د بنگله دیش بحث یک ملت آزاد شناسایی حقوق ذاتی مردمان و حقایق حاکم برین منطقه را که مدتها انتظار برده می شد منعکس می سازد.

بشکلیانی مینماید مطمئن هستیم که دوکتور کورت و والد هایم سرمشی عمومی اجازه بدهید تبریکات صمیمانه تحت رهنمائی شما اجلاس مجمع عمومی ملل متحد برای تجسس امکانات حل هیات جمهوری افغانستان را به نحو بسیار شایسته رهبری خواهد کرد بحران های موجوده مبلول مینماید، به مناسبت انتخاب شما به ریاست شد و از همکاری کامل خود بشما اطمینان ابراز نمایم.

اجلاس بیست و نهم مجمع عمومی ملل متحد اظهار نمایم این انتخاب به معنای تمجید از خصایص شما فرصت مراتب امتنان عمیق هیات بعنوان سیاستمداری است که که نه تنها به کشور خود بلکه بجامعه بین المللی نیز خدمات ارزنده ای انجام داده است. مخصوص ششم مجمع عمومی را بادت انتخاب شما افتخاری است بر ای و مهارت اداره نمود اظهار کتم آرزو جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر، داریم از گاردانی و فراست وی که از کشور که با آن روابط نهایت صمیمانه خود نشان داد، صمیمانه تقدیر کنیم همچنین می خواهم قدر دانی عمیق خود را از مساعی خستگی ناپذیر یک بنیاد علی جهانی همواره حمایت گردیده برای و اصول و اهداف منشور ملل متحد جدا

ملاقات تعارفی با وزیر عدلیه

بنیاد علی عبدالهیر سفیر گبرای اندونزی باعت یازده قبل از ظهر روز ۱۴ میزان با دوکتور عبدالحمید وزیر عدلیه و لوی خارنوال ملاقات تعارفی بعمل آورد.

سالگره نزول قرآن کریم تجلیل گردید

همچنان شعبه تبلیغات اداره اطلاعات و کلتور ولایت پروان ساعت سه و نیم بعد از ظهر محفلی در مسجد صوفی قلندر شهر جاریار ترتیب نموده بود. این محفل با قرائت چند آیت از قرآن شریف آغاز گردیده و متعاقبا امر اطلاعات و جاریکار اشتراک داشتند.

قراریک خبردیگر سالگره قرآن پاک طی محفلی از طرف اداره اوقاف ولایت غزنی در مسجد بابا طاهر در شهر غزنی تجلیل شد. درین محفل نیز علما و متورین پیرا مون فضایل قرآن کریم بیانیه ها و خطابه های ایراد نمودند.

سالگره نزول قرآن عظیم الشان روز ۲۰ میزان ضمن احتفالاتی در پوهنتون کابل و بعضی از مساجد ولایات کشور تجلیل گردید. در محفلی که به مناسبت این روز خجسته از طرف پوهنځی شرعیات در ادیتو ریم پوهنتون کابل ترتیب شده بود بعد از افطار شام آیاتی چند از سوره های قرآن کریم توسط قاریان افغانی و مصری قرائت شد و ښاغلی اسدالله معاون پوهنځی شرعیات بیانیه راجع به قدسیت این روز فرخنده و تعالیم قرآن مجید ایراد نمود.

درین محفل پوهاند دو کتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور معین های وزارت عدلیه و معارف غده از اعضای شورای عالی قضا، علما، رئیس پوهنتون، روسای پوهنځی ها و سفرای کبیر بعضی از کشور های اسلامی مقیم کابل محصلین پوهنتون اشتراک داشتند.

در ختم محفل دکتور محمد حیدر رئیس پوهنتون کابل تحایفی از پیدوار وطن به قاریان مصری اهدا نمود.



قاریان افغانی و مصری در محفلی که به مناسبت نزول قرآن عظیم الشان در پوهنتون کابل ترتیب شده بود.

معین سیاسی وزارت امور خارجه به کابل مراجعت کرد

ښاغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت خارجه که ریاست هیات دولت جمهوری افغانستان را در بیست و نهمین جلسات مجمع عمومی ملل متحد بعهده داشت پس از اشتراک در این جلسات قبل از ظهر ۲۵ میزان بکابل مراجعت کرد.

ښاغلی وحید عبدالله در نوب یارک ښاغلی بوتیلقه وزیر خارجه الجزایر و رئیس جلسات فعلی مجمع عمومی، دو کتور کورت والد هایم منشی عمومی ملل متحد و ذیای خارجه یکده کشور های که در جلسات ملل متحد اشتراک داشتند ملاقات نموده و مذاکراتی بعمل آورده است.

همچنان معین وزارت امور خارجه طی بازدید از واشنگتن ښاغلی انگر سول وکیل وزارت خارجه امریکا و یکده از ستانوران بشمول ستانور مایک منسفیلدوچارلز پرسوسانور جان سپارک من رئیس کمیته روابط خارجی ستای آکشنور ملاقات نمود. بقیه در صفحه ۶۳

سیمینار مولینا جلال الدین بلخی پایان یافت

عشق در شعر مولینا قرائت کردند که طرف دلچسپی شاملین سیمینار قرار گرفت.

در ختم از تدویر سیمینار که به مقصد حفظ میراثهای فرهنگی صورت گرفت اظهار امتنان شده و مخصوصا از وزارت اطلاعات و کلتور که رول مستقیم در دایر ساختن سیمینار داشت تشکر بعمل آمد.

همچنان پرو فیسور اناماری شمل که ریاست این جلسه را بعهده داشت ابراز مسرت نمود از اینکه برای شناختن مردان فرهنگی و ادبی افغانستان چنین اجتماعاتی برگزار میشود.

بمناسبت تدویر این سیمینار نسخ خطی آثار مولینا جلال الدین بلخی بصورت علیحده در کتابخانه نسخ خطی جمع آوری شده و این قسمت بنام نسخ خطی مولینا بلخی مسمی گردید.

پوهاند دو کتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور و شاملان سیمینار بعد از ظهر از این آثار دیدن کردند.

مجموعه نسخ خطی آثار مولینا جلال الدین بلخی جزء آثار تاریخی و نسخ خطی است که برای آرشیف ملی افغانستان جمع آوری شده است.

یک منبع کتابخانه عامه گفت مجموعه آثار جلال الدین بلخی تاخیر میزان برای بازدید علاقمندان باز است.

آخرین جلسه سیمینار مولینا جلال الدین بلخی ساعت نه قبل از ظهر روز ۱۴ میزان تحت ریاست پرو فیسور خانم اناماری شمل دانشمند آلمانی در سالون کنفرانسهای رادیو افغانستان دایر شد.



پوهاند دو کتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور و شاملین سیمینار از کتابخانه نسخ خطی آثار مولینا جلال الدین بلخی جمع آوری شده و بنام نسخ خطی مولینا بلخی مسمی گردیده و دیدن میکنند شماره ۳۰ - ۳۱

کنسرت هنرمندان امریکایی در تالار رادیو افغانستان



پوهاند دوکتور نوین و زیر اطلاعات و کلتور هنگام مصافحه بایکی از اعضای دسته موسیقی جوبلی سنگرز.

دسته موسیقی هنرمندان جوبلی سنگرز لاس آنجلس ایالات متحده امریکا ساعت هشت و نیم شب ۱۶ میزان در تالار بزرگ رادیو افغانستان کنسرتی اجرا کردند. در این محفل که ساعت ده و نیم شب دوام نمود بعضی از اعضای کابینه، لوی درستیز بعضی از مأمورین عالیرتبه عده ای از سفرا و اعضای کوردیپلوماتیک مقیم کابل با خانم های شان و تعداد زیادی از علاقمندان اشتراک نموده بودند.

موسیقی سیاهپوستان امریکا پدیدآورنده است که بهیچ یک تال فریاد، احتجاج و نوحه گری آغاز گردیده است.

هنرآواز خوانی این مردم گاهی شکل تفریحی دارد و زمانی هم یک احساس مذهبی و دینی را تبارز میدهد.

در این کنسرت که دایر کت آنرا البرت جان مکینل بعدها داشت پارچه هایی از سرودهای مذهبی، سرودهای ملی و سرود های تفریحی توسط سرایندگان جوبلی سنگرز لاس آنجلس سروده و نواخته شد که با کف زدن های ممتد تماشاچیان بدرقه گردید و مورد استقبال گرم قرار گرفت.

در ختم کنسرت پوهاند دو کتونوین وزیر اطلاعات و کلتور دسته های گل را به سرایندگان شامل کنسرت طور هدیه تقدیم نمود.

نطاق وزارت امور خارجه ادعای بوتو را رد کرد

نطاق وزارت امور خارجه در جواب سوال یاختر آژانس راجع به این ادعای ذوالفقار علی بوتو صدراعظم پاکستان که معین سیاسی وزارت امور خارجه افغانستان به نمایندگی روزنامه واشنگتن پست گفته است در صورت امضا به بین افغانستان و پاکستان اتحاد شوروی و هند بطرفدار ی افغانستان مدخله خواهند کرد گفت که این ادعا ناشی از تغیلات بیاعلی بوتو و ساخته و بافته ذهن خود او میباشد.

نطاق گفت چون متن کامل مصاحبه معین سیاسی وزارت خارجه افغانستان با نماینده واشنگتن پست قبلا نشر شده مطابق این متن بی اساس و جعلی بودن گفتار صدراعظم پاکستان را ثابت میسازد.

نطاق افزود که چنانچه افغانستان بارها گفته یگانه راه حل اختلاف سیاسی افغانستان و پاکستان راه مذاکره بدون قید و شرط با وسایل مساومت آمیز میباشد و تا جاییکه به افغانستان تعلق دارد به مساعی همیشگی خود درین طریق ادامه خواهد داد.

نمایندۀ وزارت خارجه ادعای مجله نیوزویک را رد کرد

نطاق وزارت خارجه با اشاره به این ادعای مجله نیوزویک شماره ۳۰ سپتمبر ۱۹۷۴ که مقامات اتحاد شوروی در انقلاب سرطان ۱۳۵۲ افغانستان دست داشتند به نماینده یاختر آژانس گفت: لازم میدانم تصریح کنم که این خیال بافی بی اساس را اداره جاسوسی امریکا سی. ای. ا. جهت تیره دسایس شوم خود و پوشانیدن این اعمال ناشایسته که به آن اقرار هم کرده

بقیه صفحه ۶

افغانستان بهتر دانست که

ناگوار فقط در آخرین ساعات جلوگیری شده است معینا تا زمانیکه شرایط اساسی برای تأمین امنیت و صلح دوامدار در سراسر جهان بدست نیامده، ترس از تجاوز و مخاصمات بین المللی باید نزدیک صدمه ما موجود باشد.

علاوآ حقوق غیر قابل تفکیک مردمان برای استقلال و حق تعیین سر نوشت و رهائی از سلطه خارجی و اشغال و استثمار بیگانه کاملاً تحقق نیافته است ازین رو صلح و امنیت بین المللی صرف بصورت یک آید یال باقی

حکومت من میخواهد همدردی خود را نظر به مصایب طبیعی که در یمن اواخر بر مردمان آسیب دیده هاندوراس وارد شد، بحکومت هاندوراس اظهار نماید. ما از کوشش های جامعه بین المللی بمنظور کمک به آسیب دیدگان طوفان پشتیبانی میکنیم.

بناغلی رئیس!

وظیفه اساسی این سازمان جهانی محافظت صلح و امنیت بین المللی است ۲۹ سال از پایان جنگ دوم جهانی سپری شده و تاکنون از جنگ دیگری اجتناب بعمل آمده اگرچه در بعضی موارد از حدوث وقایع

مانده که برای حصول آن این سازمان جهانی بیپرده به مساعی خود ادامه خواهد داد.

ما امیدوار بودیم که در جریان دهه هفتاد عصر جدید توجه بحقایق طلوع خواهد کرد و لی مشا عده می کنیم که هر وقت امکان صلح در یک منطقه بوجود می آید جنگ در ناحیه دیگری بروز میکند.

در شرقمیان به باوجود بعضی موفقیت هائیکه برای جدا ساختن عساکر مصری، سوریه و اسرائیلی حاصل شده، صلح پایدار هنوز هم بدست نیامده است ما عقیده داریم که صلح عادلانه و پایدار در شرقمیان صرف در صورت تخلیه کامل اسرائیل از سر زمین های عرب، بر سمیت شناختن حقوق مشروع مردم فلسطین و اعاده بیت المقدس به حاکمیت عرب، حاصل شده می تواند. داعیه اعراب از پشتیبانی تمام آنها نیکه باصول حقوق بشر و پرنسیپ های مندرجه منشور ملل متحد پاینده هستند، برخوردار می باشد.

جامعه بین المللی برای جبران اشتباهاتیکه هنگام تقسیم فلسطین در سال ۱۹۴۷ صورت گرفت مسئولیت خطیری را بر عهده دارد در مورد آن رویداد اسف انگیز ما عین مسئولیت را بر عهده داریم و جدا آرزو میکنیم که مساعی دیپلوماتیک که قرار است در آینده قریب دوباره از سر گرفته شود طرق حل برای صلح دوامدار در شرق میان را بیار آورد. معذالک اعاده حقوق حقه مردم فلسطین در هر حال شرط قبلی برای استقرار صلح منصفاانه و پادوام در شرق میان میباشد.

مبارزه مشروع و قانونی مردم دلاور فلسطین برای پس گرفتن سر زمین غصب شده ایشان قسمتی از مساعی مردمان سراسر جهان را علیه تسلط بیگانه تشکیل میدهد. هیأت افغانی درج یک آیتیم

ژوندون

شنبه ۲۷ میزان مطابق ۲ شوال المکرم پر ۱۹ - اکتوبر ۱۹۷۴

عید سعید فطر

روزهای عید سعید فطر از جمله ایام خجسته است که مسلمانان جهان بعد از ادای فرایض و اوامر پر حکمت الهی در طو ل ماه مبارک رمضان بانهایت شادمانی استقبال مینمایند.

مردم متدین ماکه به پیروی از اساسات دین مقدس اسلام فرایض دینی خویش را در ماه مبارک رمضان بجای آورند ایام فرخنده عید سعید فطر را نیز مانند دیگر ایام متبرک اسلامی به گرمجوشی پر گلزار مینمایند.

رهبر بزرگ ما بنام علی رئیس دولت و صدراعظم در یکی از بیانات شان به اهمیت ارزشهای ماه مبارک رمضان اشاره نموده میفرمایند:

«برگزاری ماه مبارک رمضان نه تنها برای ملت افغانستان بلکه برای جمله مسلمانان منظر تواضع، تسلیمی به خالق بی نیاز و احترام عمیق اوامر خداوند بزرگ است...»

فراموش نباید کرد که مسلمانان جهان وظیفه دارند که در موقع برگزاری اعیاد مذهبی خویش بر علاوه جنبه های دینی باید پهلوهای اجتماعی آنها نیز در نظر داشته باشند. در موقع استقبال از چنین ایام متبرک ضمن ابراز شادمانی و بجا آوردن مراسم معمول وظیفه ایمانی هر فرد مسلمان است تا به آن عده هموعان بیچاره و غریب خود باندیشد که توان برگزاری چنین ایام فرخنده را نداشته و بحالت رقت باری حیات بسر می برند.

در کشور عزیز ماکه با استقرار نظام مردمی جمهورییت تسهیلات خوبی برای رفاه و آسایش مردم مامیا گردیده است در واقع وجایب اسلامی و انسانی مادرراه بهبود وضع اجتماعی کشور مایشتر از هر وقتی سنگین شده است.

مادر حالیکه عید سعید فطر را به تمام وطنداران گرمی و مسلمانان جهان تبریک میگویم آرزو مندیم تمام مردم تر قیخو اما در راه بر آورده شدن اهداف پاک ملی و خدمت به مردم از هیچگونه کوشش در یغ نمانند.

دتلی ۲۳ یاد وطن د نجات ورخ

دتلی میاشتی ۲۳ نیته زمونږ د هیواد د نجات دورخی سره سمون د ولود دن نه ۱۶ کاله دمغه زمونږ هیواد د کورنیو شخړو او لانجو له امله دیولې نا کړا دیو سره مخامخ و او په هره لحظه کې ددی ویره مو جود وه چی خدای نا خواسته زمونږ ملی مو جودیت ته زیان ورسې له همدی امله داعلی حضرت محمد نادر شاه شپید دنورو وطن پرستو عناصرو په ملا تړملی قیام وکړ او په دی تو که هیواد دمغه ستر خطر نه وژغورل شو. او همدا موقع وچې د هیواد نه دبید مرغی او نا کړاړی کمبله ټوله شوه او دکور نیو شخړ ولا تجوبی اتفاقی اونا کړاړی خای یووالی ورورگلو ی اوبسیا ژو ند و نیو او دیو مترقی سرلوړی افغانستان د جوړیدو او پایښت دپاره لارواره شوه نو ځکه افغانان دحسین پژندو نکو او قدر منو عنا صرو په حیث دتلی میاشتی دغه درنه او دپت نه ډکه ورځ هر کال په خورا مینه نما نگی او داعلی حضرت محمد نادر شاه شپید او دده دصادقو او وطن دوستو ملگرو دویاې نه ډکه کار نا موباندی فخر گوی.

هو لکه څرنگه چی ۱۶ کاله دمغه زمونږ هیواد یو لړ اجتماعی اوسپاسی کړ کیچو نو سره مخامخ و په همدی تو که په تیرو لسو کالو کې زمونږ هیواد داجتماعی، اقتصادی ستونزو او نا کړاړیو سره مخامخ وچې ددی حالت دوام زمونږ ملی ژوند ته زیان رساوه نولمندی امله و طن پرستو او صا لحو عناصرو تمهیم و نیوه چی دغه ستونزی اونیمگړتیاوی چی اجتماعی ژوند ته یی زیان رسولی وله مینغه یوسی نو هغه و چی دتیر کال د - جنگا بن په ۲۶ نیته زمونږ دملی مشراوژده تهراتیر خوا خوری بنا علی محمد داود په پاتی په ۶۲ مملکی

مرطال سب عمه



کر م پيله تقريباً از ۴۵۰۰

سال قبل به اینطرف درجهان

شناخته شده است.



میز ملور ژوندون در خدمت

خانواده های هلمند



از ساعت ۸ تا یک بعد از

نیمه شب.



ع. عبا

ارزش های جهانی اسلام

پیوسته به گذشته

هم نرویم و اوضاع اجتماعی و سیاسی جهان را، جهانی که اوج گیری علم و دانش بشری پای انسان را بروی سطح قبلی گذاشت، تحت مطالعه قرار بدیم. برخی از قسمتهای جهان پیشرفته ماحضی امروز هم این موضوع همان گرمی هزار سال پیش خود موجود پش را حفظ کرده است اما اسلام همیشه وارد جهان انسانها گردید با ارزشات متین و جهانی خود کما این امتیازات بیجا و این هیاهوی بی اساس نژاد پست و قبیله خواهی را از ریشه بر انداخت و بر روی آن خط بطلان واضح و محال کشید و برای انسان که عهده دار خلافت در روی زمین است اکیدا رهنمایی و خاطر نشان ساخت که وقتی میتوانست کشتی انسانیت را بسا حل نجات بکشد و وظیفه خلافت را بدرستی و موفقانه انجام دهد که مطابق باین فرمول ها و اساسات اسلامی رفتار نموده و برای گسترش این اصل بلند قدر اسلام جدو جهد بخرج بدهد.

حضرت محمد (ص) در همین زمینه خطاب بانسانها میگوید: (ملتت باشید که شما همه از آدم آفریده شده اید و آدم از خاک بود. اندیشه تفاخر را از میان بردارید و یقین داشته باشید که هیچ فضل و برتری لغرب بر عجم دارد و نه بر عکس و نه سفید پوست بر سیاه پوست دارد و نه هیچ طایفه بر طایفه دیگر بلکه تقوی و پرهیز گاری است که اساس همه امتیازات و برتری ها را تشکیل میدهد.)

پیا میر عا لیمقام اسلام این ارزشات خویش را تنها در چار چوب نظر و تیوری محصور نکرده بلکه آنرا عملا در وقت زمان خودش بدست خود از قوه به فعل آورد و در محل اجرا و تطبیق قرار داد و برای مثال باید گفت که عده زیادی از افراد سیاه پوست و زنجی را در مبارزات خویش موقع داد و عهده های مهمی را نیز بدو و ش ایشان گذاشت و از همه مهم تر اینکه آنها را باهمان و جا هت و چهره هاییکه نژاد پستند از آن نفرت داشتند و در پیرو شدن با ایشان را سبب عار و وطن میدانستند نزدیک خویش جا داد و هم صحبت خاص خود قرار داد و این خود انقلاب بزرگی بود در تاریخ حیات اجتماعی و سیاسی آن روزگار.

پیا میر اسلام بمنظور تحقیق بخشیدن باین اصل که انسانها همه یک انسانند و دارای یک ماهیت ارزش انسانی اند پس اوقات قاصدان دعوت خود را از همین افراد سیاه انتخاب مینمود چنانچه در یکی از پیام هاییکه برای یکی از فرمان رویان و قست فرستاد البته ایامی که او را باسلام دعوت میکرد توسط یکعده از سپاهان صورت گرفت

و چون ایشان بدروازه قصر رسیدند بسیار خواستند دستور داده شد بزرگتر ایشان باریا ب شود و عرض مطلب نماید و چون بزرگتر شان بحیث نماینده داخل گردید، حکمروا باخشم برنا طر خود صدا زد که این سیاه و این موجود نا دیدنی را چکر نه بحضور من بار دادی زود باش از نظرم دورش نهاده طالت دیدنش را ندارم و بر من چه عاری بزرگتر ازین که قیافه ای با یسن سیاهی و زشتی در برابر من قرار بگیرد و با من حرف بزند.

آن سیاه گفت اگر مسئله سیاه سی مطرح باشد و موضوع رنگ و زبانی را اهمیت بدیم پس آنها ییکه با من آمده اند سیاه تر از من اند در حالیکه مسئله مورد بحث چیز دیگر است که آن اصل ربطی بموضوع این صحبت ندارد و آن عبارت از ارزش ها و واقعیت های عالمی اسلام است.

بقلم: عبدالرحیم عینی

شخصیت های بزرگ اسلامی را معرفی میکند

حضرت عبدالله بن عبدالله بن ابی بن سلول (رض)

شهرت این صحابه ای جلیل القدر بر آنست که در راه خدا دوستی پیغمبر اسلام (ص) از تمام منافع خانوادگی گذشته حتی برضد پدر و هم قیام کرد.

نام این شخصیت مهم اسلامی عبدالله بوده و پدرش نیز بنام عبدالله بن ابی سلول (رئیس منافقین) شهرت داشته از مردم انصار و از اصحاب با وقار و از زمره نویندگان وحی رسول خدا (ص) و ستانان امت پیغمبر اسلام بحساب می آید که بزود پدر واحد و سایر غزوات را با پیغمبر اکرم (ص) مشاهده کرده است و پیغمبر اسلام در بعضی از سفرها ایشان و پرا نظریه دانشمندی و داشتن تدبیر امور بحیث نائب خویش تعیین نموده اند.

بند گان خالص خداوندی خوب در می کنند که عقیده فوق همه چیز ها بوده و شخص با ایمان در راه آن با تمام عزت و شخصیت همه چیز را قربان می کند زیرا عقیده حق خداوند بوده و انسان را آفریده و روزی میدهد و با بدرجات عالی

بند گان خالص خداوندی خوب در می کنند که عقیده فوق همه چیز ها بوده و شخص با ایمان در راه آن با تمام عزت و شخصیت همه چیز را قربان می کند زیرا عقیده حق خداوند بوده و انسان را آفریده و روزی میدهد و با بدرجات عالی

«باید دارد»

ایشان خطاب بانها فرمود: (عرب بودن مایه تفاخر و برتری نیست و بلکه عربیت زبانی است گویا و ملتفت باید بود که اگر انسان اسباب و عوامل فضیلت و برتری را خود بدست خود کسب و فراهم نکند و از طریق انجام اعمال و کار های نیک و شایسته، افتخار و امتیازاتی کما یسی ننماید، عرب ب بودن داشتن نسب و قوم اشرف، کدام برتری فضیلتی بوی نخواهد بخشید.)

مایه تفاخر و برتری نیست و بلکه عربیت زبانی است گو بشهادت تاریخ، بنی نوع انسان هر گونه ناگواری ها و بد بختی هایی را که در کشاکش ادوار مختلف زندگی دیده و کشیده اند قسمت اعظم آن ناشی از همین اصل بی اساس نژاد پست و اندیشه های تبعیض نژادی، مطلق و قبیله ای بوده است که سران قبا یل و بزرگان و اربابان هر قوم برای اثبات برتری و افتخارات خاص قومی و نژادی شان هموار مسبب مشتعل شدن آتش فتنه و فساد، قتل و قتال و دشمنی های متداوم میشدند و این طرز تفکر بعنوان نشانه غیرت و پایداری بر سر حفظ افتخارات از نسلی به نسل دیگری به میراث برده میشد.

هنگامیکه آیین اسلام در دنیای ماضیور کرد درست موقعی بود که جهان در همین شرایط و تحت همین طرز تفکر و نحوه پیش قرار داشت و از آنجا ییکه دوام این وضع با اساسات و اصول انسانی و جهانی اسلام به هیچنوع سازش و تطابق نداشت از آنرو با صراحت کامل این روش و این طرز اندیشه را مردود نمود و آن را مخالف نام و حیثیت عالی انسانی و آدمی و انمود کرد.

در عصر ما که عصر پیشرفت و دوران ابتکار و نو شکافی نیروی علوم و تکنالوژی محسوب میشود این اساسات عالی و بشری اسلام برانندگی و ارزش بخصوصی دارد زیرا در هر جا و هر نقطه ای از جهان که صدای انسا خوش آیند تبعیضات نژادی و برتری های عنصری و قومی بلند میگردد این واقعیت یا بصورت عملی و یا در شکل یک پذیرش ذهنی در انسانها عرض وجود میکند که جز اسلام هیچ قانونی از قوانین بشری نتوانسته به تمام مفتی، اصول و اساسات متین وارد شستنی در زمینه طرد ذهنیت های نژاد پست و در زمینه تامین مساوات کامل در میان کلیه افراد بشر و در زمینه حفظ وصیالت کرامت و فضایل ذاتی بشری، به پایه اسلام و ضلع نماید.

بقیه در صفحه ۶۰

کوتاه. دلچسپ. خواندنی



آیا میدانید که...؟

میگویند سر انسان بطور تقریبی سی هزار تار مو دارد، که اگر این موها را بصورت طنابی بهم متصل کنند میتوان با آن باری راکه در حدود پنج تن وزن دارد از زمین بلند کرد.

* سرعت سیر خون در بدن انسان در هر ثانیه ۲۵ تا ۳۰ سانتی متر است.

در سراسر دنیا تقریباً سه هزار زبان اصلی وجود دارد.

با آنتونی کوئین آشنا شوید

آنتونی کوئین هنرمند موفق سینمای غرب در سال ۱۹۱۵ در مکزیک متولد شده و در حال حاضر یکی از موفق ترین هنر پیشگان سینما به شمار میرود. در ۳۸ سالگی بخاطر بازی در فلم (زننده باد زاپاتا) و در ۴۲ سالگی بخاطر موفقیتش در فیلم (شبهوت زندگی) موفق بدر یافت جایزه اسکار گردید.

آنتونی مدتی نیز در تئاتر «برودوی» فعالیت داشت و در بعضی از فیلمهای تلویزیونی نیز شرکت داشت دوبار ازدواج کرده از همسر اول ۴ فرزند دارد و از همسر فعلی اش صاحب سه فرزند است. آنتونی کوئین آدم نسبتاً خود پسند احساساتی و با ظاهری خشن است، به حرف های مردم شایعاتی که پراش می سازند چندان توجهی ندارد. از معروفترین فیلمهای او میتوان ن زورهای یونانی، کوژپشت نوتردام در میامی اتفاق افتاد و ساعت ۲۵ را ذکر کرد.

صنفي برای دو گانگی ها

عجیب ترین صنف درسی جهان در مکتب «ژواکین سکول» از شهر های سانفرانسیسکو است. چرا که این صنف کاملاً «متعلق به دو گانگی هاست».

شاگردان این صنف که بیست نفراند و از ده فامیل تشکیل شده اند. خانم «کینمزی» معلم این صنف استثنائی میگوید: «مشکل کار در مکتب های دیگر حفظ کردن نام تمام شاگردانست ولی مشکل کار من در اینست که هر وقت بخوابم وارد صنف شوم، مثل آدم های مست همه را دو تا می بینم، و بهمین جهت دستور داده ام که هر يك از بچه ها سنجاق مخصوصی روی سینه خود بزنند تا رز بدارد و یا بخوابد دو گانگی خود مشخص شوند».



جواب هیچکاک



زمانی الفرد هیچکاک از نیویارک به پاریس تلیفون کرد تا با ژرژ سمیون نویسنده مشهور فرانسوی صحبت کند، همسر سمیون پای تلیفون آمد و گفت:

ببخشید آقای هیچکاک شوهرم مشغول نوشتن يك كتاب است و سفارش کرده تا مزا حمش نشوم: هیچکاک با خونسردی گفت: حق دارید، بگذارید کتابش را تمام کند، من گوشی را نگاه میدارم!

بر گور گور کن

در ایتالیا روی قبر يك گورکن این جملات را نوشته اند:

(درین مکان کسی آرمیده که نود سال از عمرش می گذشته و نامبرده در طول این مدت برای هزاران نفر قبر کنده است. و این مسلم است که هر کس برای دیگران چاه بکند خودش روزی در آن چاه خواهد افتاد.)

میز مدور ژوندون در خد

تنظیم و نگارش : رووف راصع

زیر نظر گروه مشورتی ژوندون عکسها از : بلالی

بشرکت : عابده نزیب دکتور رهنمای خانواده حدیثه مکمل آمره میر منو تولسه لشکرگاه

صالحه عمری و سیمای عبادی مددکاران اجتماعی میر منو تولسه ها چره انور زی، جنت حور نادری و فیهمه جمیلی از انالیه لشکرگاه، سارا حمیدی معلمه کودگستان، شریفه ولی زاده از صنف ۱۱، زکیه احدی از صنف ۱۲ عبدالله رحیمی و حبیبه محمود زی از صنف ۱۲ لیسه مختلط لشکرگاه محمد احسان امان، ضیا گل بلالی و اسدالله یوسفی شاگردان صنف ۱۱ لیسه لشکرگاه .
نظارت از: یناغلی محمد عمر فرحت امراطاعات و کلتور لشکرگاه، ویناغلی سید محمد بناروال لشکرگاه .
ونمایند گمان رادیو افغانستان .
محمد ظاهر امین مدیر عمومی آخذها و ظاهر عویدا پرودسر .

رووف راصع :

ضمن سیاس واحترام از فرد فرد شما خانواده های عزیز هلمند که دعوت ژوندون در ۱ پزیرفتید و در تدویر این دور سخن در ولایت خود ما رآمد نمودید، تکرار این سخن را بیجا نمیدانم که مجله ژوندون بحیث تنها نشریه خانواده های افغانستان از همان آغاز کار خود در زمینه تدویر میسر گردیدند .
های مدور حد فی نداشت جز را هیو یسی سالم درجهت شناخت واقعی علل وانگیزه گروه مشورتی ژوندون که در آن جمعی از بر جسته ترین حقو فدانا، متخصصان

روانشناس و شخصیت های بزرگ فرهنگی و مطبوعاتی کشور عضویت دارند و محتویات صفحات خا نوادگی ژوندون زیر نظر شان تهیه و تنظیم میگردند برای آنکه بر داشت های ما از تا بسامانهای خا نوادگی درچار جویه تفکر و قضاوت یک قشر خاص از یک منطقه خاص محدود نمانده باشد، تصمیم گرفت با تدویر این دور های صحبت در ولایات وانعکاس بر داشت ها و نظرات - خانواده های افغانستان در زمینه های مورد بحث این را هیو یسی عینی تر عملی گردد که اکنون مادر جریبا نهمین پروگرام در خدمت شما قرار داریم .

ما در دور سخن خود در شهر هرات موضوع صحبت رانقد و بررسی محتویات پروگرامهای خا نوادگی و آمو زشی رادیوو نحوه نشرات مجله ژوندون در همین بخش خاص قرار داریم و اکنون نیز در همین مورد صحبت خود را در شهر شما و در میان خانواده های شما دنبال می نمایم و یقین داریم نظرات، انتقادات و گفته های شما ماو پر دو سران پرو گرامهای خانوادگی رادیو را مددکار خواهد بود که بتوانیم در انعکاس پرابلم های خا صر خانوادگی و چاره جو یی آن مو فقتسر

باشیم .
باجازه شما سوال این طور طرح میگردد :

مجله ژوندون در فرم و محتوی خود چه معایبی دارد و بوجه شیوه های این معایب را میتوان از میان برد و یا اصلا حش نمود؟
پرو گرامهای آمو زشی و خا نوادگی رادیو مانند (گورنی ژوند) (شخی او نوی ژوند) و یادد بخش تفریحی (رادیو یسی ننداره) داستا نها و بخش های تمثیلی چقدر در کار خود مو فقتد و رو ی حد ف نشراتی خود استوار ؟

نظرات وانتقادات شما در شیوه کار پرو دسران رادیو چیست ؟
و برای اینکه تنها رادیوی کشور درکار نشرات خود مو فقتد باشد چه نظرو - پیشنهادی دارید ؟

اکنون صحبت در همین زمینه از شماو ثبت و یادداشت هم ازما .
حدیثه مکمل :

مجله ژوندون ها نظوریکه همیشه بخش پیش آهنگی و پشتا زی خود را در مطبوعات کشور ایفاء نموده است اکنون هم با این ابتکار تازه اش ثابت میسازد که واقعا این نشریه مجله خانواده های افغانستان است و نه کابل و دیگر اینکه ژوندون حتی در انتقاد پذیری هم اچلوه دار است و بیشتر بنابرین در مورد این مجله خلاصه میگویم اگر در توزیع آن تبدیلی های مو جود ازمیان برود و خواننده بو قت آن مجله را بتواند بدست بیاورد و اگر ها نظوریکه اقدام نموده اید بتوانید همیشه مثل عینی ژند گی واقعی گروههای مردم باشید و مردم ولایات نیز بتوانند گوشه های ژند گی خود را در آن بیابند بدو ن شک مجله شما در میان تمام خانواده های چیز فهم و صا حسب اندیشه و آنا نیکه ذوق مطا لعه دارندو - علاقمند یک نشریه خوب میباشد، راه خواهد یافت و تیر از فرو ش آن مردوزبالا خواهد رفت.

در مورد پرو گرامهای رادیو با یسد بگویم رادیو افغانستان بعد از استقرار - نظام متری و مردمی جمهوری در کشور بیشتر میگو شد رادیوی افغانستان باشد و نه رادیوی کابل، اکنون صدای رادیو صدای مردم افغانستان است و به همین دلیل هم انتظارات و توقعات مردم از این دستگاه نشراتی بیشتر از گذشته میباشد .
ژوندون



گوشه ای از جریان میز مدور ژوندون در ولایت هلمند .

مت خانوادہ‌های هلمند

شما اشارہ‌ای داشتید پیروگرام - شرایط زندگی مردم و در نقاط مختلف کشور کورنی ژوند و پروگرامهای دیگری که در همین رده نشر میگردد. هنوز هم این پروگرامها در سطح انتظار همگانی مدلی از زندگی همه مردم نیست بلکه خاص یک قشر معین میباشد که صبح ساعت ده از صبح ۱ پیر می خیزند و تمیلا نند صبح رادیوی کشورشان چند ساعت

صالحه عوری :

نشرات دارد. هر چند همین مطالب از نظر فورم خوب تهیه و پرو دیوس میشوند. به نظر من پرو دیو سران پروگرامهای خانوادگی ژوندون باید از نزدیک زندگی مردم، کشور باین نشریه نه تیراز آن در سطح

بجواب انتقادات، نظرات و پیشنهادات خانوادہ های عزیز هلمند پیرامون پروگرامهای رادیو افغانستان که در همین شماره نشر گردیده است باین منظور که موضوع یکجانبه مطرح نشده باشد و در مقابل گفته های شنویدگان رادیو نظرات و دفاع پرو دیو سران نیز نشر گردد گفتگوی داریم کوتاه و فشرده با شاعری دکتر محمد اکرم عثمان قصه نویس و آمر اداره هنر و ادبیات، شاعری عبدالحمید غیاثی آمر اداره روزنه و میرمن فبیله نورزاد تهیه کنندہ پروگرام کورنی ژوند که از نظراتان میگذرد، البته جمعی از تهیه کنندگان پروگرامهای تمثیلی رادیو و ممثلین ورژیده چون استاد صادق و شاعری فضل فیلی نیز در این بحث اشتراک داشتند که ما از همه شان امتنان داریم و امیدواریم این دور صحبت ما برای تهیه کنندگان پروگرامهای مختلف را دیو که واقعا بعد از استقرار نظام نوین کشور و میکوشند بخش های گونه گون نشرات رادیو را به خوبیترین شیوه ممکن هم از نظر فرم و هم از نظر محتوی تهیه نمایند مفید باشد.

دکتر اکرم عثمان :

در مورد انتقاداتی که پیروگرامهای این اداره وارد آمده است میگوید: رادیو از نظر تقسیم کار و با در نظر داشت محتوی پروگرامها به سه بخش تقسیم میگردد، اطلاع عالی، تربیتی و ادبی و هنری، اداره هنر و ادبیات رادیو بیشتر مسوولیت مرا قسبت و کنترل پروگرامهای را دارد که توسط همین اداره پرو دیوس می گردد و در همین بخش کلمات از نظر معانی آن تغییر نکند و غلط خوانده نشود، خوب بود آن انتقاد کنندہ عزیز هلمند بصورت مشخص کلماتی را که از نظریشان غلط خوانده شده است و یا اینکه چند نطق آنرا بچند نوع تلفظ نموده اند نام می گرفتند تا جواب قناعت بخشی برایشان ارائه میگردید در مورد انتخاب پارچه های شعر باید بگویم هیچ شعر نشر نشده باشد مگر اهمیت اخلاقی و اجتماعی نیست و اگر انتقاد کنندہ فکر میکند هر شعر عاشقانه انحراف است این سخن به معنی نفی صد هادیان و هزاره ها اثر با ارزش ادبی ما را دارد و پس در بخش داستانهای دنباله دار در همین مدت کم بعد از استقرار نظام موقری جمهوری در کشور داستان، مرگ رستم، بیژن و منیرہ، رودا به و زال، رابعه بلخی، ملا محمد جان، کاکه هار، لیلخاتون، لیلی و جوتون نشر شده است که همه از مفاخر ادبی و فخر لکلوری ما میباشد. در همین رده بالهام از شاهنامه فردوسی و دقیق داستانهای نشر گردیده و ژند گینامه های شاعران بزرگ چون رابعه، مسعود سعد جامی و ناصر خسرو بلخی نیز نشر شده است. در مورد اینکه باید نویسندگان و قصه نویسان شناخته شده کشور دعوت به همکاری کردند ما این کار را باز هانموده و باز هم خواهیم نمود.

میرمن فبیله نورزاد تهیه کنندہ پروگرام کورنی ژوند رادیو بجواب انتقادات و ا رده میگوید: در مورد بخش جواب پنامه های وارده پیروگرام کورنی ژوند محتوی این جوا بها همیشه بند و اندر نیست مگر در مواردی که جز آن راهی وجود نداشته باشد به عنوان مثال وقتی دختر ۱۴ ساله ای می نویسد که من عاشق فلان پسر ۱۶ ساله میباشم چه را می وجود دارد جز انروز دادن ذراین مورد که برای او فکر کردن به چنین مسایلی هنوز زود است ؟ لطفا ورق بزنید



کورنی ژوند رادیو در نشرات خود باید مشکلات عمومی خانواده هارا در نظر بگیرد و ما نند گذشته سلسله مصاحبه های خانوادگی این پروگرام را احیاء نماید.

نارسائیه باید در چوکات شرا یط نقد و بررسی گردند و اگر نه نظر ما و انتقاد ما ظالمانه خواهد بود.

تمام رضا کاران اجتماعی باید در زمینه ریسرچ عقاید و جمع آوری نظرات مردم پیرامون نحوه نشرات رادیو و ژوندون سهم فعال بگیرند باید نویسندگان و قصه نویسان چیره دست و شناخته شده برادیو جلب گردند و ژوندون بجای ترجمه داستان های جنایی خارجی راپور های جنایی داخلی را نشر نماید.

در ترتیب یک آهنگ خوب آواز خوان تصنیف ساز، کمپو زیتور و نوازنده سهم مساوی دارند، اما باین دلیل که فقط آواز خوان است که ب مردم معرفی میگردد شهرت دیگران نیز نصیب او میگردد.



جریان صحبت درمیز مدور برای وادیونیز ثبت گردید .

ماگر چه گروه مشورتی نداریم ، اما اغلباً در مواردی که نیاز احساس می‌گردد از متخصصان حقوق و روانشناسی و یا بخش های دیگر دعوت بعمل می‌آوریم تا کمک های عملی نیز به نویسندگان نامه ها صورت گرفته بتواند از آن گذشته هر هفته تعدادی از شنوندگان این پروگرام تلفوونی با ما درد دل های می‌دارند که ما آنها را دعوت می‌کنیم تا حضو را و عملاً زمینه های کمک به آنها مورد مطالعه قرار گیرد . گفته شده است که محتوی این پروگرام در حد فهم يك فشر خاص است و دیالوگها نمیتوانند عینیت زندگی را تمثیل نمایند در حالیکه این طور نیست مادر همین پروگرام همیشه مطالبی پیرامون مخارج اضافی عروسی ها ، عیدبری ها برای ها ، مراسم ختنه و غیره نشر نموده می‌نماییم در حالیکه اینها پرابلم های مردم ولایات است و نه از مرکز ، در بخش دیالوگها ما میکوشیم حتی گفت وگوی مثل و مثل که به عنوان زن و شوهر در پروگرام صحبت می‌نمایند کاملاً نمایانگر زندگی انفرادی خودشان نباشد و پرابلم های تمام اعضای خانواده از زبان آنها نشر گردد ، که در همین بخش صداها نامه وارده از مرکز ولایات کشور در مورد تایید کار ما نمایانگر این حقیقت هم هست که این پروگرام از يك نشر نبوده ، نیست و مربوط به تمام خانواده های کشور میباشد در مورد استفاده به نحوه تمثیل در این پروگرام نیز تفاوت رایج شنوندگان و ما می‌گذاریم .

من بجواب همه انتقادات و نظرات پیرامون این پروگرام يك سخن دارم و آن هم اینکه این پروگرام واقعاً خدمتکار خانواده های کشور است و تعداد پیشمار نامه هایی که ما می‌رسد ، اعتمادی که بنامیشود و تأیید عمومی که از کار ما صورت می‌گیرد هم همین معنی را دارد که شنونده این پروگرام از نحوه خدمت آن راضی است .

و موضوع دیگر هم اینکه بنابه فراوانی که رادیو مکلفیت دارد باتوجه به ذوق های گونه گون شنوندگان در هر بخش نشراتی داشته باشد .

دکتر اکرم عثمان میگوید :

آنانیکه میگویند رادیو باید داستانهای ادبی و تاریخی داشته باشد در طلب تحصیل حاصل هستند .

قبول این موضوع که هر شعرا عاشقانه انحرافی است ضد اخلاق اجتماعی معنی نفی هزار ها دیوان و اثر ارزنده ادبی را دارد .

رادیو از بدو استقرار رژیم جمهوری در کشور و بخصوص از آغاز نشر سیاست فرهنگی وزارت اطلاعات و کلتور نه تنها در نشر داستانهای تاریخی ، تر بیتی ، فولکلوری و ادبی کو تاهی نکرد بلکه به مقیاس دوره های قبلی کا ر خلاق و چشمگیر نموده است .

تقاضا است .

ژوندون متأسفانه اغلاط طباعتی زیاد دارد و گاه بقیه نوشته در صفحه ای که طبع میشود چاپ نمیگردد ، یا آنها هم این مجله با دقت نظر داشت با لیبسی نشراتی خود در

خانواده های کشور را خواهد یافت و با اصلاح معایب کنونی خود از نظر کاغذ چاپ و اغلاط طباعتی ده ها هزار خواننده خواهد داشت در مورد پروگرامهای رادیو من نظر گوینده قبلی را تأیید میکنم از نظر من در حال حاضر پروگرامهای خانوادگی رادیو در سطح توقع عموم کمتر میتواند مشکل زندگی عینی خانواده ها باشند .

ها جره انور زی :

از نظر من این شکل قضاوت عاد لانه نیست يك نشریه و یا پروگرام رادیوی برای اینکه بتواند از نظر فرم و محتوی با خواست و ذوق عمومی عیار گردد و همان باشد که همه می خواهند ، محتاج تحقیق و

ازد یایی گسترده است ، ضرورت به ریسرچ عقاید ر تمام کشور دارد ، در حالیکه ریسرچ و مخصوصاً احصایه در کشور ما کاری است کا ملاتازه ، شما چه فکر میکنید خبر تگزار آن ژوندون و یا -

پرو دیو سران رادیو کدام يك میتوانند با تمام خانواده ها و آنها در تمام کشور در تماس باشند ، از این گذشته با توجه به درجه سواد و فهم عموم اگر بنا باشد يك نشریه و یا پروگرام رادیویی خود را از نظر سویه با تفکر عموم برابر گرداند پس مسلماً آموزش و تنویر چه میشود ، بنظر من در زمینه ریسرچ عقاید تمام رضا -

کادران اجتماعی باید سهم فعال بگیرند و تمام خانواده های منور و آگاه نقش کمک دهنده را داشته باشند از خود شروع کنیم کدام وقت و کدام يك از ما در این زمینه پس گردانندگان ژوندون و یا رادیو لا اقل از راه

مکاتبه تماس گرفتیم ، و از ذوق نیاز مندی و خواست های خود در همین زمینه در -

خواستی نمودیم ، این درست که پروگرام

های رادیو و مطالب ژوندون کمتر با خواست عموم برابر است و یا اینکه مثلاً در قسم

و محتوی خود نواقصی دارند ولی ناراضیها

باید در چو کات شرایط بررسی و نقد

گردند و گونه نظر ما و ایراد ما ظاهر لمانه

خواهد بود .

محمد احسان امان :

من نظر این گوینده را تأیید میکنم و عقیده دارم در قسم اول يك دسته کوچک

خارج دیوان و خا رنجو یان میتواند برای

رادیو و ژوندون کمک نماید و انتقال

دهنده نظرات مردم از تمام کشور به این

دستگاههای نشراتی باشد ، فقط کافی

است برای اینکه يك کمک وزارت معالی

عمار ف و اطلاعات و کلتور پلانی طرح

گردد و به تطبیق گفته اشته شود در مورد

نحوه فعلی نشرات این دورکن مطبوعات

باید بگویم در رادیو غالباً داستانهایی

برای تمثیل انتخاب میگردد که نمود های

اجتماعی در آن ضعیف است ، در حالیکه مادر

تاریخ کشور خود و در ادب کشور خود -

روایات وقصه های داریم که اگر برای رادیو

پرو دیوس گردد هم آمو زنده است هم

ذوقی و هم تفریحی

در مورد مجله ژوندون نظر من این است

که صلحات جوانان و زنان و دختران

باید در بر گیر نیاز مندی های نشر خواننده

داشت .

هم در مرکز و هم در ولایات باشد و دیگر اینکه بجای اثر جمعه داستان های جنایی راپور های جنایی از واقعات داخلی تهیه و نشر گردد ، بدینگونه

بدون شک این مجله باز هم در کار خود موفقتر خواهد بود و خواننده بیشتری خواهد

فهمیده جمیلی :

من نظر خود را هم در مورد رادیو و هم

ژوندون کو تاه میگویم و فشرده در پروگرام

های کودنی ژوندون و بخش تمثیلی آن همیشه

در آغاز جنگ است و در فرجام آشتی و

تمثیل نیز فاقد جنبه هنری است ، چرا باید

همیشه بگویم و مگو های خانوادگی تمثیل

گردد ، از کجا اطمینان دارید که همین بخش

پروگرام مثلاً جنگ های میان زنان و -

شوهران را افزا یش نمیدهد ؟ نظر دیگرم

این است که بخش مصاحبه های رادیوی

باقصه نو یسان شاعران ، نقاشان ،

مشائون و در مجموع هنرمندان باید افزا یش

داده شود ، انتقادی هم داریم در مورد

پروگرام (رادیوی ننداره) و آن اینکه محتوی

این پروگرام در این آواخر تکراری است و

در پرو دیوس پروگرام نیز مانند گذشته

توجه نمیگردد .

در مورد مجله ژوندون باید بگویم این

مجله هم نو آوری های دارد و هم اشتباهاتی

و اشتباه بزرگ اینک بیشتر عکس های

هنر پیشه آگان خارجی در پشتی نشر می -

گردد .

جنت خود نادری :

در بخش پروگرامهای خانوادگی

پیامهای کوتاه

خواهر ما قدسیه سعادت از لشکرگاه!

های ارسالی شمارا نیز چاپ میکنیم و شما یادآور میگردیم که برای خوب نوشتن و داشتن و مخصوصا با آلتار بر گزیده ادبیات جهان آشنا بود قصه خوب هم آن است که آدمهای قصه هر یک بتوانند از تپ خود در اجتماع نمایندگی نمایند. زبان و کاربرد کلمات شان همان باشد که شخصیت های اصلی آنها بکار میبرند و مخصوصا حوادث قصه عینی باشند و لحظات زندگی در آن خوب ترسیم گردد بامید و فقط همکاری های خوب تر و بیشتر شما، شادباشید.

بناغلی برات از لشکرگاه!

بلی درست است نویسنده آن قصه همان شخص است که شما از ایشان نام برده اید. این قصه نویس خوب فعلا میل ندارد معرفی گردد و به همین دلیل با اسم مستعار می نویسد. بقیه در صفحه ۶۱

محرره نظریه عزیزی از لشکرگاه!

از علاقه شما به ژوندون امتنان داریم و نظر شما را نیز در این مورد تا پیدایشیم که آن عنوان به آن شکل درست نیست. البته غلط جایی است و شما هم می بخشید. جدول

های زیادی در هلمند قرار گرفته است.

دکتر سی عابد:

مجله ژوندون با آنکه واقعا مجله مردم است و نشریه بی رقیب خانواده های کشور و صفحات اختصاصی زیادی هم برای گروه های متفاوت خواننده خود دارد که هم آمو زنده است و هم ذوقی در بخشی مسایل صحنی اصلا مقاله و مطلبی بچاپ نمی رسد و این یک کمبود محسوس است در محتوی این مجله. در حالیکه خانواده های کشور از نظر صحنی محتاج راهنمایی می باشند و چه خوب است که به جبران این کمبود بعد از این در بخش رهنمایی صحنی خانواده های نیز به کمک دکتران -

هنکار با این مجله که خودشان گفتند جمعی از روزنامه ترین آنها هم جزء گروه مشورتی شما میباشند مطالبی تهیه و نشر گردد

بقیه در صفحه ۶۱

رادیو با اندازه کافی صحبت گردید و من نمی خواهم آنرا تکرار نمایم اما من انتقادی دارم در شیوه کار تهیه کنندگان داستانهای شب و پروگرامهای نمایشی رادیو و آن اینکه داستانهای پشتو بدی ترجمه می گردد و از دری به پشتو به عنوان مثال داستان آدم خان و دری خان زیاد آوریدم که ترجمه دری آن خوب صورت نگرفته است گویا نشیل آن خوب خوب بود از آن گذشته آدم هاو گر کتر ها اگر بزبان اصلی شخصیت های قصه صحبت میکنند یا توجه باینکه خصوصیت های عاطفی و لایحه و بیان نیز دیگر باطل است و فقط هم می باشد.

در حالیکه در همین بخش مجله ژوندون با واقعیت همگام تر است و داستانهای این

مجله هر یک نمودی است از زندگی گروهی و اجتماعی ما و قتل یک تپ خاص از مردم خودما. گفتن این نکته را هم لازم میدانم

که اقدام ژوندون در مورد تدوین میز های مدور در ولایات مورد توجه و علاقمندی خانواده



اثر: م. ت. آبریک

ترجمه: ع. ح. ایلدزم

علیشیر نوایی

تألیف: داستان

بهار، زیبایی شهر هرات را دوچند آن ساخته است. خبر باز گشت علیشیر نوایی به هرات و تقرر او به حیث مهربار دولت چون حادثه مهمی در سراسر شهر انعکاس میکند. روزی از روزها، بعد از آنکه نوایی در دیوان حضور می یابد، حسین پایقرا او را نزد خود فراخوانده پیرامون امور مملکت با وی به مشوره میبرد و نظرش را در باره مجدالدین خواستار میشود.

در همین آوان، ابو ضیاء باز رکن معروف خراسان پیشنهاد میکند تا وجوه مورد ضرورت خزانه را بر سبیل مساعدت نقد بپردازد، مشروط بر اینکه بوی صلاحیت داده شود تا وجوه مذکور را از طریق جمع آوری مالیات ولایت هرات، دوباره بدست آورد. این پیشنهاد در اثر وساطت مجدالدین پذیرفته می شود و توغان بیک مامور اجرای این وظیفه گردیده، بیک از دهات وارد میگردد.

عاملان جمع آوری مالیات و زکات با استفاده از غیاب سلطان که به خاطر فرونشاندن بغاوت میرزا یادگار از مرز هرات بیرون رفته است، مخارج کمر شکنی بر رعایا تحمیل میکنند، و این امر موجب خشم و اعتراض آنها میگردد.

حالا در صورتیکه برای تأمین پیروزی شما، تمام وسایل و امکانات مهیا باشد، من مشاوره با ستارگان را ضروری نمیدانم شما میدانید که من اهل جنگ نیستم، با آنها نیرو و شرایط هر دو طرف را عمیقاً بر رسی کرده ام. اساساً ضرورتی به تردد وجود ندارد. باید صبحگاهان یکجا با بلند شدن لوای خورشید باید درفشهای پیروزی را به اهتزاز در آورید.

حسین پایقرا با هم با همان اطمینان و جدیت حرف زد:

«به جنابشان روشن است که در صورت عدم تعیین وقت و ساعت جنگ ممکن است، ظفر رو گرداند و در هر کام مشکلاتی عرض وجود نماید. از همین جهت ارباب جنگ لازم میدانند تا در آستانه جنگ، کار به مشوره منجمان پیش برده شود.»

شاید آنها بما اعلان کنند که ستاره بخت ما سفر مارا انتظار میکشد. نوایی تبسم کنان پرسید:

«هرگاه منجمان عکس این مطلب را اظهار دارند در آن صورت حضور شان چه تصمیم خواهند گرفت؟ حسین پایقرا متروک نماند:

«چاره ای جز انتظار فرا رسیدن ساعت سعد نداریم. فقط همان روزی حرکت خواهیم کرد که ستاره بخت ما در برج سعد باشد.»

بیک ها در حالی که گاهی به نوایی و گاهی به سلطان میگریستند همانطور خاموش نشستند.

نوایی با نهایت نزاکت اظهار داشت:

«حضرت خاقان، بعقیده ما باید در هر امری خود را رهنما قرار داد. زیرا انسانها همیشه راه حق را در پرتو نور عقل دریافته اند و گره هر مشکلی را بیاری عقل گشوده اند.»

نوایی نیز در چادر ابریشمین بزرگ، بلند و مجلل، شمعدا نهی طلا را در پیشرو گذاشته، با عده ای از بیک های نزدیک و کار آگاه خود پیرامون (تاکتیک های جنگی) به گفتگو پرداخت. بیک ها که در جریان جنگهای دهشتزای پیهم و تهاجمات خونین چنگیز بر قاره ها و کشور های مختلف آبدیده شده و بعداً در جریان یورشهای خونین و سهمگین تیمور و استعداد جنگی شکفت انگیز او را شده یا فته و بتمام رموز تاکتیک های جنگی آشنایی دقیق داشتند، یکایک با اظهارات و ملاحظات خویش پرداختند و در باره اینکه باید از چه شیوه ای در حمله بر میرزا یادگار استفاده کرد و وظیفه سر لشکری را در بخشهای مختلف اردو به چه کسانی باید سپرد پیشنهاد های مشخص ارائه داشتند حسین پایقرا که نسبت به هر وقت دیگر بیشتر سر حرف آمده و حواس خود را متمرکز ساخته بود، تدابیر و پیشنهاد های آنها را تأیید کرد و بعد از آنکه حاضرین را یکایک از نظر گذرانید، با نوعی هیجان درونی و نشاط گفت:

«حالا سخن فقط بر سر کتاب (ستاره های) آسمان نیست، یا اینکه به خطا میروم.»

اسلم بر لاس با هیكل عظیم بد ریخت، سر پوشیده با کلاه خود را تکان داد و با اینکه آسمان دیده نمیشد چشمان خشم آلود خود را به بالا، به سقف چادر حریر که پوپک ها و دیگر لوازم تجملی از آن آویخته بود، دوخته گفت:

«طبعاً... باید دید ستاره ها چه میگویند...»

سلطان رو به نوایی نموده گفت: «منجمان را نزد خود فرا خوانیم.»

نوایی یکایک بسوی تمام حاضرین نظر کرد:

«به شهادت تاریخ، چه بسا سفر هایی که بر اساس هماهنگی با عقاید منجمان صورت گرفته، اما عواقب فجیع و نا میمونی داشته است. در اظهارات منجمان، خرافات نسبت بحقایق بیشتر وجود دارد. باز هم تکرار میکنم که باید صبحگاهان به دشمن شکست قطعی داده شود.»

بهار بی پیرایه و کم حرف - ذوالنون از غوغ بیک، در حالیکه با انگشتان باریک ریش کم موی خود را بر روی قهر آلود خویش میخارید مثل اینکه از گفتگوی زیاد پستوه آمده باشد، جثه عظیمش را راست نموده، با سینه فراخ نفسی عمیق گرفت و بر طبق عادت، شبیه حالتیکه خشمگین شده باشد، حرف زد:

«سخنان حضرت شاعر بسیار پر معنی است... بارها آزموده ایم. زبان ستارگان، استقرار ندارد، چه بسا که بشارت خنده آنها، به گریه مبدل گردیده است.»

حسین پایقرا در حالیکه دستخوش تردد، در اندیشه فرو رفته بود، نوایی دلایل خود را در باره اینکه با وجود هر نوع تعیین وقت توسط منجمان نباید امر هجوم به تعویق افکنده شود، بجلو راند. بیک های دیگر نیز که ناگزیر با نظریات نوایی هماهنگ شده بودند، کوشیدند بهر سلطان اثر وارد کنند و ضرورت این را که «باید بیاری خداوند بزرگ همین امروز به هجوم آغاز کرده بروی تلقین نمودند جلسه خاتمه یافت.»

حسین پایقرا بیکم ملازمان زره دربر کرد و کلاه آهنین بر سر نهاد شمشیری را که نیامش با طلا و

دور دست بنظر رسید، اسلیم برلاس وولی بیک از یمین سپاه بسوی یسار سپاه میرزا یادگار به هجوم گذشتند، شیخ تیمور و ذوالنون ارغون بیک بخاطر اینکه عساکر تحت نفوذ دشمن را از عقب مورد حمله قرار دهند بسرعت راه خود را دور داده از جانب چپ حمله ور شدند. امیر بدر الدین با عساکر جناح چپ اردو جناح چپ قشون دشمن را دلیرانه مورد تاخت و تاز قرار داد. آن بخش سپاه میرزا یادگار که در تحت فرماندهی امیر احمد علی برلاس قرار داشتند، در برابر تیراندازی پیهم و خیلی نیرومند افراد ولی بیک و اسلیم برلاس، به دفاع برخاستند. اما ولی بیک که در شمشیر زنی بنام بود با اسلیم شیر میتاخت و خود را محافظه میکرد میتاخت و خود را محافظه میکرد عساکر دشمن را بیرحمانه بجلو انداختند. جنگ و سیتز باوج خود رسید.

(نا تمام)

محاط با معتمد ترین سرکردگان و با شهادت ترین جوانان، بچنو میرفت. قراولان بسرعت بر گشته اطلاع دادند که میرزا یادگار با جدیت تام برای سپاهیان خود دستور آماده باش داده و آنها را برای مقابله بسیج مینماید، حسین بایقرا دستور داد تا بدون کمترین فوت وقت، تعراض آغاز گردد. دهل، سرنا و شیپور جنگ فضا را بلرزه در آورد. همینکه قشون دشمن از فاصله

سنگهای قیمتی گرانبها تر نشین شده و پدیده هنری نفیسی بشمار میرفت، بر کمر آویخت و کمان خود را بدوش افکند و گامهای استوار بجلو گذاشته باشکوه و دبدبه از چادر بیرون شد...

دمیدن صبح نزدیک است. در دور دستها، از فراز کوهپایههایی که در آغوش مهبی آبی رنگ غنوده اند، تک تک ستاره ها، آرام آرام چشمک میزنند. با دخنك صحرا مستانه میوزد و روی خیمه های ابریشمین، موجهای آرام پدید می آید. جوانان و تمام اهل اردو گاه بیدار شده اند. در خلال فضای نیمه تاریک از حرکات آنها می توان پی برد که برای اقدام به کاری بس مهم و جدی آماده گسی میگیرند.

ملازمان، اسب مست و را هواری را که زین و دیگر لوازمش بازر پاره ها و قطعات لعل و یا قوت زینت یافته پیش آوردند و سلطان را در آغوش گرفتن و بر زین نشاند.

حسین بایقرا با گروه بیکهای سوار با بهت خود که همه غرق در آهن و پولاد پیرامو نشن صف بسته بودند بسرعت باد، بسوی قلب سپاه حرکت کرد و از آنجا با جدیت و شهادت نظم و نسق سپاه را تحت مراقبت قرارداد. در جناح یمین (راست) سپاه، ولی بیک، میرزای کیچیک و اسلیم برلاس را بحیث سرکرده تعیین کرد. سرکردگی جناح یسار (چپ) سپاه را به امیر بدر الدین داد و قلب سپاه را که بر گزیده ترین شمشیر زن تشکیل داده، به شیخ تیمور و ذوالنون ارغون بیک سپرد. همینکه خورشید طلوع کرد، بخش های مختلف قشون بزرگ، مجهز با تمام وسایل و ترتیبات جنگ، روی دشت وسیع را پوشانید و بخاطر ییکار با دشمن به آرامی در حرکت بود.

خودهای آهنین، جو شنها، نیزه ها، سپرها و گرزهای گران، در فضای وسیع صحرا که با تاپیدن نخستین انوار خورشید، رنگ طلاهی بخود گرفته بود، میدرخشید اسبهای آشنا با صحنه های جنگ گوانیکه دستخوش بیتابی اند، با حرکت دادن سر شیشه میکشیدند و برای دویدن تلاش میکردند. چشمان سپاهیان و سرکردگان، خشم آلود چهره های شان سرد و جدی بنظر میرسید.

حسین بایقرا بر طبق تعبیر معروفتترین مورخ آن زمان (پسان جان در قلب آدم) در آغوش سپاه گسترده،

شماره ۳۰ - ۳۱



دمصطفى جهاد، خپرانه او لیکنه

د خوب او خوب لیدلو په

باب یولړ نوی او په زړه پوری

خپرنی

داچې ددوی دراوینبولو لپاره لازمه ده چې یا په ډیر زور ورته کړیکه ووېل شي او یا هم، داچې پښه او یا لاس یې په زوره سره وڅوڅول شي درانه خوبونه اکثراً به هغو کسانو کې لیدل کېږي چې په ورځې کې جسمي فعالیتونه او زورور کارونه سر ته رسوي یعنې ددوی جسمي ستړیا ددې سبب گرځي دوی په درانه خوب ویده شي خو کله پدې برخه کې - استثنا هم منځ ته راتلای شي پدې توګه چې امکان لري ځینې هغه کسان چې یادماغي فعالیت لري او یا هم دورځي له خوا عادي جسماني کار کوي هم ددرانده خوت خاوندان وي .

سپک خوبونه :

هغه کسان چې سپک خوب لري نویو کوچني غږ او یا هم په خوشي لمس کولو سره یې کیدای شي له خوبه راوېښ شي، داډول خلک اکثراً هغه کسان وي چې مغوی یا دورځي له خوا هوساوي یا خوب یې کړي وي، او یا هم ډیر لږ فعالیت ولري . یعنې دوی به هر حال کې سپک کارونه ترسره کوي او ځان یې پوره پوره او هر کله هوسا، اود کار وبارلپاره چمتووي، دځینو پوهانو د استدلال له مخې په سپکو خوبونو کې غوږونه اود پوستکي حساسیت هم سترګول لري چې که دچا دځان پوستکي او یا غوږونه ډیر ډیر حساس وي کیدای شي چې دسختو کارونو د ترسره کولو سره سره بیا هم سپک خوب ولري .

خوب لیدل :

له چې ومو ویلی د خوب لیدل د

لکه چې ومو ویلی د خوب لیدل دانسانانو ترمنځ یو ذاتي او غریزي عادت دی اوچې انسان مغزو له دندنیو فعالیتونو څخه گڼل کېږي، یعنې داچې هغه شان چې مونږ په خوب کې وینو نوته مو سترګې کار کوي، نه غوږونه څه اوري، نه په لاس څه کولی شو او نه هم په رښتیا هغه شان چې په خوب کې یې وینو چیرته تلای شو .

دطب پوهان عقیده لري چې د انسانانو دهر احساس لپاره په مغزو کې یوه معلومه ساحه طبیعتاً ټاکل شویده، یعنې اوریدل دمغزو په یوې برخې، لیدل په بلې برخې فکر کول او هدا شان نور نور حواس په بیلا بیلو برخو پورې ارتباط لري اود هغې ساحې یا برخې له خوا

ژوندون

وی وېښ شوی نو هغه پاتې کېږي چې دا ډول حرکات او تګ راتګ نور ټول په حیرانتیا کې ډوبوي خو دپو هانو له نظره دا کار دحیرا نتیاو نه دی ځکه هغه څوک چې په خوب کې ګرځي یا ځي اوراځي نو ښایي هغه دورځي ډیر زیات جسماني فعالیت ولري .

همدا راز به زړه پوری داده چې ښایي داراز خلک چې په خوب کې ګرځي بې له دې چې له څه شي سره تصادم وکړي نو هسي روغ رمتځي، ګرځي او بیرته راځي، پوهانو پدې باب چې ولې دوی دکوم شي سره ټکر نه خوري داسې گروهه لري چې مغوی له هغه کور یا (په عمومي توګه هغه محیط) سره پیڅي آشنا وي نو له دې امله حتی به ورځ کې هم ښایي داډول کسان وکړای شي په پټو سترګو دخپل کور ټولو برخو ته ولاړ شي ځکه چې ورسره پوره پوره بلدتیا او آشنایی لري .

تر ټولو ښایي دپه زړه پوری وی چې ووايو، هغه خلک چې په خوب کې ګرځي او یا کوم جسمي فعالیت سر ته رسوي خو پخپله هیڅ نشي کولای چې خپل فعالیت او کړه وړه احساس کړي حتی پخپله هیڅ پدې باور نشي کولای چې په خوب کې ګرځي .

لازمه ده چې دلته څه نا څه په ددو او سپکو خوبونو باندې هم رڼا واچوله شي .

دروند خوب :

ددرانده خوب خاوندان نشي کولای چې په سپکو غوږونو او یا لمس باندې له خوبه راوېښ شي، یعنې

خود خوب په ترڅ کې هغه یوه بله موضوع چې له ډیرو ډیرو پخوا زمانو څخه راپدیخوا پدې پوهانو پاملرنه ځانته راګرځولې ده، هغه دویده کیدلو په ترڅ کې دخوب لیدلو موضوع ده، پدې برخه کې ډیرو پوهانو خپرنی کړی او خپلی نظریې څرګندې کړيدي خو لومړی تر هر څه باید وپوهیږو چې خوب لیدل یعنې څه ؟

هغه وخت چې مونږ ویده شوو، یعنې خوب مویوسی نو ددې په ترڅ کې چې دماغ ورو ورو خپله ستړیا له لاسه ورکوي، نو ورسره ورسره یو ډول عجیب فعالیت هم کوي چه دا عجیب فعالیت دخوب لیدل دی یو پوه پدې عقیده دی چې ښایي دویده کیدو او خوب په وخت کې هم ځینې جسمي فعالیتونه سر ته ور سپړي . دمثال په توګه مونږ ډیره دا خبره اوریدلې چې وایی فلانی په خوب کې خبرې کوي چې دا دخپرو کولو فعالیت هم یو جسمي فعالیت دخوب په وخت کې ګڼلای شو . یسا داچې ځینې سره ددې چې په خوب ویده وي نورا پانځپړي او روانپړي چې داهم هغه جسمي فعالیت پسې خوب کې دی، خو ډیر ځله داسې هم لیدل شوی چې یو څوک سره ددې چې ویده دی نوله کونې نه وتلی، پر زینو هم ښکته شوی، دکور یا کلا دروازه یې هم خلاصه کړي او تللی دی چې پس له هغه یا بیرته خپل کور ته راغلی او یا هم چیرته لویدلی، نو که د لویدلو په اړه راوېښ شوی وي هم ښایي چې کور ته راشي او که نه

دپوهانو له نظره کله چې یو څوک جسماً او یا روحاً ستو مانه شي نو په ځان کې یو ډول سست والی او یې حالی حس کوي یعنې داچې خوب یری راځي، خو ځینې نور پدې عقیده دي چې که یو څوک یوازې جسماً ستړی شوی وي نو که دڅو شیبو لپاره بې له دې چې ویده شي . استراحت وکړي او په هوساینې سره وغږېږي نو ښایي چې ستړیا یې رفعه شي، خودا خبره باید هیڅ نه کړو چې د جسمي ستو مانتیا سره یو ځای انسان ته روحی ستړیا هم پیښېږي، داځکه چې د انسان دماغی قوا وي دپوی ورځي کار پس ترڅ کې خامخا ستړی کېږي چه بیا همداروحي یا به بل عبارت دماغی ستړیا په انسان باندې یو ډول بې سدي را ولې چې دهغه په ترڅ کې د انسان ارتباط له خارجي محیط سره قطع کېږي . پدې معنی چې په خوب کې نه څوک څه لوستلی شي، نه څه خوږلای شي او نه کوم بل کار کولی شي .

خو چې ددې بې سدي په دوران کې هغه دماغی قواوي چې ستومانه شویدی نور فعالیت نه کوي او پدې توګه دخوب په ترڅ کې ورو ورو خپله ستړیا د لاسه ورکوي او پس دماغ ددې ته چمتو کېږي چې دپلی ورځي لپاره بیا خپل فعالیت ته دوام ورکړي .

یعنې داچې ویلی شو جسمي ستړیا په استراحت او روحی یادماغي ستو مانه په ویده کیدلو (خوب) له میځه

کنترول او اداره کېږي، چه بيا دا ساحي هم يو تربله دمغزو دنورو اپړکو په وسيله سره ارتباط لري. دخوب ليدلو په وخت کې د انسان دمغزو بيلی بيلی ساحي په تحريك راځي (بيلی لږی چې مربوط غړی یی په تحريك راشي). يو څه ايجاد وی او بيا له نورو ساحو سره اپړکه پيدا کوي چې پدی توگه دمغزو په ټولو ساحو کې يو تحريك پيدا کېږي يعنی داچې ويلای شو دخوب ليدلو په وخت کې دهر حواس ددرک نقطه فعالیت کوی نه پخپله حواس.

دمثال په توگه که مونږ په خوب کې يو څه په سترگو وینو نو داسې بايد وگنله شي چې زمونږ سترگی هغه شي په رښتیا نه وینی بلکه د ليدلو ساحه په مغزو کې فعالیت کوي اود هغه شي عکس منځ ته راولی. څرنگه چې څرگنده شويده نو يو تن په منځني توگه په يوه اوونۍ کې لږترلږه دوه، درې واړه هرو مرو خوبونه وینی.

ولی خوب وینو؟

که څه هم اوس داپوره ثابته خبره ده چې دخوب ليدل یوه طبیعي غریز ده چې په انسانانو کې دنورو غرایزو سره يوځای وجود لري، خو بياهم ځینی پوهانو په دی باب ځینی نظریې وړاندې کړي دي.

يو پوه په دی برخه کې داسې عقیده لري چې - که يو څوک پخپلو ورځنیو کارونو کې له جسمي ستړیا څخه ډیره دماغی ستوماتیا احساس کړي او په مغزو یې ډیر فشار راشي نوښایي چه خوب ووينی او هغه کسان چې ډیر جسمي فعالیت کوي ښایي ډیر لږ خوب ووينی.

خو ځینی نور خپله نظریه داسې څرگندوي چې که دیوه چاهر څومزه په اعصابو کې ډیر ضعف موجودوی نوښایي چې تر نورو ډیر خوب هم ووينی او هغه کسان چې ښه قوی او نورمال اعصاب ولري نودا ډول خلك دويد کيدلو په موقع کې ډیر خوبونه نشي ليدلای. خو هغه کسان چې دماغي يا عصبي ضعف ولري که څه هم ډیر دماغي فعالیت ونه لري نود خوب ليدلو امکان یی تر نورو ډیر دی.

ځینی نور پوهان داسې څرگندونه کوي چې که يو څوک دورځی له مخې ډیره اندېښنه او فکر کوي یا چرت وهي نوددی ډیرو خیالیاتو نتیجه یی هغه ده چې دويده کيدو سره سم

شماره ۳۱۳۰

خوب ووينی چې اکثراً ويل کېږي دا ډول کسان پخپله ځانته دخوب ليدلو زمينه برابروي، خو هغه کسان چې ډیر چرت او فکر نه خرابوي نوښایي چې خوب ونه ويني.

خودا امکان هم شته يوهغه سړی چې هغو مړه اند يښنه او چسرت هم نه وهي خود ورځی له مخې له ځينو عجیبو پېښو سره مخامخ کېږي اودا عجیبې پېښې یی دیوی لږی یا ژباتی شیبې لپاره اعصاب مصرو فوی، نو امکان لري چې خوب ووينی.

اوس اوس پوهان خوب ليدلونه دروحي تحليل او تجزیې په خاطر ډیر ارزښت ورکوي، (پسيکنالیز) هغه طریقه ده چې دزيگموند فريډو له خوا منځ ته راغلی چې کولی شي په دی توگه دانسانانو ددماغي او روحي ژوند څرنکوالی معلوم کاندې اوروحي دستگاه یی تر څېړنې لاندې ونيسي او هغه څه چې ددی طریقی لپاره ډیر لازمی او حتمي گڼل کېږي هغه دمطلوبو کسانو دليدل شوو خوبونو مطالعه ده.

دفريود اود روحياتو دځینونورو پوهانو له نظره هر انسان دکیفیت په لحاظ دوه ډوله ضمیرونه لري، لومړی آگاه یا وړښ ضمیر چې زمونږ دورځنی ژوند او فعالیتونو هنداره ده، خودانسانو سره ځینی داسې غوښتنې او حقایق وجود لري چې یاد چارپېر یال له غوښتنو سره سمون نه لري او یازمونږ په تالوان دی، نو ددی فشارونو له امله هغه غوښتنې او حقایق له مونږ سره پټ پاتې کېږي.

بل ډول ناآگاه یا ویدیه ضمیر دی چې دلته ټول حقایق له خپلو واقعی څیرو سره پراته دی، هر کله چې دخوب یادا شان کوم بل تکنیک په وسيله آگاه یا وښ ضمیر له کاره ولو ږي نو ویده یا نا آگاه ضمیر په فعالیت پیل کوي او حقایق یی له کوم فشار څخه منځ ته راځي، چې دغه حقایق اکسراً د خوب ليدل گڼلای شو چې د انسانانو په ژوند کې ډیر ارزښت لري، ځکه هر راز چې وی مونږ بيا هم نشو کولای په وښه دیوه چا دزړه اصلی هیلې او غوښتنې ځانته څرگندی کړو او بيا هم ددی هیلو او غوښتنو څرگندولو لپاره د خوبو نو مطالعه ارزښتنا که بلله کېږي.

ډاکتر تامسن وایي: ما داسې يو ماشوم پېژانده چې په ورکتوت

کې یی له خپلې مور سره ډیره ډیره مینه درلوده، داهلك ښونځی نه ته څو چې هغه یی خلاص او لیسه یی هم پسي پای ته ورسوله او ځوان شو.

نود مور سره دده دمنځني اومحبت نښې په بل ډول تیارز وکړې یعنی داچې که دده مور او پلار دشپې له مخې چیرې تلل لده سره ډډار او ویری قوی احساس پيدا کیده، څو چه لهدی امله په یوی روحی ناروغتیا اخته شو او خپل روحی انځول یی له لاسه ورکړ، خودی لهدی پلوه چې یو پوه او پوخ ځوان وو نوله دی ډیر شرمیده خپل دغه احساس خپلې مور او پلار ته ښکاره کړی او ور ته ووايي: تاسې دشپې له کورمه مخی زه ویرېږم... داځکه چې داسې پسي علتونه ویره دټولنی او گم ژوند د معیارونو سره توافق نه لري، که څه هم دی دیوه ډیر درانده روحي تکلیف سره مخامخو، نو بيا هم دی ته یی زړه نه ښه کاوه، چې خپل دا احساس چاته څرگند کړي، څوچې

ډاکتر تامسن دپسيکنالیز په متود باندې دده علاج او تداوی وکړه او معلومه شوه چې داد ویری عارضه دی ځوان ته دډیر کوچنیتوت سوغات دی، ځکه ده ته ښه هغه حقایق ورپه یاد شول چې مور به یی له کورمه تلله اودی به یی یواځې پرېښوده، څوچې دی ویری ورسره یوځای وده وکړه او نتیجه داسوه چې دځوانی په وخت پرده باندې غلبه وکړي خوب ليدل د ظاهري ښی له نظره یوه معنوی بدیده ده، خو باید ووايو چې خامخا دغه روحي پدیدې بيو لو ژیکسې تغيرات هم دننه دانسان په اورگنیزم کې مینځ ته راولی په خوب کې مفاهیم او معناوی دکلیماتو او کرښو په توگه نه بیانېږي، مگر په وښتوب کې داسې نده ځکه تصاویر او عکسونه او خوبونه دخوب ليدونکي کېږي يعنی داچې ويلای شو په وښتوب کې معناوی خپل نامرېی شکل پرېږدي او مری شکل غوره کوي.

دخوب ليدلو په وخت کې مونږ دخپلو کړاوونو، ستونځو، ویرو هیلو، اميدونو او داسې نوروشیانو په باب فکر اوانديښنه کوو چې مونږ څه ډول گوري اوبلاخړه دهغه درک د اوکړاوونه څه ډول حل کولای شو همدارنگه خوب ليدونکي دهغو کسانو باب یی لرو چې البته هغو ښه

تماس لري.

کله چې خوب په ژوره توگه وڅېړل شي نو هغه ټول تصویرونه عکسونه او خوبونه دخوت ليدونکي دذهن دنیا روښانوي اود خوب په نتیجه کې دایه ډاگه څرگندېږي چه مطلوب خوب ليدونکي ځانته په څه ډول گوري او څه نظر لري خلك هغه ته په ژوند څخه په څه ډول دی؟

لوی اوستر پوه (امر سون) پدی باب داسې نظر لري چې (يو پوه انسان دخپل ځان دپېژندلو لپاره خپل خوب تر څېړنې او مطالعې لاندې نیسي) که څه هم شخصیتونه په خوب کې ډیر اوبیل بیل وی مگر دیوی قاعدی له مخې راټول شخصیتونه دحقیقت زمونږ تر لاسه کوي چې دوی (بیل بیل کرکټرونه) دهغه شخص (خوب ليدونکي) په عاطفې ژوند کې دخالت لري.

ولی مونږ پردی خلك په خوب کې وینو؟

ددی پوښتنې لپاره زمونږ خواب پدی ډول دی چې دغه پردی خلك په رښتیا هم پردی او ناآشنا خلك نه دی، بلکه زمونږ د ذهني مفاهمو تجسم دی چې دهغو اشخاصو په باب یی لرو چې البته هغوی ښه پېژنو دمثال په توگه هغه ځوان چې خپل پلار ډیر سخت گیر اوبانضباط گڼي نود خوب په وخت کې خپل پلار دیو عسکر یاد پولیسو دافسر په ښه اویاد ښوونکي په څیر اوداسې نورو انضباطی مظاهرو غوندې وینی.

حقیقت دادی چې دغه سړی دخپل پلار نه نور تصورات هم لري چې دهر یو لپاره په خوب کې یو مناسب مشکل پيدا کېږي، اوددغو مفاهیمو مجموعه دپلار په باب په یوه خاص شکل تجسم پيدا کوي، چې خوب ليدونکي ته ناشناس وی. که څه هم خپله هغه صفات او خصایص ورته معرفی دي.

همداسې امکان لري چې خوب دهغه نظر ښکارندوی دي، چې خوب ليدونکي جهان ته په هغه نظر گوري، که دی دخپل عادی ژوند کې حس کړي چې جهان ورته تنگ دی نو په خوب کې ترلی ځایونه ډیر وینی، که ژوند ورته بی خوند، سوړ او بی لطفه وی نو دده دخوب زمينه هم وچه او بی خونده وی.

(نور بیا)

منطقه کانال سوئز بیک مرکز صنعتی

و سیاحین جهان مبدل میگردد

از شتر ن
ترجمه: س علوی

هفت سال تمام کانال سوئز بیش از یک کانال مرده نبود. و بصورت عمومی جبهه جنگ بین مصر و اسرائیل را تشکیل میداد. اکنون متخصصین مصری، آمریکایی و انگلیسی مصروف پاک کردن کانال از مینها و نقیبهای میباشند که اسرا ئیلیها در آن تعبیه کرده بودند.

ژان مارك پلانکان جوان ۳۴ ساله اهل اسپانیا قو ماندان ورئیس دسته غواصان شهر تولون اخیرا اظهار داشته است که بازرگانان نسبت به غواصان نیکه نقیبها را خنثی میکنند بیشتر با خطر مرگ مواجه میباشند این دسته غواصان که فن شان جستجوی نقیبهای غیر مکشوفه است از شهر تولون منطقه تورستیک کورت آژور را هر سال از مینهای دور جنگ دوم پاک میکنند. بقرار احصائیه که این دسته در اختیار ارباب جراید گذاشته سالانه پنجصد

هستند به خطیر بودن این وظیفه خویش ملتفت میباشند. زیرا آنچه قوای نظامی مصر و اسرا ئیل در طی هفت سال در چار جهت کانال سوئز بکار برده اند بمراتب مشکلتر و خطرناکتر از میدا نهای جنگ عمومی دوم میباشند. زیرا همچنانیکه تخنیک سلاح جنگی بعد از جنگ عمومی دوم تغییر قابل توجهی کرده در طرز تعبیه مینها و نقیبهای جبهه اسرائیل و مصر و سوریه نیز تغییراتی صورت گرفته است. چنانچه نقیبهای درد وجهت کانال سوئز کشف شده است که از یک جعبه سنگرت بزرگتر نبوده و کشف چنین نقیبها واقعا کار دشواری به شمار میرود.

امیر البحری کنتتکا رول منتظم تصفیه منطقه کانال اخیرا اظهار

داشته که تنها در یک ساحه دو صد متری کانال بیست و پنج هزار عدد بمب و نقب منفجره کا شده کشف شده است.

درینجا مراد از کلمه «ماء» این است که مصرینها در کنار امر یکایی ها مشترک کار میکنند.

اما در داخل کانال انگلیسیها و فرانسویها مصروف میباشند. ولی هر دو وظایف جدا گانه دارند به این ترتیب که غواصان انگلیسی با آلات مخصوصه تا عمق سیزده متر بستر کانال را پاک میکنند در حالیکه فرانسویها با دستگاههای شان تا عمق سه تا چهار متر سواحل کانال را تصفیه و آماده کشتیرانی مینمایند. همچنان سه تن از غواصان ورزیده در کنار هم در بستر کانال مشغول شناوری میباشند و ریگهای بستر کانال را میکاو ند غواصان وقتی موجود مشکوکی را کشف کردند فوراً ذریعه یک قطعه کاک روی آب خبر میدهند و غواص سپس به تجسس خویش ادامه میدهد وقتی درست در حدود یک کیلومتر از محل مکشوفه دور شد گروپ منفجره فرا میرسد.

یکی از غواصان در محلیکه کاک بالا آمده است به آب فرو میرود و موجود مشکوک را با مقداری مواد منفجره آلوده می سازد و به ایسن تر تیب تمام مواد مذکور به هوا منفجر میگردد. برای سر بازار ن مصری که مشتاق فیروزی تا لحظه اخیر هستند و هر لحظه چشم پراه مارش دیگر میباشند این انفجارها از زندگی یکنواخت شان میکا هد و بدنبال هر انفجار فریاد شادمانی میکنند.

یکتن از خبر نگاران از رئیس دسته تصفیه کانال پرسید که آیا این وظیفه وحشتناک و ترس آور نیست؟ رئیس هیئت خنده گنان این موضوع را رد کرده گفت که دسته مادر رشته شان تخصص پیدا کرده اند. خلاصه بعد از چار یا پنج ساعت کار متد و خسته کننده در زیر آب و هوای گرم روز، کار گنان از کار باز میمانند و



۲- غواصان فرانسوی در عمق کانال مشغول پاک کردن نقیبهای منفجره میباشند.

به استراحت میبرد زند . کند . اجرت غواصان مذکور ۵ فرانک
 تعجب در این است که هیچکدام و هفتاد سه ساعت میباشند از بیست
 آنان نمیتوانند مقدار خطر را تشخیص و پنج سال تغییری نکرده است .
 بدهند . کا پیتان پلانکان نقشه البته معاش ماهانه شان به سه هزار
 جغرافیایی کانال را بصورت دقیق و فرانک فرانسوی و بیمه صحتی و محل
 مشرح تهیه کرده و هر غواص وقتی رهایش نیز تأمین میگردد .
 بخواند محلی را از نقب پاک کند مشکلات جستجو کنندگان نقب
 پیش از پیش از روی مودل خود را بریتانوی کاملاً بادیگران تفاوت می
 باخصوصیت اراضی آن منطقه آشنایی کند زیرا آنان نه تنها آلات و وسایل

شان محل نقبها را کشف میکنند بلکه اشیا مشبوه و جامدی را که
 سالها در بستر کانال سوز افتاده است نیز معلوم میکنند . این وسایل
 نقب تانک و نقبهای ضد موجودات انسانی ، پیپ های خالی بنزین و
 صندوقهای مشروب الکلی و امثال آنها نیز کشف میکنند که رویهمرفته
 پانزده فیصد از مجموع این اکتشافات

خطر ناک تبشیت گردیده است . از خلال فعالیتهایی که جریان
 دارد دستنباط میگردد که کار پاک کردن نقبها اسباب خاتمه یافته است
 در حالیکه کار گران روسی در بندرو خلیج و سوز هنوز مشغول پاک کردن
 نقبها میباشند . تصفیه کانال سوز که از آرزو
 بقیه در صفحه ۵۹



۱- نقبهای که از طرف عساکر اسرائیل در امتداد کانال سوز تعبیه شده بود حالا ذریعه متخصصین نظامی مصر و کشور های دوست خنثی-
 ساخته میشود . شماره ۳۰ و ۳۱ صفحه ۲۱

دو صد فیصد افزایش در دارل



دوکتور غلام ابوبکر رئیس و تر نری و مالداري وزارت زراعت و آبیاری و شاه احمد فیضی آمر عمومی راپور از (آشتی) پيله وری

امسال از ۲۷ هزار جعبه تخم تجارتی پيله بالغ به ۱۰۸-افغانی بدست خواهد آمد

کرم پيله تقریباً از ۴۵۰۰ سال قبل به اینطرف در جهان شناخته شده است .

راه ابریشم با طول ۶۰ هزار میل از کشور ما عبور مینمود و به خط تاریخی ابریشم مشهور گردید .

کشور ما بتاسی از مساعی مشترک ملت و حکومت در آستانه يك تحول عظیم اقتصادی و اجتماعی قرار دارد و هر روز بسوی ترقی و تعالی گامهای مثبت بر می دارد و این امر مستلزم آنست تا برای نیل به این آرزوی ملی همه در يك جهت بکوشیم و در تطبیق پلانهای انکشافی و پرو گرام های اصلاحی صارقانه سهم بگیریم ، بامسرت ملاحظه میشود که نظام نوین به این واقعیت متوجه گردیده و مطابق به کشور ما بتاسی از مساعی مشترک ملت و حکومت در آستانه يك تحول عظیم اقتصادی و اجتماعی قرار دارد و هر روز بسوی ترقی و تعالی گامهای مثبت بر می دارد و این امر مستلزم آنست تا برای نیل به این آرزوی ملی همه در يك جهت بکوشیم و در تطبیق پلانهای انکشافی و پرو گرام های اصلاحی صارقانه سهم بگیریم ، بامسرت ملاحظه میشود که نظام نوین به این واقعیت متوجه گردیده و مطابق به

تقریباً چهار هزار و پنجصد سال قبل از امروز ابتداء در کشور چین توسط ملکه (سی لنگ تی) کشف شده و در حدود سه هزار سال قبل اخراج تخم پيله از خاک چین ممنوع قرار داده میشد قیمت ابریشم در آنوقت خیلی گران و بوزن طلا خرید و فروش میگردد و تنها خاندان امپراتور ها و ثروتمندان به استعمال ابریشم قادر بودند . امپراطوری چین پارچه های ابریشم را به قسم تحفه به امپراتور ها و سلاطین دیگر تقدیم مینمود بعد ها تخم مذکور را نیز بقسم تحفه به شاهان و سلاطین نیز توزیع مینمود . راه ابریشم يك خط مهم تجارتی و تاریخی جهان بشمار میرود که از مرکز چین ، پیکنگ ، تا روم و لندن به طول شصت هزار میل امتداد داشت و توسط قطار های اشتراک ابریشم را بادیگر اموال تجارتی به کشور های مختلف نقل میدادند این خط تاریخی از حصه شمال مملکت ما عبور نموده بلغ و هرات در آن زمان از مراکز مهم تجارت ابریشم بشمار میرفت تهیه کرم پيله از سال های قدیم در کشور ما خصوصاً در صفحات شمال و شمال غرب رائج بود .

برای تطبیق پلانهای انکشافی و عملی نمودن آن گامهای موثر بر داشته است . این مطلب را دوکتور غلام ابوبکر رئیس و تر نری و مالداري وزارت زراعت و آبیاری طی مصاحبه با خبرنگار ژوندون بیان داشت . دوکتور ابوبکر در مورد تاریخچه کرم پيله و تاریخ پرورش آن در کشور اظهار داشت : کرم پيله از جمله حشرات مفیده بوده از نظر طبقه بندی حشرات کرم پيله اهلی میباشد ، کرم پيله



ما مورین فنی در داخل لابراتوار پروژه پيله وری در حال فعالیت

در حاصلات فارم پیله وری

امان



تخمهای استحصال شده کمپاین اول به اطاق مخصوص برای حفظ درجه حرارت گذاشته شده است

۵- شعبه نجار خانه برای ساختن سی هزار جعبه خالی تخم پیله که در سابق از خارج وارد میگردید و تامین سایر نیاز مندی های پروژه در طول هر سال.

۶- شعبه تولید و حفظ تخم نسلی و یا مادری پیله برای سال های آینده. این پروژه در سال ۱۳۴۷ شروع بهره برداری امتحانی نمود که در آن سال صرف ۷۰۰ جعبه تخم تجارتی پیله استحصال شده بود.

از سال ۱۳۴۶ با ینطرف بود چه و عواید پروژه عصری پیله وری طی جدول جهت معلومات بیشتر ارا نه میگردد.

بقیه در صفحه ۵۸

همچنان در گذشته لابراتوار مجهز جهت اجرای فعالیت های فنی موجود نبود و امور فنی بدون وسائل و تجهیزات ثمر بخش نمی باشد بنا بر آن در سال ۱۳۴۶ پروژه عصری و مجهز بنام پروژه پیله وری در دارالامان به ظرفیت تولیدی (۲۰) هزار جعبه تخم تجارتی ۱۲ گرامه به سرمایه یکصد هزار پوند ستر لنگ در ساحه ۳۵ هکتار زمین تاسیس گردید که دارای شش شعبات ذیل می باشد.

۱- فارم توت به ساحه ۳۵ هکتار زمین که تا کنون ۸۰ فیصد آن نهال توت غرس و دارای سه چاه عمیق می باشد این فارم بمنظور تولید دوصد تن برگ توت برای بهره برداری از (۲۰) هزار جعبه تخم تجارتی ۱۲ گرامه و دو هزار تخته کاغذ تخم ماری تشکیل شده است.

۲- تولید تخم - سه بلاک بزرگ یکی سه طبقه ئی و بلاک دیگر دوطبقه ئی بمنظور بهره برداری تخم پیله اعمار گردیده است.

۳- لابراتوار مجهز با میکرو سکوب و مواد کیمیاوی برای معاینات میکرو- سکوبی تخم پیله از نگاه امراض پیله.



محل مخصوص برای نگهداشت و ذخیره برگ توت

دکتر ابوبکر در مورد افزایش حاصلات تخم پیله امسال چنین گفت: ج - تربیه کرم پیله از سلا لیان متعددی بین مردم پیله و قسم عنعنوی مروج بوده و از فروش ابریشم مفاد زیاد بدست می آورند.

این رشته مخصوصا برای مردم بی بضاعت و بیکار ارزش حیاتی دارد چون درخت توت در همه نقاط کشور نمو کرده و آب هوای مناسب برای تربیه کرم پیله و درخت توت موجود است از ینرو در تمام نقاط کشور امکان ترویج پیله دیده شده و ده ها هزار نفر همین اکنون در این شغل مصروف بوده و در ظرف کمتر از ۳۵ روز از یک جعبه تخم پیله ۱۲ گرامه

۸- کیلو غوزه خشک بدست می آورند که فی کیلو غوزه خشک (۵۰۰) افغانی خرید و فروش میگردد. بنا بر دلایل فوق حکومت از سال ۱۳۳۲ -

الی ۱۳۴۶ استیضای های پیله در ولایات کابل، هرات، ننگرهار و بدخشان با فارم های مناسب برای تولید تخم پیله و توسعه پیله وری اعمار گردیده بود و بدبختانه در نتیجه بی توجه ای یکی بعد از دیگر از بین رفت تا اینکه در نظام جمهوری استیضای های فوق جهت توسعه و انکشاف پیله

وری دو باره احیا شده بر علاوه استیضای های فوق استیضای پیله وری شرکت سپین زر در ولایت کندز روی یک پرو توکول برای مدت پنج

سال برای تولید غوزه ابریشم و رهنمائی پیله وری آنولا تحت رهنمائی وزارت زراعت و آبیاری قرار گرفت که نتیجه آن در سال جاری فوق العاده قناعت بخش میباشد.

نگرشی در آینده

ترجمه : کاوند

اروپا با اضافه سی سال

● دانش آینده نگرى باتازه گى
گام‌هاى لرزان را بر مى دارد
● اين دانش امكان ديد واقعى
تر را از دگرگونى هاى آينده
مى دهد

كسيكه آينده‌ى اروپا را زير نگرش و كاوش دارىك نفر از اعيان انگليس است. او توسط كميسيون جا معه اقتصادى اروپا، براى دريافت اينكه چه ارزش ها، چقدر مدت و چه اندازه پول ضرورت است تا به صورت علمى آينده تحول اروپا را نگرىست تعيين شده است لارد كندت كه پايه پنجاه و يك سالگى است در گذ شته وزير بوده و در دانش آينده نگر علمى خبره است. پرو گرام آزمائشى او در وجود دانش آينده نگرى علمى تبلور يافته است دانشمندان در پروسه و هشتم پايتخت ديگر كشور هاى عضو جامعه اروپا باور دارند كه هر گاه ما اندیشه‌ى كامل از ضرورت هاى آينده به صورت علمى در دست داشته باشيم مى توانيم به آسانى چار چوب سياست انرژى، زراعت و رشد منطقه اى و دانش را تعيين بداريم. شعار (اروپا به اضافه سي سال) گويائى تلاشى است كه امروز براى نگرش واقعى فردا صورت مى گيرد.

دارند و روف، عضو كميسيون اروپايى تا آموزش، معيار هاى ملى بسيار در پرو سل و مسول اينگونه امور محدود و باريك بوده جوابگويى خواست هاقبل اظهار نموده بود كه توجه هاى تحقيقات دانش امروزي را نمى همكارى نيست. پرو فيسور رالف

نشان مى نمايند هر گاه بخوا هيم متخصصان بيشترى را در ساحه‌اى معين دانش گرد هم آوريم، بايد سرحد هاى ملى را درهم نورديم.

ساحه هاى ملى بسيار كوچك اند هيچ ساحه ديگرى مانند دانش و تكنولوجى داراى امكان گسترده و همكارى نيست. پرو فيسور رالف

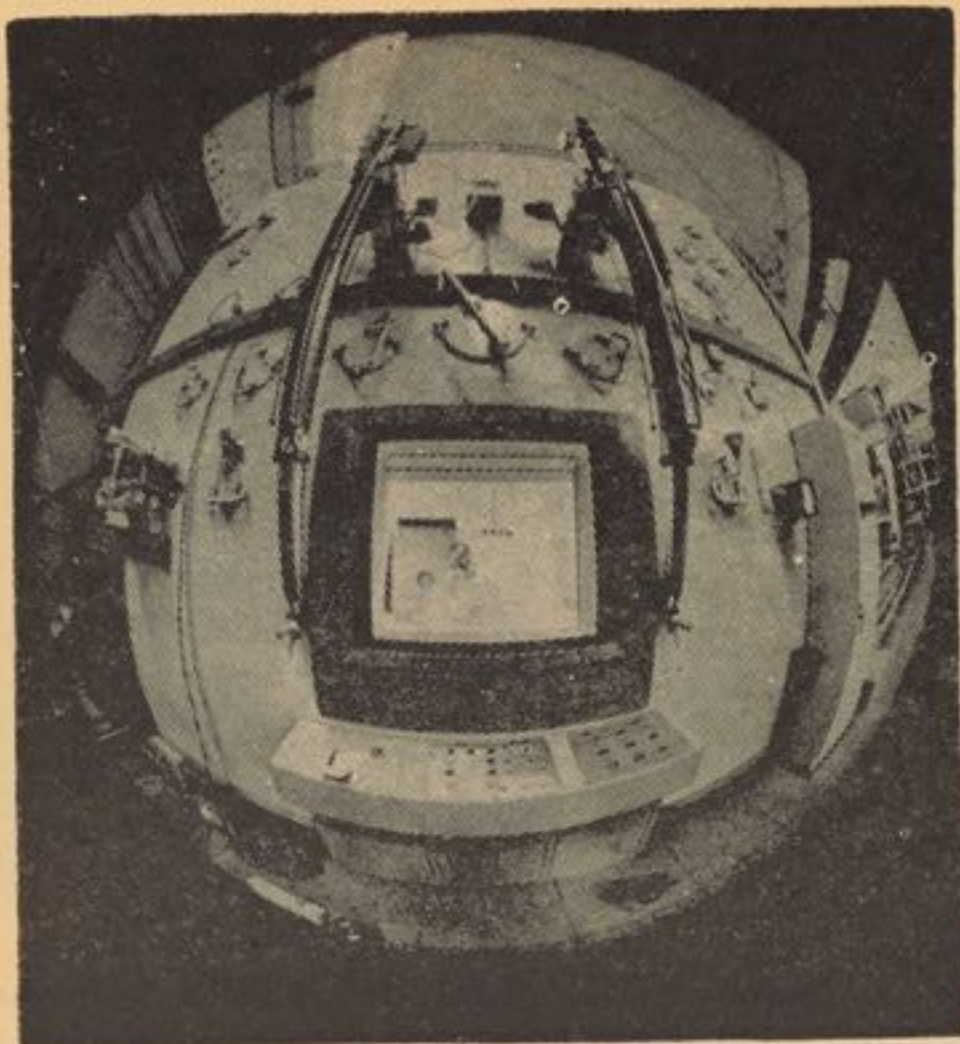
شورائى وزير اى جامعه اروپا يى، اجازه آغاز كار براى مطالعه آينده اروپا را در دراز مدت آن، صادر نموده. اين طرح بخش از پرو گرام علمى در چار چوب سياست علمى و تكنيكى است كه شورائى مذكور پذيرفته است اين پرو گرام نتيجدى سالها گفتگو و جر و بحث بين نه كشور عضو است. همراه با پيشرفت در ساحه هاى ديگر، معارف، سياست رشد اجتماعى، اين پرو گرام علمى و تكنيكى راه را براى رشد آينده اروپا باز مى سازد.

ضرورت نبود با آينده بنگرىم تا بر احتياج رشد و همكارى هر عضو جدا گانه جامعه آگاهى يابيم. ممكن پرو گرام (اروپا به اضافه سي سال) نتايج نوين ديگرى به همراه بياوردولى هيچ گونه دگرگونى درين واقعيت كه آينده به همكارى بين المللى بيشتر ضرورت دارد، بيمان نمى آورد. به صورت مثال، رشد و پيشرفت در ساحه پژوهش هاى طبي وابسته به بهره بردارى در ساحه هاى ديگر دانش مى باشد، اطبا بايد توسط بيولوژيست ها كيميا دانسان

و ديگر خبره گان دانش پشتيبانى شوند تاريخ تمام نو آوري هاى طبي در گذشته نزديك اين پندار را توجيه مى نمايد. بآنهم، تعداد دانشمندان در ساحه هاى دانش طبي براى حل مشكل كم اند. دانشمندان خاطر



آله ي پيمائش نيو ترون



کانال برای مباد کردن نیو ترون

تواند صورت بگیرد. این کار از قیّم آن ها میباشد. بر علاوه، هدفی که طی آن کشور تمام شدن تحقیقات می گاهد. برای رسیدن به گونه ای از این های عضو تلاش می ورزند اینست تا طرح مشترکی را برای آرمان مشترک بمیان بیاورند.

دانش میشود که هدف آن نیرو- بخشیدن بیشتر برای رشد سیاست اقتصادی است. او هم چنان نظر دارد که جامعه اقتصادی اروپا می تواند و باید برای رشد دانش و تحقیقات آن سرحد های تحمیلی علی را زیر پا گذاشته و (ساحه دانش اروپا) را بمیان بیاورد تا زمینه همکاری بیشتر را آماده سازد.

دانش و تکنولوژی :

این پرو گرام فرانسوی سر حد های دانشی که در گذشته بدست آمده است می رود. این آغاز یک سیاست جامع اروپایی در ساحه دانش است. در اعلامیه ای شورای همکاری مشترک در ساحه دانش و وزرا خاطر نشان می نمایند که یک تکنولوژی، سهم بسزائی در رشد اجتماعی و توازن اقتصادی آینده می داشته باشند.

این پرو گرام شامل چهار نکته اساسی است. تسانند سیاست های تحقیقات ملی، تبارله پژوهش های اساسی، ایجاد معیار های همگونه تلاش برای اجرای این نکات گام به گام صورت می گیرد. مفیدیت این کار روشن است: ارتلف شدن نیروی زیاد برای تحقیقات معین جلو گیری شده و نتایج ناهمگون بدست نمی آید با تقسیم کار معین تمام طرح ها عملی شده و ایجاد منبع بزرگ مالی امکان تحقیقات پر مصرف می است.

جامعه ای اروپا در وضع است که اثرات نیک گذشته را در آن می توان بخوبی دید طرح های همکاری علمی مخصوص بعد از قرار دادروم در سال ۱۶۵۷ اجرای گرفته بخصوص همکاری اروپایی در زمینه اتم زمینه اینگونه کاوش ها را به میان آورد.

ساحه های از این بنیاد علمی رادر تعداد زیاد کشور های اروپایی دیده می توانیم پروگرام نو در از مدت در این چهار موسسه کار را ضما نت بیشتر می بخشد همین اکنون در مرکز تحقیقات اتمی را در کار لبروه کاوش های در مورد آن عناصری که نمیر اتمی آنها را از پلا و نیم و پورانیم زیاد است صورت می گیرد تا

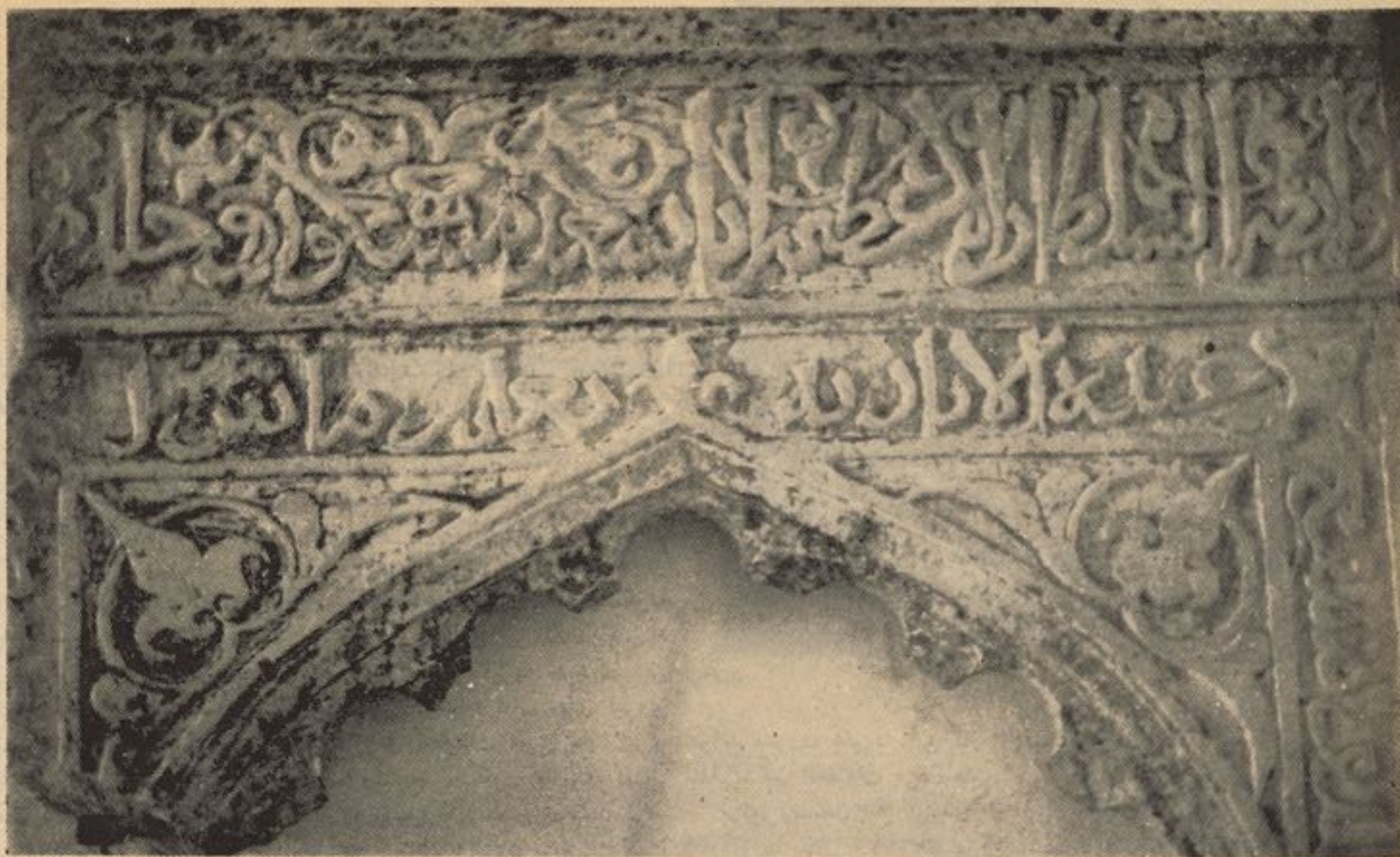


طرح پیچیده :

تجربه گران در آسمان خراش های بروسل پیچیده گی این کار را خاطر نشان نموده اند، این ها شامل آزمایش های سیاست های جداگانه کشور های عضو در ساحه سیاست دانش و تکنولوژی، سنجش نیرو های آنها طرح های شان، برنامه های شان مصارف، امکانات و طرز العمل های تجربه گران در آسمان خراش های بروسل پیچیده گی این کار را خاطر نشان نموده اند، این ها شامل آزمایش های سیاست های جداگانه کشور های عضو در ساحه سیاست دانش و تکنولوژی، سنجش نیرو های آنها طرح های شان، برنامه های شان مصارف، امکانات و طرز العمل های

برای جهان آینده :

اروپا هنوز راه دشوار گذاری برای رسیدن به دانش و تکنولوژی مشترک دارد. بانهم کار های مقدماتی توسط کمیسیون جامعه ای اروپایی انجام گرفته است. بانهم موفقیت کار بسته به سطح آزادی ای است که به این کمیسیون اعطا می گردد.



غزنی زمانی مرکز مدنیت های آسیا بود

گزارشی از غزنی؛

از نجیب

سرکهای کج و معوج غزنی با آن عمارات پیر یخت آدم را به بی التفاتی های که در دهه گذشته موجود بوده. بطور محسوس متوجه میسازد.

براستی که شهر غزنی با آن سرکهای درهم و برهمش که آدم نابلد طرف دو دقیقه خودش را گم میکند بدون در نظر داشت پلان شهری اعمار شده است باید عرض کنم که منظور من از شهر غزنی است که به اصطلاح دای سرک های (عریض و طویلی) است نه اطراف و قریه های مربوط مرکز. آنروز برای اینکه ما بر داشت کامل از غزنی بدست آورده باشیم

غزنی دمرز که در ۱۳۵ کیلومتر جنوب غرب کابل موقعیت دارد منطقه وسیع را در بر میگیرد که مشتمل بر بیش از بیست ولسوالی است که در اطراف واکناف مرکز غزنی به فاصله های نسبتا دور موقعیت دارند. ازینقرار میتوان گفت که از نظر وسعت جغرافیایی ولایت غزنی یکی از بزرگترین ولایات در کشور ما است. ما فقط از مرکز غزنی بازدید کردیم و داخل شهر را با بعضی مناطق که از نظر تاریخی شایان اهمیت است از نزدیک دیدیم. باید بگویم که ساختمان شهر غزنی که محدوده کوچکی را در بر میگیرد و در اطراف واکناف آن تک ساختمانها و عمارات بطور پراکنده موقعیت دارد.

نویسندگان معرفی شده است لازم به معرفی و شناسایی بیشتر آن درین مختصر نیست. فقط میخواستم گزارشی کوتاه از غزنی برای خوانندگان ارجمند پیشکش نموده باشم.

مجله ژوندون ضمن تدوین میرزهای مدور خویش پیرامون موضوعات مختلف خانوادگی و اجتماعی که بعضا ولایات کشور نیز دار میگرد پروگرامهای اختصاصی دیگر نیز دارد از آنجمله است بازدید خبر نگاران ژوندون از بعضی ولایات و ولسوالی های کشور تا با مراجع مختلف و مردم آن سامان به تماسی شده و گفته های شانرا در ژوندون منعکس سازد.

شهر باستانی غزنه، که زمانی مهد تمدن های شکوهمند و زادگاه بزرگترین شعرا و نویسندگان پر آوازه بوده است، اکنون آن عظمت و جلال پیشینش را که برایمان تاریخ قصه میکند و آثار نویسندگان بازگو گرانتست، ندارد.

روند پر تلاطم و دستخوردت چهره این شهر زیبا را دیگرگونه ساخته است ولی آثار یکه هم اکنون در غزنی میبایم ما را تا قرن ها وسده های گذشته به عقب میکشانند و جلال و جبروت آن زمانه ها را در نظر مان زنده میکند. آثار یکه، مخصوصا از قرن یازده و دوازده در موزیم غزنی میبایم حکایتگر زیبایی ها و پیشرفت هنر مجسمه سازی و سفال سازی و حکاکی میباشند. چون غزنی باستان در آثار بسیار از



افتاده بود و آنها برای حفر يك چاه جهت استفاده از آب تلاش می نمودند.

صنعت گلیم بافی در زندان واقعا جالب توجه بود زندانیان گلیم ها و شطرنجی های جالب، مرغوب و زیبایی بافته بودند. قو ماندان امنیه غزنی گفت: برای تو سعه صنعت گلیم بافی در زندان مشکل اساسی ما را جای تشکیل میدهد. زندانیان در محبس جدید جای زیادی برای کارهای دستی و صنعتی خواهند داشت.

مقبره سلطان محمود غزنوی و باغ گسترده ای که در مقابل آن

قرار دارد جای بسیار جالبی است ولی پارک مقابل آرامگاه سلطان محمود وضع خرابی دارد. سطح باغ دست نخورده است و جویه های آن

که معلوم است زمانی آب در آن جاری بوده خشک است بطوریکه درختان زرد و خمیده گشته اند در يك

کلام شهر غزنی را تعریف چندانی نیست. زمینه کار برای مردم

به سراغ قوماندان امنیه ولايت غزنی رفتیم. قوماندها که مردی فہیم و دانسته ای است در مدت دہ پانزده دقیقه ای که در خانه او بودیم معلومات اجمالی جامع درمورد ولايت غزنی ارائه داد. گرچه از مقرری و مدت زیادی نمیگذشت ولی معلوماتش در مورد غزنی چنان مکمل بود که گویی سالهاست در این جا وظیفه دارد گرچه آنروز جمعه بود و لی بناغلی قوماندها امنیه موتوری در خدمت ما گذاشت تا نقاط مختلف مرکز غزنی را به سهولت از نظر بگذرانیم. ما از نخستین جائیکه در مرکز غزنی دیدن کردیم محبس آن شهر بود. هنگام دیدار از جاهای مختلف شهر غزنی معاون ترافیک غزنی با ما یکجا بود که آدمی فوق العاده مجرب و مصمم به نظر میرسید و بایک عالم لطف ما را همراهی میکرد و معلومات لازم بدسترس ما گذاشت.

قوماندها امنیه ضمن گفتگو در مورد زندان جدید غزنی گفت: این محبس مدت نه سال است که همین طور نیم کاره باقی مانده در حالیکه بک تعداد زیاد از محبوسین در يك

حفریات جدید مدنیت های کهنه را از زیر خاک بیرون میکشد

غزنی فوق العاده مساعد است به همین ترتیب امکانات عمران در کابل، احداث بعضی از سرکهای فرعی یا حداقل پاک و نظافت شهر کاملاً موجود است.

آنروز از تپه سر دار غزنوی

دیداری بعمل آوردیم. جای واقعا جالب توجه است کشفیات این تپه

ترسیم میشود. (بقیه درص ۶۲)

شهر باستانی افغانستان



محبس تنگ و غیر قابل اقامت بسر می پرند. وبعد از محبس جدید دیدن کردیم. محبس واقعا بزرگ و جالبی بود. اتاقهای آن فراخ و صحنی بنظر میرسید و تشناب ها و اتاقهای کار برای زندانیان در آن وجود داشت.

این محبس که کار تکمیل آن در دوره پرافتخار جمهوری بشدت جریان دارد این مفهوم را ارائه میکند که نظام تازه کشور نظام مردم است و برای رفاه عامه در تمام شئون زندگی میکوشند.

بناغلی قوماندها امنیه ولايت غزنی گفت ما تصمیم داریم هر طوری شده زندان جدید را فعال سازیم و تا حدود توان يك قسمت زندان را آباد و تکمیل نموده و زندانیان را بدینجا انتقال بدهیم. کار ساختمان محبس جدید توسط قوای امنیه در آنروزها تازه بجریان

شماره ۳۰ و ۳۱



اهالی ترك نشین جزیره قبرس در بازداشت یونانی های قبرسی و همچنان پس از جنگ جهانی دوم که انگلیس ها به مستعمرات خود آزادی دادند به ندای قبرسی هادر مورد اعطای حق خودارادیت جواب رد دادند: در مورد قبرس نزد انگلیسها هیچ سوالی مطرح نیست. این جو ابی بود که ایدن وزیر خارجه محافظه کار انگلستان به قبرسی ها

آرش رهبر ملت بوجود آمد. به این ترتیب جزیره غنی و پر از ثمر قبرس مانند مرواریدی در دست سلاله تركی باقی مانده تا اینکه سلطان پس از جنگ روسیه و تركیه در سال های ۱۸۷۷ و ۱۸۷۸ برای نظم و نسق سر بازان خود به پول بیشتر احتیاج پیدا کرد. به این

ایسویت با وارد کردن يك ضربت تمام ملت را با خود همخوان ساخت و بدنبال خویش کشاند هم غلبه نظامی و هم موفقیت سیاسی تركیه دایر شدن مساعد جلسه اول مذاکرات جیتوا را سبب شد. از لحاظ آوای های مردم تركیه حدودو سر حدی برای آن نمیشود تعیین کرد.

پس از آنکه سیا ستمداران موفقیت های حاصله را به قوای نظامی تبریک گفتند لوی در ستیز تركیه جنرال سنزانیزه صدراعظم ایسویت تبریک خود را اظهار داشت. وزیر خارجه گونس با مسرت خاطر اظهار کرد: مردم حالا میدانند که تركیه قوی است با داشتن این تصور از تفوق تركی های عقب نشینی قوای تركی بعید به نظر می رسد. همچنان گمان نمی رود تركها از امتیازات سیاسی خود به نفع حمایت دیمو کراسی جوان یونان چشم پپو شند.

با داشتن چنین تصویری از قوی در جزیره قبرس پس از اشغال تركیه در قرن ۱۶ میلادی سلطان

ترکها قوی هستند

قسمت دوم

ترتیب جزیره را نزد انگلیس ها به گرو گذاشت و آنها این جزیره را فوراً بصورت سومین واژ جمله مهمترین پایگاه های نظامی خود در سر راه هندوستان در پهلوی جبل الطارق و مالتا) در آوردند.

حق الاجاره سالیانه را که بالغ بر ۸۶۰۷۸ پوند استرلنك (بشمول ۱۱۳ پوند حق الاجاره لایت ها و س) رامیشد، برتانوی ها از اهالی جزیره قبرس گرد آورده به سلطان تركی می پرداختند.

در آغاز جنگ جهانی اول انگلیس ها انضمام جزیره قبرس را در سال ۱۹۲۵ به مستعمرات امپراتوری انگلیس اعلان کردند قیام مردم این جزیره یونانی بیرحمانه سز کو ب شد پس از يك قیام در سال ۱۹۳۱ استعمار گران انگلیسی حتی تدریس به زبان یونانی را ممنوع قرار داده رهبران و سراسقت های جزیره را یا محبوس ساختند یا زیر نظارت گرفتند.

وقتی در سال ۱۹۵۵ پار تیزان های قبرس جنگ آزادی طلبی و مسلحانه را علیه انگلیس شروع کردند. انگلیس ها تخم ترا ژیدی امروز را در آن جزیره کاشتند: باوصف آنکه قشون یونان و قبرسی جزیره بنام ایو کا بز ششصد سر باز فعال جنگی تجاوز نمی کرد دولت بریتانیا به تعداد سی هزار سر باز را بشمول لوی در ستیز امپراتوری سر جان هار دینك برای مقابله با گور یلا های قبرس به آنجا فرستاد. ولی با تعقیب آنان به کدام نتیجه نرسیدند انگلیسها در تلاش گروه های کمکی شدند و از میان تر کهای باشند جزیره دسته های مورد نیاز خود را تهیه دیدند که تا آندم تحت سلطه انگلیس در محیط صلح و آرامش یا همسا یگان یونانی خود زندگی میکردند.

بودن تركیه، عقب کشیدن قوا از طرف تركها بعید به نظر می رسد همچنان گمان نمیرود، تركها از امتیازات سیاسی خود به نفع دیمو کراسی جوان دریونان چشم پپوشند. يك روزنامه نویس ایتالوی اظهار می -



بحر یه امریکا در بندر پرو س

آنها شهر بندری لفکا را به تصرف خود آوردند و به این ترتیب قسمت شمال قبرس را که خوبترین قسمت جزیره محسوب میشود، از باقی مانده جزیره مجزا ساختند.

جنگ در تمام جهات:

سپس ترکها اوربند را برقرار ساختند چه بقیه کارها را تصفیه مناطق اشغال شده از مقامات عناصر باقی مانده یونانی های جزیره احتوا میکرد.

بزرگان یونانی که از ایشان در زمینه سوال نشده بود، از نتیجه کار ناله سر داده بودند.

شاه مخلوع کنستانتین میگوید: جنگ در قبرس به قتل عام ملتها انجامید. رئیس جمهور مخلوع سراسقف مکار یونس را عقیده بر اینست که این تجاوز وحشیانه یک فاجعه بود. اما یونان میباید تحمل بکند.

یونانی ها تحت فرماندهی حکومت نظامی آنان به حالت تیارسی در آمدند اونها در هفته اخیر تعداد بیست هزار نفر را با بهترین تجهیزات در تزاریا برای یک تعرض متقابل علیه استانبول آماده ساختند و توسط تمام جبهات که در اختیار شان قرار داشت دسته های جنگی و تانک و زرهپوش به جزیره اژه فرستادند. در روز چهارشنبه آن در ست موقعی که حملات ترکها به جزیره قبرس آغاز شد، روزنامه چاپ آنان بنام ایوکی ماتینی مضمونی تحت عنوان جنگ در تمام جبهات نشر کرد.

بقیه در صفحه ۳۶



واحد های مخصوص از قبیل پاراشوتی و تفنگداران دریایی را تحت رهبری جنرال سوات اکتولگا وارد میدان کردند.

وقتی اما دگی تنها جمعی آنها به آن سرحد رسید، از کنفرانس جینوا بیرون رفتند و بدون اطلاع قبلی با تمام قوا یکباره ضربت خویشرا در میدان های جنگ قبرس آزمودند.

آنها نیکو سیاه پاشخت جزیره را بمباران کردند. بنادر بحری را توسط قوای بحریه خود زیر آتش گرفتند. در طرف سی و شش ساعت آنرا از نیکوسیا تا به ساحل شرقی جزیره پیشروی کردند و توانستند در شام روز پنجشنبه آزاد دی بندر فاماگوستای ترکی را جشن بگیرند. یونانی قبرس دو مین شهر بزرگ را با ترس و وحشت ترک کردند.

تابه پایان هفته ترکها در ساحل غربی به هدف های خود رسیده بودند.

ملل متحد بصورت کج دارد و مرز به اداره خود ادامه داد نه تا اینکه در ماه جولای گذشته حکومت نظامیان آن به جنگ داخلی یونانها و ترکهای قبرس دامن زد. یونان طرفدار کنار رفتن سراسقف مکاریوس از پست ریاست جمهوری جزیره بود.

حکومت نظامی آنان خود شراوارد ما برای قبرس کرد. اما آنچه رابا مداخله خود در جزیره بجای گذاشت عواقب تلخی بود برای حکومت غیر نظامی آنجا: یونان در برابر ذهنیت جهانی در قضیه کشیدگی و نارامی قبرس مسوول شناخته شد و حکومت کرامانیس اقدام یونان را یک راه حل برای تو سل بسیمو کراسی تلقی نمود.

کرامانیس به قدرت عظیم ترکها که بسرعت در برابر دشمن دیرینه به حرکت درآمد و ضرب مشتی به یونان نشان داد، از طرف یونان صرف با کلمات و حرف مقابله کرد. اما طوریکه و زیر خارجه یونان ما و روز که یک دیپلمات ماهر و با دزدی می باشد در جینوا جنا از موقف دولت خود دفاع نمود و استدلال کرد پشت سر او قدرتی که به فتح متیقن باشد وجود نداشت، بلکه مورال قشون ضعیف و از لحاظ تجهیزات جنگی بسی فقیر بود. و بر خلاف ترکها ظاهرا مصمم بودند نقشه قبرس را برای همیشه به نفع خود تغییر بدهند.

مذاکرات جینوا برای ترکها از لحاظ یونانی ها صرف فرصت خوبی بود برای استفاده از موقعیت قدرت جنگی شانرا برای اشغال یک بر سه حصه جزیره قبرس آماده سازند و به اینصورت دو فرقه سرباز، سه صد تانک و زرهپوش

در آنوقت نخستین بر خور دبین ترکها و یونانی ها بود قسوس پیوست (رئیس کودتای قبرس) نیکوس شامیون بود. پس از آنکه جزیره در سال ۱۹۶۰ استقلال خود را حاصل کرد، این مرد در حقیقت مو حشترین و خون آشام ترین فرد بشمار می رفت.

هژده فیصد با شندگان ترکی در قانون اساسی جزیره حقوق فوق العاده زیادی کسب کردند. در وظایف و مشاغل رسمی و اجرایی حقوق مساوی سه جانبه و حق ویتو را علیه فیصله های حکومت بدست آوردند.

سراسقف مکاریوس موافق نشد که قانون اساسی غیر عملی جزیره را تعدیل کند. انقره برای نخستین بار بایک مداخله و تهدید رسمی دولت به آن پاسخ گفت.

کنفرانس قبرس در جینوا محض جنبه این الوقتی داشت :

بتاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۶۳ نخستین آتشباری صورت گرفت و در ظرف چند روز دشمنی بین دو گروه یونانی زبان و ترکی زبان جزیره به کشتار بیرحمانه مبدل شد که طی آن ترکهای ضعیفتر قربانی شدند. یونانی های باکانه و با قساوت قلب، زنهای و کودکان را قتل عام کردند و حتی در پسا وارد ترکها را زنده بگور نمودند. آتش کینه توزی بیشتر مشتعل شد. در سال ۱۹۶۴ بمب افکن های ترکی قصبه های یونانی نشین را

در شمال قبرس بمباران کردند. در سال ۱۹۶۷ مجددا کشت و کشتار شروع شد و آمریکا بی حال و مداخله رسمی ترکها را گرفتند. یک هیات ناظرین ملل متحد موظف شد کشیدگی های ناشی از ملتخواهی را مراقبت کند. نمایندگان



عساکر ترکی و ترکهای باشند قبرس: در ظرف ۳۶ ساعت یک ساحل دیگر اشغال شد



تقاضای مار یا شنایدر

«ماریا شنایدر» از جمله ستاره های معروفیست که در فیلم «آخرین تانگو در پاریس» با (مارلون براندو) صحنه های عجیبی را که ذکرش لازم نیست بازی کرد. این فیلم گرچه باعث شهرت فراوان ماریا شد ولی او امروز از بازی کردن در آن سخت پشیمان است و میگوید: یاد آوری آن صحنه ها مرا عصبانی می سازد و تنها آرزویم اینست که همه کسانی که آن فلم مرا دیده اند آنرا بکلی فراموش کنند و با در نظر گرفتن سایر فیلم ها نسبت به من قضاوت کنند.

بزرگترین تولید کنندگان موتور

- | | |
|--|---|
| ۸- رنو - فرانسه . | ۱- جنرال موتورز امریکا (شورلپ کادیلاک و غیره) |
| ۹- فورد اروپا - آلمان ، انگلستان ، بلژیک . | ۲- فورد امریکا . |
| ۱۰- لیلاند - انگلستان . | ۳- تویوتا موتور ژاپن . |
| ۱۱- اوبل - آلمان . | ۴- فولکس واگن - آلمان . |
| ۱۲- پژو - فرانسه . | ۵- نیسان موتور - جاپان . |
| ۱۳- ستروئن - فرانسه . | ۶- کرای سلر - امریکا . |
| ۱۴- فایزدا - جاپان . | ۷- فیات - ایتالیا . |
| ۱۵- فورد - کانادا . | |



ژولون

پرنده عشق

پرنده ای را که در عکس ملاحظه میکنید ، (پرنده عشق) نام دارد و برای بسیاری از مردم ، نشانه و پیک عشق و عاشقی است . در عکس می بینید که این پرنده میخواهد عشق و عاشقی را به نمایش بگذارد زمانی که این خانم سوار بر موتور از یک پارک بزرگ که حیوانات در آن آزادانه میگردند ، میگذشت ، پرنده عشق بلافاصله بروی بام موتور نشست و بوسه گرفت ، آنقدر بوسید که خانم در یور به مشکل توانست خود را از دست او آزاد سازد .



بهترین نمایش

آقای (هنری لمت) که یکی از آرتیست های معروف آلمان است ، جشن تولد هفتاد سالگی خویش را با دیده جالبی بر گذر کرد هنری به بالای یکی از ساختمان ها رفت و از ارتفاع ۱۲ متری به پائین پرید و بدون یک حوض کوچک به عمق سه متر فرود آمد. او بلافاصله از آب بیرون آمد و مردم او را بشدت مورد تحسین قرار دادند . هنری از اینکه توانسته در سن هفتاد سالگی این عمل خطرناک را انجام دهد ، بسیار شادمان بود .

حریم آناز

رفتیم و دل زهستی دنیا گرفتیم
 وز لوح سینه نقش تمنا گرفته ایم
 خون کرده ایم دیده و این اشک لاله را
 گوهرفشانده از دل صحرای گرفته ایم
 تا سر به آسمان محبت نهاده ایم
 (هرجا که رنج بوده میباید گرفته ایم)
 چون شمع هر کجا که کند شعله سر کشی
 پروانه ایم و جنس تو لا گرفته ایم
 هر چند ذره ایم و لیکن چو آفتاب
 با سیرناله راه تو یا گرفته ایم
 ما را (طهوری) گریه حرم رفته اند
 اندر حریم نازبتان جا گرفته ایم
 امان الله (طهوری)



گنج

عاشقان مستند و ما دیوانه ایم
 عارفان شمعند و ما پروانه ایم
 چون ندارم با خلایق الفتی
 خلقی پندارند ما دیوانه ایم
 دراز دل دادند چون جام است
 تا ابد ما مست آن پیمانه ایم
 ظاهری مستی ما را خود مبین
 در شکست نفس خود مردانه ایم
 کسی نگرود واقف اسرار ما
 زانکه همچون گنج دیوانه ایم
 (مولا نا جلال الدین بلخی)

سالها تو سنگت بودی دگر اش
 در بهار آن کسی شود سرسبز سنگ

از مون را يك زمانی خاك باش
 خاك شو، تا گل برآید رنگت
 (مولوی)

چند رباعی از سید حسن غزنوی شاعر قرن ششم و وطن ما

رفتیم و گرانی زوالت بردیم
 تا مونس هر دو یاد گاری باشد
 ای کرده بسی جفا بجای دل من
 يك روز نجسته ای در ضای دل من
 در دیده نمو نه جمالت بردیم
 دل را بتو دادیم و خیالت بردیم
 در عشق تو شد ز جای پای دل من
 این است و از این پتر سزای دل من
 و اکنون بستان جفت می و جام شدیم
 اکنون زجه ترسیم که بد نام شدیم
 سید حسن غزنوی

خمار دوشینه

دوشم به اهل بزم سرگشت و گو نبود
 من در خمار بودم و می در سبب نبود
 پرسید در دل تو ندانم چه آرزوست
 غافل که دردم بجز او آرزو نبود
 دوش آمدم که پای تو بوسم بیم غیر
 راهی به خلوت توام از هیچ سو نبود
 فاسد بگوش دوریت دآذر سپرد جان
 و گوید از منش گلای بود گو نبود

آزاده

بیتا بم واز ماه فلک تاب بگیرم
 من تاب زخوشید «فلکتاب بگیرم»
 توفان حوادث نکشید در خم و پیچ
 آن سخت در ختم که دگر تاب بگیرم
 از تشنگیها مر چه شود (آب دل من)
 با جامه از بحر فلک آب بگیرم
 من لا له آزاد (طرب و شست) خیالم
 جادو پر محصوره مر داب بگیرم
 شد (فصل) گل و باغ بود (باب) تماشا
 من باز در باغ (از یمن با ب) بگیرم
 من موج خرو و شنده آشفته غنایم
 آرام به جز در دل سحر داب بگیرم
 خوا هم که به سیما بد هم درس تبیین
 من شیوه کم جنبش سیما بگیرم
 را حقه من بستر پر شود «تپش» است
 من لذت راحت زبر خواب بگیرم
 «دکتر شمع ریز»

بازی

نسیم صبح اگر باز آید لیر کند بازی
 تو گویی کاروان مشک باغبان کند بازی
 گمان بردم عرق را از جبین پرتو افشا نش
 کواکب سرفراز چرخ نیلو فر کند بازی
 زمزم گمانش هر اسانم را برویش هراسان تر
 که نوک تیز به شمشیر پر جوهر کند بازی
 حیاتی نیست امید که با آن تیغ جوهر دار
 مدام آن سنگدل با آن تن لایر کند بازی
 لب لعل شکر خایش تبسم گر کند گاهی
 تو گوئی بر کف ساقی لب ساغر کند بازی
 خوش آن ساعت که گر آبی پروان شهر یار حسن
 (عیدیم) از بهر استقبال چون عسکر کشد بازی

قصه‌ی کوچک تابستان

سختی چند در پاره نویسنده:
اشتان نسوا یکی از نویسنده گان بنام نیمه ی او ل سده معا صر ، در کشور های آلمانی زبان است نوشته های او به چندین زبان بر گردانیده شده ومجموعه‌ای آثارش در سال ۱۹۲۸ یا پیش گفتاری که ماکسیم گورکی بر آن نوشته ، در اتحاد شوروی چاپ شد .
اولاؤل نویسی ، داستان کوتاه نویسی-شاعر، درام نویس و ژند می نامه نویسی ستر کت ومتر جم چیره دست ولواناست.
ژند می نو یسنده می آتی بانشر دوره‌های نقره ای، کتاب نشری در مورد سبک امپرسیو نیژم ونو مساتیریم در سال ۱۹۰۰ آغاز یافت .
بعیت یک درام نویسی پیروزی بر رگید درام «نولبون» بدست آورده وبعد ازین چاشن بظام شیرت رسید . نمایش نامه‌های دیگرش ربغا طر یک ژند می و - «برمیانش» که دومی ضد جنگ می باشد.
در سال ۱۹۳۰ شاعرا ابروی وبشارداشترا وس بنام (ژن ساکت) را نوشت.
اوج کار های هنری او در داستان کوتاه نویسی در مجله به بنام «احساس هساند سراسیمگی» که در سال ۱۹۱۰ بدست نشر سپرده شد ونیمه می توانیم که درین آن داستان انگیزت روی پرده سینما بابازیری انگریز بر گمن آورده شد .
او در نوشته های ش می میکند بلژوف نگر وراکتا ویرانه در روان فیر مسان هایش نفوذ نماید . به همین دلیل در نوشته‌های او طرز بر خورد روانی فروید و مسمر دیده میشود .
این نویسنده بزرگ بعد از فرا ز از مقام نازی ها و دیدن فرو ریختن تمدن انسانی زیر چرخه های آ هنین آنان بازنشدمکسیکو جام زهر نو شیدند وبه این ترتیب بانک اعتراضی خود را براین پدیده تا سالم اجتماعی ، بطلد نمودند .

تابستان گلشنه ماه اگست را د و -
کانه نایا یکی از معروفترین اشترا حگاه های کنار دریاچه ی کا مو که چشون اشتباهه زیبا بین چگل های تارک ویکلن های سلیه آتسا مان بنظر می آیدد گلواندم اکنون آرام وبصدا بنظر می آیدد و گویی که از روز های پرسرو صدا که در هر بهار به وسیله تفریح کنندگان دهکده های پلاکیو ویتا گویا متنی بر پا میکنند، هیچ خبری نیست - هو تل تقریبا متروک ودور افتاده بنظر می آیدد هر مبعان در این حوضقل بانظر بیگانه و غریبی بهم می نگرند وگویی که هیچ وجه مشترکی بین آنان و چسود ندارد.

این رخداد ها و حوادث تمارا بشگفتی می اداخت و بطبعی من زما لیکه در پار می‌یک مرد گاه که در ظا هنری خصلت آ را مش انگلیس متشابه اش با فردی و چایکی یک پارسی جوش خورده بود اوسد تپای دراز روی آرام جو گی ای می نشست وبصود لیلی سگرتش که پارسی در هوا تا بدید میشد می‌نگریست ویا مشو ل در قذدن کتابی می شد، گسالت و خستگی غوش آینه دو روز متوالی باران ویر خورده بی دریا او بل دوستی ورفا قین بین مان دایو چود آورد پای که دودرف خلیج سالیکی متعالی وایهم یوند می‌ژند. او اقل لیو ولیا بود مالول د و - فرانسه ویدد در انگلستان تحصیل نمودد بود و هیچگاه مزه تلخ کار و زحمت را - نتبیدد موسا لپای متعالی بدو ن سا گمن شدن در جایی مانند گویا چان ویا رهزان درباری وایکنک که هر شارت و چیرول جدید بر لغتی ثروت شان می افزا یسد زندگی میکرد او تمایل شدیدی به همه هنر هادانت و آتیا رابه دیدد ماحترام مسی نگریست ولی رابطه و پیوند او بانها - استعکام کمتر از آن داشت که بر همین وارد درخت مت آتیا در آید .



هوای گرم تا اندازه خفه کننده ولی لسه بسیار شدید و کا می لطیف مانند آ لغوش ارم زنی بنظر می آیدد . پاکتیدن نفس دوزخبر سابه در ختان رایحه عطر شکوفه ی لکرمی شیدد می شد.
- شروع کرد.
واژه‌ها اولتر باید اعتراضی تمام -
پیشتر از نو پنهان کرده بودم که من بسیار دیگری هم در کانه نایا در همین وقت سیال بلشته . در همین هو تل گلوانده بودم.
این امر ممکن تو را شکفت زده یسازد زیوا بنو گفته بودم .
که من در زنده گی ام از دست زدن رگاری بار دوم بانرا اقلقت کردن در جایی برای یاد دیگر بماند ت بنم می آیدد . ولی گو شس - آینه اینجا به همین گونه نتبانی سنگین میکرد. همان مردی از میلان اینجا بود و تمام روزش را صرف فر قتن ما می میکردن آن ها را دوباره شامگاه بدو یا بیند از دو فردای آن باز آتیا را شکار کند. همچنان در اینج دوزن سالمند انگلیسی که خاموشا نه روزها شام می آوردند . بودند هما تلور چوا ن زیا می همراه یا دختر رنگ پریده ای که تا اکنون من باور ندارم زنش بوده باشد بطاقری که اندو سخت بهم میریا ن و چسیده بودند زندگی میکردند . هما نگونه یک خانواده - آتیا می که سخت بابت سنت های پرورسی می باشند، یکنون بر که بسیار استخوانی و سیدد رنگ . باحر کات گوشه دار، چشمان سرد واولا دی رنگ ودها نش چنان زشت ساخته باشند . او با خواهرش همراه بود بدون کو چکترین تقریری خدو خال شان یکی بود بجز اینکه گلشت زمان چین و شیار عاییشتری بر آن کشیدد مبرود این دو جلدایی نابراین بودند ودر عین حال هیچ عر فسی باهم نمی زدند . و همیشه روی کارگاه های کو چک خامک دوزی شان خم و بدون شک صرف نظر از اینکه چه افکاری در سر های شان دور می ژندد. مانند سر نو شت های سخت دل در یک قلمرو گسل کنند - بوجی عاو پالت ها، بغیه می زدند و بانها دختر جوانی در حدود شان زنده ، دختر یکی از آتیا سولی نمیدانم از کدام شان زیورسا بنز می نازیای ای های دوران پلو فیت چایش رایزلیای زانگی داده بود اوسد . و سیاد کشیدد و هنوز هم مانده های دوران کودکی در بلبوی ژانده شدن ، دیده میشد . ولی چیزی در آرزو های متشالشی دیده میشد. چشمان بزرگ داشت ، و آتیا به یقین پراژ نورافسردگی و دلگتی بوده و لی هنگام بر خورد مو جی از هیجان و کنسی آتیا وافرایی گرفت . او هم سوز ن کاری داشت ولی دست هایش اکثر آرام میگرفت و یسا انگشت هایش متو قلد میشد ویدالیال آنالو بحرکت می نشست ورویا وار روی دریاچه خیره میشد نمی دانم چرا این متکرر برمن اثر می‌دارد .

آیا این اندیشه مشترک وفرا نا پذیر بود که آتیا ن ناظر زیبایی بریدد رفته ماند در کنار جوانی و طراوت دختر پائیدد و یسا سابهی فرای شکل . این نظر که هر چین پنهان در هر چیره اندوه در همه خنده‌ها و با سر خورد می است در هر روز!

باین ارمیا ن راجع نشدنی پیدا فرموده که افکار گسیخته خود را در تمام و چودش - انکار مینمود . این لحظه ی باشکوه بدست لغورده در زنده گی دختران جوان که اولوهای شان دلاستپا می معو میشود بطاقرانکه هنوز به حد ف معین دست لیافته اند وهدلی که بعد آتیا بان می چسبند تا زمانیکه پوستد مانند بخاری دریا که بروی کشدد جوی می چسبید !

برای من دیدن او دلچسپ و کشنده بودد شیوه ی بر خوردن بی پاکاله و مبر پائنه‌اش که با دلت خاصی از هر سگ ویشگی - پرستاری میکرد و بی فراری یکه در همه کارها ستازده اش میساختد با شوق و علاقه کاری وادان میکرد و پاکسالت وافرادی

بیا بایتن می رساند و بعد با شتابی کشامها بدون درنگ بسوی کتابخانه چته چلش - هوال می دوید ویاکتا پ های شعری را که اخود آورده بود: اشعاری از گوته و یسی میاخ .
- راه خور، بمن باور داشته باش پسرای دختران جوان به این سن کاملا بی تفاوت است که چگونه اشعار ی می خوانند خوب باید، لطیف با نادرست .
برای آنان مصرعه های شعری فقط به منزله ی جریه آبی است که فقط پسرای فروتنانند نشنگی شان بدرد می‌خورد آنان بمنحوی جام شراب و ز هر آکین بودش نمی آید نشیدد نواورا لاجرمه سر می‌کشند و این حادثه به دختر پائنده نیز می‌ماند. به این ترتیب تما های لیلیا پر و دست لیافتی در درخشندگی چشما نش لیو ریافته ودر نیجه ی آن انگلستان لر زانن روی می‌نلغود آگاه تکان خورده وهر چه سعی می‌کردنالیلیا بی‌خوابی بخود بگردد ممکن نمیشد . بطوبی دیده میشد که می‌خواهد قلبش را کنسی بریابد . و آرزو دارد سیم از شادی هالویم هایش را بدرگیری تقسیم نماید ولی گسی وجود نداشت :
هیچ چیز دیگر مگر گسالت مرده صدای خشن بخیارد سوزن به چپ و راست سسلی نگاهای خشک و تپلا نه دوزن مسن در اطراش وجود نداشت . برایش بی نهایت متاف شد ، با آتمم چیزی از شتم پسر نمی آمد . از همه بیشتر اینکه یک مسرد سالمند و مسن چه مفیدی برای یک دختر جوان می داشته باشد ؟ بر علاوه هر گونه لالتی من پائرس از اشتباهی خالواد گسی و اندوزن سالمند بارفرا قابل احترام شان خوشی می‌کردید .
به این سبب آرمون لیر عادی و روی دست بر فتمه فکر کردم او دختر جوان ناوسیده بی تجربه بوده واولین سفرش به ایتالیه می‌باشد که در آلمان شیرینی بهم زده است آفرین به شکسیر مرد انگلیسی ای که هرگز این سرزمین وانهید ، جایی که زانگاه رویاهای رمتوا ، عشق های پنهانی ، یکه های دسلی زیبا ، خنجرهای براق ، نلای ها، دایه‌های گسی سید که تگین دختران جوان الله و استالان ، مایاید یقین داشته باشیم که در رویا هایش ماجراها را می‌بیند، وگویی داند چرمویاهای دختران دارنده «این پاسر حسلی سید و سیکال که در زمینه ای آبی، مانند همه ابرهای شامگاه با در خشن قللی وا د می‌خوانند، اول کلایی رنگ ویمه سرخ آتسین ؟ پس بر آن شدم که عاشق پنهانی برای او بیا فرستم .
دودرهمان شب یکس نامه فراز، پس از اشتیاق ، آرزو ، معلو از گفالت زیبا ورویا آفرین بدون کدام امضایی برایش نگا شدم . نامه ای که چیزی نمی‌خواست و چیزی ندیده نمی‌داد و آسیره ای از عطفقه و نشود پسو د - کو تاه اینکه یک نامه رویایی ورومانتیک که فقط می‌توان از لا پلائی اشعار زیبا آن دایرون کشیدد . و چنانچه می‌دانستم که هر روز تا آراسسی اش آورا وامی دارد تا از همه اولتر روی میز می‌خانه زیاده نامه را بلای دستمال روی میز بیچاندم زمانیکه صبح شد آورا از باغ تحت نظر داشتد و شگفتی دیر باورش ، تکان ناگهانی و بوجی از سرخی خون که ابتدا بدرجسارهایش دوند و سسی تاملو عموار شد، دیدم . من دیدم که می‌گونه به اطراش بانتابا نگر یسته و نامه را پنهان نمود . روی میز نان و قنار ناارام و عصبی داشت ، پیش از وقت از میز برخاستد و سعی می‌کرد تا چاییکه انگال دارد دور ازم باشد .
من حرکت نمودم که از آن لحن پرسشگرانه خوانده می‌شد . گفتا :
«این برای من یک حرکت باجرات بود که انجام بدهم» تو فکر نکردی که ما تا اوبررسی کند، یابانکه از پیش خدمت جویا شود که چگونه نامه‌ای در دستانت پیچیده است و یابانکه آن را پسدا در ش نشا ن

خواهیم می‌شد . گفتا :
«این برای من یک حرکت باجرات بود که انجام بدهم» تو فکر نکردی که ما تا اوبررسی کند، یابانکه از پیش خدمت جویا شود که چگونه نامه‌ای در دستانت پیچیده است و یابانکه آن را پسدا در ش نشا ن

خواهیم می‌شد . گفتا :
«این برای من یک حرکت باجرات بود که انجام بدهم» تو فکر نکردی که ما تا اوبررسی کند، یابانکه از پیش خدمت جویا شود که چگونه نامه‌ای در دستانت پیچیده است و یابانکه آن را پسدا در ش نشا ن

بعدد .
«البته این فکر ها در ذهنم راه پا فت» ولی اگر تو این دختر را دیده بودی، این مطلق لطیف، شکسته پرازد و شیرین کحتی اگر کمی لغشی را بلند می سا سخت پسا اضطراب و تشویش به اطرا قش می‌نگریست» همه چیز را نادیده می‌گرفت . دختر اسی وجود دارند که شیوه رفتار شان انسان را و می‌دارد ناگهی با افراط پائیشن بر خورد نماید ، زیرا آتیا انقدر نااوان اند که حاضر اند به انگشت بی تو چه کن بهامتاد دیگران بدعند.
همچنانکه از نظر دور می شده تیسر می نمودم از اینکه نامه‌های آنرا به دست خوشحال بودم، بعد از مدت کوتاهی بر گشت ومن ناگهان احساس نمودم که شلیقه هایم بهشت می ژند : او دختر دگر گونه ای پاره رفتن متلات ازیش بود . با حالت نا آرام در حالیکه جیره اش را سر می‌خورد زده دیر گرفته وکنسی و هیجان از سررا پائیش خواهم می شد ، نزدیک شده این حالت همچان زده گی تمام روز ادامه داشت ، نگاه هایش همه بچهره هارا می پالید تا مگر برای راکشف کند، هر مردی که می‌گشت تا آخرین لحظه او را دنبال می‌کرد و حتی برای تقرن بجایب من افتاد و لی بژو هی چشمانم دیدم تا بیا آن نگاه های ناآرام مرا رسوا سازد و لی پائتم دید پرسشگرش روی بدم مانند افواش دود ، مسس و سیدد و بار دیگر بعد از سالی متا و ی احساس نمودم که از این کار خطر ناگسری وجود ندارد که شعله امیدی را در قلب دختر جوانی روشن نمودد بعد تر دیدم که او بین دوزن سالمند نشسته است، انگشت ها پیش وپاکر بودند . ومن متوجه شدم که گاهگاهی آتیا به چایکی که تاه پنهان شده بودد امانی می‌نمودند . اکنون این بازی را شکفت آ ودر پاتم.
در همان شب نامه دیگری نوشتم و به این ترتیب در روزهای دیگر :
سعی می‌کردم در نامه هایم احساس های عشقیک مرد جوان را بکنجا نم تا وا کتی آن وافرادی آن در رفتار دختر دیده و کد لی را که شکار چیان از گلزون دام ویدنه‌اشان نشان می‌نمایند، پسیم ، ولی پیسوزنی هایم تا اندازه زیاد دلبهره آور بود ز پسر ایا ن آن را فودم نمی‌دانستم.
ناآرامی سرور آور وری جای خود را به پوشانی که من قادر به گفتن آن نیستد، د، چشمانش ترور سرخ مانند اینکه گسریسته باشد، بنظر می‌آمد و اندوه وغم سرپائیش را دیر گرفته بود. خاموشی اش بهضیان صامت می‌ماند که هر لحظه خواهان فریاد کردن باشد، ابرو هایش تصو پسر تمام نمای از افسردگی بوده و نگاه ها پیش وپاکر قصه ای ناگهانی و تلخ ناامیدی ها، در حالیکه من خواهان بشنیدن سرور برپایان به او بودم . احساس ترس نمودم . زیورس برای اولین بار اثر شگای دود آور یکد نو طه درازدم وهر قدر بغیرم فشار آوردم تا یک دلیل ممکن برای آن بیابم ، ممکن نشد . شروع به احساس ترسیدن از حبله ای چنگام نموده و برای اینکه از دیدن اش دور باشم تا شام از گردش بر نگشتم . بعد زما یکبه برگشتم همه چیز برابرم دو شن بود ، میز خالی بود و خانواده مذکور آنجا را تسر ک گفته بودند . دختر رفته بود بدون اینکه حتی یک کلمه با منویسته تاه بگو ید ، حتی به خانواده اش نگفته بود که چگونه قلبش برای همان یک روز، همان یک ساعت که آورا ازیک رویای اسمانی بهان دهکده ز مینس کوچک کشانده بود، می‌تید . این را فکر نکردم . و تا همین لحظه من آن الیام را شگنجه ، ناامیدی و درد ناایی که من بژندگی اش راه داده بودم، احساس می‌کنم وگویی نتایج دیگرش را می‌داند ؟
بقیه در صفحه ۳۸



هتھلدي: ۱۰۰
ديو پڻتو نستانى ۱۰۰

دخیگر په وینو پایم

زړه مې وايي چې آزادېم
 هر دښمن لره صيادېم
 به وگړي دهيواد پيسم
 خهجي کړمه هغه و ايسم
 دڅيگر په وينو پايېم
 نه مې سا ري په ختن کې
 دکوکړې سره پديد پايېم
 دڅيگر په وينو پايېم
 زما قسم په ذوالجلال مې
 خداي بهم وايي چې ستايم
 دڅيگر په وينو پايېم
 لمر ختلي دي سپار دي
 غم خو پلي د سبا پيسم
 دڅيگر په وينو پايېم
 که څوک پوه په استقلال مې
 هروگړي به خوشحال مې
 دښت له خويه مې د سپار دي
 د وطن خدمت په کار دي
 دڅيگر په وينو پايېم

«سلطان محمد صابر دبلوچستان ملی شاعر»

دمازیگر او به

اولسی ادب :

دمازیگر اوږو له څی پغشه هنربانندی
 دمازیگر اوږولهڅی کمیس ایی شین دی
 داسور پیژوان می چر اوکړی په تاپین دی
 دسپرو میره دروتلی په اختر باندي
 دمازیگر اوږولهڅی پیکي شانه کاندی
 جبه راواخلی استرگی توری په آئینه کاندی
 داغوی دار منگی یی اییسی دی پسر باندي
 دمازیگر اوږولهڅی ښه پته دارلری
 بل پروت په غاړه کی دلوک روپوهارلری
 گل احمد ناست نوی بادوی خاوری پسر باندي
 شین کمیس گادارلری
 ښه سینه گلزار لری
 ناسته په گودر باندي
 گل احمد دکامی اولسی شاعر

خاطرہ

دخنگل چپه چیتیاکی
دیوشین تالاب به غارہ
دسیپوری سیرہ دناکی
سیرہ یز، غارہ به غارہ
• • •
هغو لویو سر درونه
مساکر مرغان دسیری
دویدو ونو په منځ کی
په تیاروکی ځی ودرکیری
• • •
یوسپین ډیری کب نیوونکی
حاله بیایی وروورو وړاندی
دسیپوری ټیگله ناځی
دنالاب پرځیو باندي
• • •
نیمی شپي وږمه چلیږی
خوخوی دونو خانگی
دساحل پر پستو شگو
کری جگره سیوری اوورانگی
• • •
موند دشگو پسته غبرګی
ددی شین تالاب به غارہ
درېا او تودم لاندی
لاپراته یولاس ترغارہ
(محمود فارانی)

(محمود فارانی)

گرنی ادب :

بابو لالی

دڱلو پير دمنڱ گرانو لوستونکو!
مون ڏيار باسو جي دڀشتو دشفاي ادب بيلابل ڊولونه دگرنی ادب ترستون لاندی
ناسوته وڻاندی کرو، نودادی پدی پرڃهکی دشفاي ادبیاتو دغه گرائی مرغری ولولر.

ناوی جوړه کړه د زریاوو د مالونه
 (پلانکی) منځولي ډیر دی وابه تمینه
 ناوی په جوړو جوړو دی وږمه
 ناوی که شال غواړی نن دی واری
 ناوی که شال غواړی نن دی واری
 (پلانکی) جان نن په دوکان درته ولاړدی
 نن بیا دسړکی ډول په چمن غړدی
 نن بیا دپلانکۍ جان دښادی غړدی

५१ अन्तः

بی بہا و انگہ

ادبی توثق

د کور ترڅنگه په دریدلي کپړدۍ کې ماشوم ژړا ډیر تنگ کړم .
له خولې چې را بهر شوم ، نو د خوارلمې شپې سپوږمۍ په خپلو زرینو وړانگو غره
سره رها کړی وو . .
کپړدۍ ته ورغلم ، چې یو ماشوم دمور په لمبیز کې پروت دی ، ژاړی ، چیغی وهي ، او
لوښاپوښی کوی .
چې ور نژدی شوم ، نو د خوارۍ مور هم دخپل پیوزله ماشوم په دې لوښا پوښو ،
ناکړاړه اوبښکی په سترگو کې وی ، او وروروی ددې په سپینو انگو لاره کوله . .
وې پوښتله چې خوری ! دا ماشوم ولې دومره چیغی وهي ، تاجوړه بلوی چیرته بهو
کوم طبیب ته یولی و ، داڅو په تمامه شپه تاسو له خوبه وباسی ، تاسو څو لاشه ، چې
ان موږ یې په خپل کور کې له ژړا په تنگ شوو .
دې راته کړل : ته دمې گسپی خبری کوی او موږ دخولې مړۍ نه لرو ، اوسه ددو
غم پسې اخیستی یی ؟
دالویه دنیا دومره په موږ تنگ ده ، چې ددې لوی سمندر نه دیو شاڅکي واک هم نه لرو
او داسې به یې لوړیو کې شپې تیروو ، چې پرته د سپوږمۍ ددې بې بها وړانگو له لوړنې
نور د هیچا او هیڅ شی لوړ را باندې نشته .

اوسنی ادب :

دخنیو جاں

پہچمن کی جی دی بوق دخنہ خپورشی
زماذریہ پہ کورگی مہ دھیلو شورشی
جی دی مہ تہ غورہ گورم غورہ سوخم
ماید مرغ تہ دی دوصل اوہ اورشی

په یوه مسکادی عقل رانه یوړې
خدا زده څه به لا په ما بېچاره نورښی
لیونی په ځنځیرونو کی فریاد کړی
چی په مخ باندی دی جال دځو خپورښی
«سلمان لایق»

ژوندون

افغانستان بهتر دانست که...

جز تولید بدبینی، نارضایتی و حس به خلع سلاح تام و عمو می مقاومت بیشتر چیز دیگری ببار صورت میگیرد پشتیبانی کرده نخواهد آورد و گذشته از آن خواهیم کرد.

صلح و استقرار را در منطقه ما ما از منع آزمایشات ذروی که به آن سخت علاقه مندیم در تمام اشکال آن پشتیبانی کرده ایم. به موجب قرارداد متاثر خواهد ساخت. در حالیکه اظهارات جلالتماب عزیز احمد را در مورد اینکه گفته است حکومت او خواهان بهترین روابط ممکنه با افغانستان میباشم مقابل میباید میباید یکبار دیگر بگویم طوریکه در روابط گرم و صمیمانه، علایق مختلف قسمتی از خاک ما و خویش را برای مذاکره اظهار مقرر اقتصادی را به نفع مردم ما را از پیکر اصلی شان داشته ایم، حالا نیز صمیمانه طرفین به بار آورده است. با جدا ساخت، همین قضیه بود آرزو میباید که برای حل و فصل حکومت ایران روابط برادرانه که در مدت تقریباً یک قرن این یگانه اختلاف سیاسی با داریم. روابط دوستانه بین دو مناسبات افغانستان و حکومت پاکستان و تولید فضای حسن هر دو آرزو مند مناسبات دارند باین پیشنهاد افغانستان دوستانه میباید شمیم، بهمان که منظر واقعی صلح خواهی صورت تیره نگه داشته است. ما و متکی بر اساسات قبول باین تو ضیح نمایندگان شده این سازمان است، جهت محترم بخوبی درک میکنند که برآورده شدن این مأمول هم با از بین رفتن سلطه استعمار عقیده و هم فکر میباشند.

هر دو آرزو مند مناسبات دارند باین پیشنهاد افغانستان دوستانه میباید شمیم، بهمان که منظر واقعی صلح خواهی صورت تیره نگه داشته است. ما و متکی بر اساسات قبول باین تو ضیح نمایندگان شده این سازمان است، جهت محترم بخوبی درک میکنند که برآورده شدن این مأمول هم با از بین رفتن سلطه استعمار عقیده و هم فکر میباشند. در صورتیکه واقعا خواهان آورده است. پیشرفت در صلح، همکاری، تفاهم و زندگی ساحه خلع سلاح اندک و مصارف باهمی باشیم پس بهتر است تولید اسلحه روز افزون است. موفقیّت در ساحه خلع سلاح و بحیث انسانهای مسئول این منوط به خواست های سیاسی جرئت راداشته باشیم که دول بزرگ میباشند. بنابراین مسایل و حوادث را با وسعت لازم است که ملل متحد در نظر قبول و ارزیابی کنیم و به تمام کوششها یکه بمنظور خاطر داشته باشیم که تاریخ تحقق یافتن خلع سلاح تمام و نسلهای آینده اعمال ما مورد و عمومی صورت می گیرد دخیل قضاوت قرار خواهند داد. باشد. نظر به این دلائل

حکومت افغانستان به حیث یک کشور غیر متسلک از انعقاد کنفرانس جهانی خلع سلاح هم در کنفرانس کشورهای بیطرف که مبتکر این نظریه میباشد و هم در ملل متحد همیشه پشتیبانی کرده است.

ما مطمئن هستیم که با آمادگی کافی چنین یک کنفرانس جهت بررسی پیشرفت مسابقه

در ساحه خلع سلاح سیاست تسلیحاتی و رسیدن به خلع سلاح مفید ثابت میشود. در یک چنین کنفرانس سهم گیری

جدید را تحت عنوان قضیه و پیشبرد مزید روا بط دوستانه استعماری بزرگ دنیا بریتانیا فلسطین در آجندای مجمع باتمام کشورها صرف نظر از نه تنها تدریجاً نیم قاره هند را عمومی کا ملا تأیید و از این سیستم های متفاوت اقتصادی در تسلط خود در آورد بلکه با نظریه که نمایندگان سازمان اجتماعی میباشند.

آزادی بخش فلسطین در در منطقه ما، روابط حسن سرحدات مأمون تر بر برای روابط ممکنه با افغانستان میباشم مقابل میباید یکبار دیگر بگویم طوریکه در روابط گرم و صمیمانه، علایق مختلف قسمتی از خاک ما و خویش را برای مذاکره اظهار مقرر اقتصادی را به نفع مردم ما را از پیکر اصلی شان داشته ایم، حالا نیز صمیمانه

طرفین به بار آورده است. با جدا ساخت، همین قضیه بود آرزو میباید که برای حل و فصل حکومت ایران روابط برادرانه که در مدت تقریباً یک قرن این یگانه اختلاف سیاسی با داریم. روابط دوستانه بین دو مناسبات افغانستان و حکومت پاکستان و تولید فضای حسن هر دو آرزو مند مناسبات دارند باین پیشنهاد افغانستان دوستانه میباید شمیم، بهمان که منظر واقعی صلح خواهی صورت تیره نگه داشته است. ما و متکی بر اساسات قبول باین تو ضیح نمایندگان شده این سازمان است، جهت محترم بخوبی درک میکنند که برآورده شدن این مأمول هم با از بین رفتن سلطه استعمار عقیده و هم فکر میباشند.

روابط ما با همسایه بزرگ قریس با احترام به حقوق جامعه تر زبان و حفظ حاکمیت قریس حل گردد. هیئت افغانی اظهار امید میباید که در نتیجه مذاکرات یک راه حل عادلانه و دایمی متکی بر تصمیم نامه شما ره ۳۵۲ شورای امنیت بدست خواهد آمد. بنیاد غلی رئیس بهبود تد ریحی در روابط بین بعضی دول بزرگ همچنان سرعت خود را حفظ کرده است. وزیر خارجه پاکستان در مورد ما از پیشرفت دیتانت که تیره بودن روابط افغانستان امیدواریم منجر به تقلیل و پاکستان باید گفت که ایشان بحرآن گردد. حسن استقبال وضع نارضایت بخش روابط را بیان نموده اما از ذکر علت معین این روحیه تفا هم آن خود داری کردند، یقیناً همکارانی نباید منحصر محدود دارم که در ذهن نمایندگان به روابط بین دول بزرگ باشد. محترمی که درین تالار گرده ما عقیده داریم که موفقیّت آمده اند این سوال پیدا شده دیتانت مستلزم سهم گیری است که علت واقعی این کشید تمام دول بزرگ و کوچک کی و تیره گی روابط چه خواهد می باشد تا اینکه منافع آنان بود؟ به صورت متساوی حفظ گردد.

بنیاد غلی رئیس بنیاد غلی رئیس سیاست خارجی افغانستان عمومی و جستجوی امکانات راه آنها حل و فصل گردد. مبتنی بر سیاست عنعنوی ما حلی توضیح کنم که علت واقعی افغانستان در این کشیدگی یگانه اختلاف دارد که استعمال قوه جبر و در بلا کهای نظامی، همزیستی سیاسی بین دو کشور میباشند حبس در برابر کسانی که حقوق شناخته شده است. ما از هر مسالمت آمیز، احترام متقابل در مرور قرن گذشته قدرت بشری خود را مطالبه دارند، اقدامی که به منظور رسیدن

بنیاد غلی رئیس بنیاد غلی رئیس سیاست خارجی افغانستان عمومی و جستجوی امکانات راه آنها حل و فصل گردد. مبتنی بر سیاست عنعنوی ما حلی توضیح کنم که علت واقعی افغانستان در این کشیدگی یگانه اختلاف دارد که استعمال قوه جبر و در بلا کهای نظامی، همزیستی سیاسی بین دو کشور میباشند حبس در برابر کسانی که حقوق شناخته شده است. ما از هر مسالمت آمیز، احترام متقابل در مرور قرن گذشته قدرت بشری خود را مطالبه دارند، اقدامی که به منظور رسیدن

ترکها قوی هستند

اجرای این تقاضا با لحن سستی پس گرفت و چنین اظهار داشت: او از این موضوع هیچ چیزی نمیداند و لااقل این راپور ها همراه

کننده میباشد. البته راپور ها که بر اساس آن یونان مانع رسیدن مواد نفتی برای بحریه نمبر ۶ امریکائی شود، رد نشده باقی ماند.

ایالات متحد امریکا در وسط بحران سفیر سابقه دار خود تسکا را که از سالها در آتن بود فرا خواند. تسکا به ایالات متحد بازگشت و خلف او کو پیش متخصص در امور امریکای لاتین هیچگاه از او ضاع جاریه در مدیترانه آگاه نبوده و به موضوعات مربوط به این منطقه سروکار نداشته است. دعوت کیسنجر به آتن از طرف وزیر خارجه و بعد ها از طرف کرامانیس

شدیدا رد گردیده و چنین جواب داده شد که: عجالتا بنابر اشتغال زیاد دیدار هر دو نفر میسر نمی باشد. زیرا یونانی ها احساس نمودند که در ساحه دیپلوماتیک از طرف امریکا حمایت نمی شوند، امریکایی ها البته طی رات عصری فانتوم به آتن تحویل داده اند (تامام می ۱۶ عدد ولی بدون تجهیزات فیر را کست و گیرهای حاصل بمب) ولی این طیارات جت فانتوم در میدان های جنگ بیخود چه برای یونان قابل استفاده نمی باشد.

علاوتا بحریه نمبر ۶ امریکا که حق استفاده از بنا در یونان را دارد بهلو گرفتن کشتی مسافر بر ارکادی دی یونانی را در ساحل قبرس که قوای عسکری و محصلین قبرس رضا کار را برای جنگ در قبرس روی عرشه خود حمل مینمود، ممانعت کرد. (پایان)

یک هفته ای در عین زمان از تباطوایی هم با اسرائیل برقرار ساخت پس از یک ملاقات در بیت المقدس غالبا داد و ستد پولی منظم هم صورت گرفته است و از همینجا سازمان گوریلای دیگر هم علیه آنها وارد عمل شده در لست فعالیت های شان مبارزه علیه آنها را شامل ساخت امریکایی ها قبلا به سامپسون وعده شناسایی رژیم او را داده بودند و تقریبا همین وعده را هم بسر رسانیده بودند که ترکها قوای خود را به حرکت در آوردند و او از طرف مردم خود معزول گردید.

سگدیس سیا ستمدار سوسیال دیموکرات در روز پنجم نهمه آنوقت در آتن طالب اقداماتی شد تا یونان از ناتو خارج شود. علاوه تا یونان میبایست قرار داد های خود با امریکا را در مورد اعطای امتیاز پایگاه برای لنگر انداختن قوای نمبر ۶ بحریه و هکذا موافقتنامه هیات نظامی اعزامی امریکا را در آتن فسخ بدارد.

موضعگیری متحد زورمند که به حکومت نظامی آتن ابراز وفاداری مینمود و یونان را در راه اتخاذ روش بازگشت به دیموکراسی به اشکال مواجه ساخته بود، یونان را باعث کتک کاری پرسونل امریکایی در چنان وضع نا هنجاری قرار داد درپروس گردید.

مظاهره کنندگان علیه کیسنجر شعار داده او را قاتل خطاب می و از او تقاضا داشتند که امریکایی ها را از پایگاه های شان در یونان بیرون ببرند. یک نطق دولت قصد حکومتی را در مورد

در واشنگتن ترتیب شده بود. علاوتا اسرائیل در پشت پرده نقشی دارد بسو جود آورده شود. سراسقف مکار یوس بی طرف سد راه تطبیق نقشه واقع شده بود اسرائیلی ها نظر به درک مناسب یونانی از مدت ها پیش اصرار می ورزیدند تا این مکار یوس از صحنه بیرون کشیده شود دلایل این موضوع نه تنها غوا نیست که در مطبوعات اسرائیلی پس از سقوط سراسقف مکار یوس برپا کرده، بلکه تماس های بسیار سری رهبر کودتای آتن جنرال ایواند لیس با اسرائیلی ها می باشد.

آیا سپاه سون از اسرائیلی طلا دریافت میداشته است ؟

عضو رابط در حاشیه این تماس ها تبعه یونانی جاکو الا سا را کیس می باشد که اصولا یهودی بوده و شوهر خواهر ایواندیس است. قرار معلوم جنرال کودتا کنندگان با ترستاره های اسرائیلی ماه ها پیش از رویکار شدن کودتا علیه مکار یوس بطور منظم در کلیتیک شوهر خواهر داکتر بنام کییانوس ستا و روس بهم میدیدند.

ظاهرا ایواناویس کور کورانه در دام افتیده بود. با کودتای که کرد و باعث تحرك قوای ترکی گردید، یونان با تقسیم ناخواسته جزیره قبرس مواجه شد این تقسیم نه تنها یک تقاضای قدیمی انقاره بود، بلکه واشنگتن هم به آن سر موافقت جنبا نید. تقسیم جزیره به اساس ناگام شده بود.

نیکو س سامپسون، آلت دست ایواندیس در جزیره و رئیس دولت

اما شماره های روز نامه پیش از توزیع بین مردم از غرقه های فروش به علت نشر خبر جعلی توسط پولیس جمع آوری شد. پس از گذشت دوروز رنج آورکرا - کانلیس پشت میکرو فون آمده به توضیح علت حوصله یونان در برابر حمله ترکها پرداخت: به واد کردن یک ضربت متقابل با رعایت حقایق مشهود و کامل باثر بعد مسافه بین یونان و قبرس و برخلاف نزدیکی آن جزیره به ترکیه ممکن نبود. یونان میل ندارد به قانن جنگل تو سل جسته، زور را به زور جواب بگوید. در مورد وضع موجود در آنجا رژیمی که به تاریخ ۲۴ جولای سقوط کرد،

مسئول می باشد. نخست اندیس که اینبار نظامیان کفاره آنرا باید پس بدهند، هر گاه، مثلیکه همیشه پس از بسینه کش کردن عده ای را در یونان سر بریده اند.

مزیداً دیار تمننت شهری هم تسلط ترکها را بالای جزیره قبرس خیر مقدم گفت. یونان به جینو روی آورد و به آنها در آنجا تو صیه شد که به تقسیمات ترکها گردن نهاده آنرا بپذیرند و واشنگتن بست مینگارد: در قضیه بحرانی قبرس هنری کیسنجر از پوشش

بهمینخواهی خود فاصله داشت. چرا این موضوع در وهله اول پنهان ماند. احتمال دارد که منازعه قبرس از طرف کیسنجر جدی دنبال نشد، زیرا او گفت ویتنام را صرف بعنوان یک انگیزه جنگ بین المللی قلمداد کرده بود. با تمام انتظام اجباری منطقه شرق قریب که با قوت زیاد دنبال می شود شاید او را به آن واداشته باشد، و در فرجامین تحلیل احتمالا سرگرم موضوع انتقال قدرت اداری در ایالات متحد بوده است.

معینا سیا ستمداران مسئول آتن تصور مینمایند که طرح تقسیم قبرس از طرف ترکها با اعمال قوه و مداخله قوای زرعی مدتها پیش

افغانستان بهتر دانست

تمام کشور های دارای اسلحه
ذروی شرط قبلی واجتناب
ناپذیر محسوب میشود . حکومت
ایران امسال آیت جدیدی را بنام
تاسیس يك منطقه غیر ذروی
در شرق میانه پیشنهاد کرده
است . ما ازین اقدام بموقع
حکومت ایران ، حسن استقبال
میکنیم وعقیده داریم که این
پیشنهاد صلح وامنیت منطقه
را بیشتر تقویت بخشیده قبول
وتطبیق آن يك قدم مثبت در
راه خلع سلاح ذروی خواهد
بود . ما جدا آرزو میبریم که
بحث مجمع عمومی بر جنبه
های مختلف این آیت منجر به
تصویب اقدامات کافی برای
تطبیق فوری آن شود .

بناغلی رئیس !

در مورد رفع استعمار و
تسلط خارجی در تمام اشکال
وصور آن سیاست حکومت
افغانستان تغییری نیافته است .
اگر چه در طول بیست و نه
سال گذشته ملل متحد درین
ساحه به موفقیت های مهمی
نایل آمده ، معذالك بقایای
استعمار وسلطه بیگانه در بعضی
قسمت های دنیا هنوز هم وجود
دارد که سد بزرگی در برابر
حق تعیین سر نوشت ایجاد
نموده وانکشاف و پیشرفت را
مختل مینماید .

طوری که مشاهده میشود در
مورد مسئله رویشیای جنوبی
اوضاع در طول سال گذشته
بعلا تأخذ اقدامات جابرا نه
از طرف رژیم غیر قانونی
اقلیت نژادی ایان سمیت علیه
مردمان بومی (زا مبا بوری)
بدتر شده است .

همچنین بعلا تخلف بعضی
دول مخصوصا آفریقایی جنوبی
از قیودیکه توسط شورای امنیت
وضع شده بود اوضاع بدتر
شده است . نظربه وضع فعلی
رویشیای جنوبی هیئت افغانی
از مفکوره توسعه دادن به این
قیود کاملاً پشتیبانی مینماید .
در مورد (نامیبیا) آفریقایی
جنوبی به سر پیچی از تصامیم
ملل متحد ادامه داده ووجایب
خویش را به اساس منشور ملل
متحد در مورد آن خطه پامال
نموده است ، آفریقایی جنوبی
به صورت روز افزون متوسل
به تشدد ، شکنجه و تهدید

شماره ۳۰ و ۳۱

مردم نامیبیا گردیده و سیاست
غیر بشری آن پار تاید و
«با نتو ستان» را کما فی السابق
پیش میبرد .

**هیئت افغانی از اقداماتیکه
توسط شورای ملل متحد راجع
به نامیبیا به تصویب رسیده
قدردانی میکند.**

ما امیدواریم تمام اعضای ملل
متحد با شورای مذکور بحیث
يك مقام ذیصلاح برای نامیبیا
همکاری نموده و تصامیم آنرا
رعایت کنند . هیئت افغانی از
بیانیه وزیر محترم امور خارجه
پر تگال در بحث عمومی مبنی
بر اینکه سیاست حکومت
آنکشور در جهت رفع استعمار
پیش میرود ، حسن استقبال
میکند . البته برای ما اسباب
رضایت است که رهبران جدید
پر تگال حقوق غیر قابل
تفکیک مردم مستعمرات پرتگال
رابرای تعیین سر نوشت
واستقلال برسمیت شناخته
اند . موافقتنامه حاصله بین
فریلیمو و پر تگال در مورد اعطای
استقلال به موزامبیک در سال
۱۹۷۵- امیدوار کننده است .
ما جدا آرزو میکنیم که
موافقتنامه مشابهی را جمع به
انگولا نیز در آینده قریب
حاصل شود تا اینکه مردمان آن
کشور هم بتوانند به آمال
مشروع و دینه خود نایل
گردند .

بناغلی رئیس !

افغانستان به حیث يك
کشور محاط به خشکه به نتایج
سو مین کنفرانس ملل متحد
راجع به حقوق بحر اهمیت
بزرگی قایل است . ایجاد يك
نظم قانونی وعادلانه در مورد
ابحار که بتواند حقوق ومنافع
تمام کشور ها اعم از ساحلی
ویا محاط به خشکه ، پیشرفته
یا روبه انکشاف ، بزرگ
یا کوچک را تضمین کند يك
ضرورت فوری بین المللی
می باشد . يك میثاق آتی در
مورد حقوق بحر حتما باید حق
دسترسی آزاد به بحر واز بحر
را برای کشور های محاط به
خشکه تضمین نماید و متکی

بر پرنسیپ های قانونی وثبتیت
شده حقوق بین الدول باشد .
حق ترانزیت آزاد کشور های
محاط به خشکه وسهم گیری
آنان در انکشاف وبهره برداری
زمین های غیر حیه ابحار
درمورای آبهای ساحلی کشور
ها که حدود آن بصورت
بین المللی مورد قبول باشد ،
حتما باید تأیید و تضمین
شود .

بناغلی رئیس !

نامیبیا بر نظم اقتصادی
جهان ومو سسات موجوده
اقتصادی برای مقابله با مسایل
انکشاف در کشور های روبه
انکشاف و رسیدن به يك رشد
متوازن اعضای جامعه بین المللی
برای اولین بار در ششمین
جلسه خاص مجمع عمومی ملل
متحد که به منظور مطالعه
وبررسی پرو بلم مواد خام و
انکشاف دایر شد ، به صورت
دقیق آشکار ومطرح مذا کره
قرار گرفت . ارزش این جلسه
خاص درین نکته قرار دارد که
يك دیا لوگ متکی بر تفا هم
ومطالعه مشکلات فوری تمام
کشورها در سطوح مختلف
انکشاف میان آمد
درین جلسه این حقیقت که
منافع کشور های پیشرفته و
روبه انکشاف هر دو نمیتواند
بیش ازین از هم جدا باشد
آشکار شد وتصمیمات آن نقطه
عطفی را در روابط اقتصادی
بین المللی کشور ها که از نظر
اقتصادی در سطوح مختلف
پیشرفت قرار دارند بوجود
آورد . ما اطمینان داریم که این
تصمیم هاعصر اتکاء به هم
عدالت ، پیشرفت ، وصلح رابه
دنیا خواهد داشت . طوریکه
اعضای محترم این مجمع عالیقدر
اطلاع دارند افغانستان يك
کشور روبه انکشاف محاط به
خشکه وهم چنین در بین کشور
های روبه انکشاف یکی از کشور
های کمترین انکشاف یافته
میباشد . پرو بلم ها واحتیاجات
فوری این کشور ها در جریان
جلسه خاص مورد بررسی عمیق
قرار گرفت ودر نتیجه در زمره

کشور ها ییکه از بحران
اقتصادی بین المللی شدیدا
آسیب دیده اند شامل ساخته
شدند . تطبیق اقدامات فوری
بمنظور رفع حوایج و پرو بلم
های آنان در تصویب نامه ای که از
طرف جلسه خاص به تصویب
رسید پیشبینی گردیده است
ولی متأسفانه اقداماتی که در
تصامیم جلسه خاص گنجانیده
شد از طرف اعضای جامعه
بین المللی تا اکنون تطبیق
نگردیده . پروگرام مخصوصی
که اتخاذ اقدامات اضطراری را
به منظور حل مسایل فوری
کشور های محاط به خشکه
کمترین انکشاف یافته وسایر
کشور هایی که از ناحیه بحران
اخیر اقتصادی شدیداً خساره مند
شده اند پیش بینی کرده بود
بصورت موثر جامه عمل
نیوشیده است این علم موفقیت
بیشتر ناشی از فقدان علاقه
وتفاهم از جانب کشور های
پیشرفته ، علی الرغم تصمیمات
جلسه خاص میباشد . هیات
افغانی مایل است قدر دانی
خود را به کشور های پیشرفته
وهم چنین به کمک دهندگان
وابسته به کشور های روبه
انکشاف که جهت تطبیق
تصمیمنامه جلسه خاص مجمع
عمومی پیشنهاد مسا عدت
کرده اند اظهار نماید .

بناغلی رئیس !

چون تطبیق تصمیمات جلسه
خاص وآیت های دیگر اقتصادی
که بصورت خاص مورد علاقه
ماست در کمیته دوم مجمع عمومی
مفصلاً مورد بحث قرار میگيرد
هیات افغانی درین وعله به
ابراز نظریات عمومی اکتفا
میکند .

در خاتمه هیات جمهو ریت
افغانستان از همکاری کامل
خود به شما بناغلی رئیس و به
دیگر اعضای ملل متحد بمقصد
صرف مساعی جهت بمیان آوردن
يك عصر جدید و اقدامات
مشترك بمنظور مطالعه طرق
اصلاح وضع سیاسی ، اقتصادی
واجتماعی و احوال مردمان
سراسر جهان اطمینان میدهد .
مایقین داریم که با ابراز و
تعمیل حسن نیت لازم این جلسه
توأم باموفقیت خواهد بود .

تشکر

صفحه ۳۷

قصه كوچك تابستان

او داستاناش را بپایان رساند.
نزدیکی شب قدم زدن مارا همراهی کرد. و ماهی که ماه از لای پاره ابرها می‌برآمد روشنایی کمرنگی می‌آید خست ستارگان چشمک زن و پهنای رنگ پریده ای دریاچه چنین بنظر می‌آمد که در بین درخت‌ها معلق و آویزان مانده اند.
بالاخره دوستم سکوت را شکستند «این داستان بود. آیا قصه ای دانی سازد؟»
«یقین ندارم. این هاهمه رخ داده‌ها ی یک داستان اند که من می‌خواهم بادیگر آن در هم آمیزم. یکی از قصه های که بغا طر ترتیب آن از تو شکر گذارم. و لی نمی‌توان آن را ناول کوتاهی گفتم. این یک آغا ز ویش درآمد زیباست. و ممکن مراد چار و سوسه واغوا کند»

این خصلت ها به سادگی یکی از برابر دیگری می‌گردند و بدون اینکه پیوند درست داشته باشند. در اینجا خوشنوت سرنوشت های خصوصی وجود دارد بدون اینکه چنین پایانی بهمان باشد. ممکن یکی بغوا هد آن هارا تا نتایج و فرجام دنبال کند.

«می‌دانم منظور تو چیست سرنوشت دختر جوان. بازگشت به شهر، و وحشت از سر گرفتن زندگی یک نواخت و کسالت بار همیشه»

«لی. زیاد هم چنین نیست. دخترچندان علاقه بخصوص مرابر نمی‌انگیزاند. دختران جوان همیشه جالب نیستند. جالب تو چه چیزی است که آنان در خودشان می‌نگرند زیرا تمام تجارب شان فقط منفی و بسیار همگونه اند»

دختری در چنین شرایط ممکن فر داد بی بامرد مورد احترامی ازدواج کند و بغانه بخشیر برود. و این حادثه مانند ورق روشنی در دفترچه خاطراتش باقی خواهد ماند. دختر مورد توجه ام نیست»

«خوب، این عجیب نیست؟ مثل کس برای من چیزی را که تو در مورد یک مرد جوان می‌بینی، نمی‌بینم. نگاه های اینگونه، حرف شعله های که در گذشته یکی زبانه می‌کشند، چیزی است که همه کس مزه آن را در جوانی می‌چشید، چیزی که اکثر مردم قادر به احساس آن نیستند. و دیگری بزودی بدست فراموشی می‌سپارند. یکی باید مسن و سالمند شود تا نمره ای همه تجارب را بچشند. ممکن این یکی از برتری ها عمیق و شاد جوانی است»

اوست که وهم و خیال را بخودرام میدهد و (مرد جوان هم طرف علاقه ام نیست) (خوب، پس چه طرف تو چه ات است؟) (برای من جالب تو چه در مرد سالمند نویسنده ی نا مه است و می‌خواهم کمی آنرا گسترش داده و داستانش را بفرجا می بیاورم. من فکر نمی‌کنم که یکی در هر سن، بدون بخشود می‌تواند نامه های بر انگیزانده همچان بنویسد و خود را در احساسات عشقی بیفکند. من سعی خواهم کرد که

تصور کنم چگونه این بازی باشد جدی و گرم میشود و چگونه او تصور لگام زدن آن را می‌نماید در حالیکه خودش ایجادگر رنج ها و درد هایش است. زیبا بی‌شگوفان دختری که او فکر میکند فقط از دور نظاره اش می‌نماید، چگونه در زرفشای یک احساس بدون که خود متوجه باشد، می‌کشاندو - لحظه ای که همه چیز به صورت ناگهانی از چنگش می‌رود - و این زمانی است که وی - خواهان پیوستگی و تداوم بازی می‌باشد بازی که سخت بان دل بستگی یافته بود - برای من جالب تو چه است تا بر اثر اشتیاق و آرزوی که توسط یک مرد پیسر ایجاد میشود و همانندی با لحظات جوانی

آن خواهد بود...»

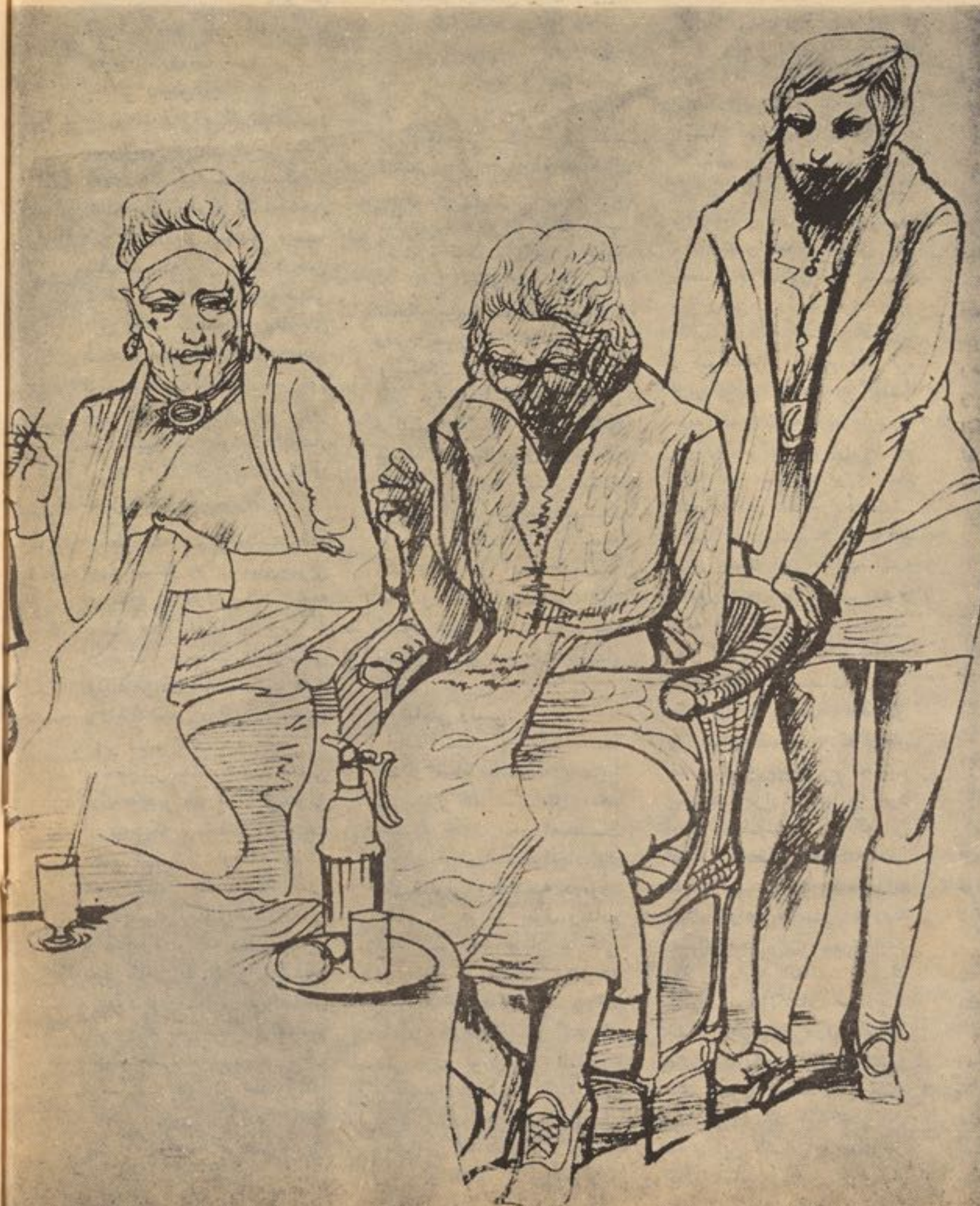
(حیله گر، همراه، تقلب، و کاملاً غیر ممکن)

قدم هایم را گرفتیم. صدا، خوشنش و لحن بی ادبانه اش کلمات را با چنان شدتی برید که بوی تهدید از آن ها خوانده می‌شد. هیچوقت دوستم رابه این حد آشفته ندیده بودم.

در یک لحظه دانستم که افکار من برایش سخت درد آور بوده است و هنگامیکه به صورت ناگهانی و شدت توقف نمود من از موی سپیدش گنج شد م.

خواستم تا موضوع را تغییر بدهم تا از عصبیتش بکاهم. ولی در یک لحظه دوباره مرا مخاطب ساخت و لی این بار بالحن بسیار معترمانه و چنان کلمات را ادا کرد که در زرفشای آنها معذرت خوانده شد (یا ممکن تو راست بگویی یقین در آن یک چیز جالب وجود دارد. بفکرم بهمین دلیل با لژاک یکی از داستانیهای زیبا و باشکوه اش را بنام

(بین عشق پیری را) نام گذارد. ولی سا لمتان، که از راز های زیاد در این قلمرو آگاهی دارند، فقط ترجیح می‌دهند از پیروزی هایشان حرف بزنند و روی ضعف های شان پوشش بگذارند، آنان می‌ترسند از اینکه خویش را روی مسایلی مسخره کنند، که در موردی، چیز دیگر نیستند مگر پاندول نوسان جاوید اتکی. آیا برآستی فکر می‌کنی تمام فصل های کتاب خاطرات کازانوا تصادفی بود، جاییکه فریبگر خود را فریب زده می‌یابد؟ ممکن دستش محض سر نوشتی بوده که بطرف قلم دراز شده دراز های قلبش را بیرون داده است) دستش را دراز نمود. لحن صدایش - کاملاً سرد، آرام و نا هیجانی بود (خدا حافظ شب بخیر. می‌بینم که گفتن قصه های جوانان در یک شب تابستانی خطرناک است. این امر افکار احقانه ای را در ذهن آدمراه می‌اندازد و انسان رابه رویا های غیر ضروری می‌کشاند. شب بخیر) بقیه در صفحه ۶۴



ازدوستکاران

از : دوكتور محمد عزيز سراج

از : فضل هادي محصل طب

پرواز دل

آمو ختم

پرواز دل بسوی خدا می برد مرا

مستم خمار عشق کجا می برد مرا
در جستجوی وصل نبا شد قرار من
یارب چه عالمیست ز جا می برد مرا
پروانه وار چرخ زخم در طواف تو
این اصل خانه ایست بجا می برد مرا
بی جا مه کی توان در حرمش قدم نهاد
پوشید هام حرام قبا می برد مرا
دائم که در الست نصیبم نوشته است
در حیرتم که باز چرا می برد مرا
دیدارم آرزو ست صدا هم به پشت کوه ست
چشم بصیر تپست صدا می برد مرا
دل داده ام زاول دلدادم آرزو ست
گشتم اسیر ناز ادا می برد مرا
وصل است آرزو و یقینم رسیدنست
من چا کرم به عشق وفا می برد مرا
بایک جهان نیازبد ربا ر شش آمدم
یارب شود قبول دعا می برد مرا
هر کس به کمکم چو تهی گرددوش خود
زار و ذلیل دیده به پا می برد مرا
دستی دراز کرده و رحمی طلب کنم
صاحب کرم کجاست کدامی برد مرا
در سینه گر طپشی است ذکر ذکر اوست
این ذکر رهبر یست صفا می برد مرا
من غرق انفعال شدم در حضور او
پا ساراب بجاست حیا می برد مرا
گر مطلبیت (عزیز) رسیدن به عالمیست
در پای کوه طورند می برد مرا

می پرستی راز چشمان نگار آمو ختم

راستی را از قد بالای یار آمو ختم
نشنوم آواز نا هنجار بید و قا ن عشق
تا نوای شوق بخش از بانگ تار آمو ختم
میسزد باز ور گویان زور گو بایشدن
درس خوبی از ستیز روزگار آمو ختم
تا شدم من رو برو با صبح دیدار خوش
پاکی و صدق و صفا آینه وار آمو ختم
بهر آزادی تلاش بیجهت کی می کنم
منکه اندر دام زلفا نشن قرار آمو ختم
هر زمان شادابی و سر سبزی از نو آور یست
این روش از سیر خوب جویبار آمو ختم
تا نسنجیده قدم ، در کوی او بگذار ده ام
من بسی اخطار زلف تابدار آمو ختم
گر تواضع پشت استغفای من خم میکند
همچو درسی از خم ابروی یار آمو ختم
هیچگاه دلبستگی بابیو فایان خوب نیست
«هادی» خوش اندرزی از روزگار آمو ختم

تهیه کننده : سید احمد شاه
(شامل)

بخوان و بیندیش

اگر هم بدام افتد همه تر جیح
میدهند همواره در قفس باشد!

بدبینی نشانه ناتوانی و عدم
اعتماد به نفس است زیرا کسی که
به خویشتن اعتماد ندارد همه چیز را
از پشت عینک بد بینی می بیند
پاسکال
یگانه خوشی واقعی درین جهان
اینست که از زندانی که برای خود

جای تاسف است که بسیاری از
مردم از صراحت لهجه بیش از شنیدن
دروغ احساس ناراحتی میکنند .
نوئل کوارد
حقیقت مانند شیر درنده است که

خو شبختی در میان چهار دیواری
خانه شساست . بیپو ده آنرا در باغ
خانه بیگانگان مجوئید .
مارك اورل

ساخته ایم بیرون بیا نیم و با زنجیر
عشق پیوند خود را با زندگی استوار
کنیم .
آلدوس هکسکی
هرگز صبر و برد پاری را از دست
ندهید ، زیرا این آخرین کلیدی
است که در بسته را میگشاید .
«۹»
زن مثل سایه است ، اگر دنبالش
کنی میگرد یزد و اگر فرار کنی
دنبالت میکند !
اللا طون

جهان نابینایان با امکانات

از ایلستر تیلویکلی آف اندیا

واستخدام در رشته‌های

در جهان کوران هر سوم نفر
هندیست سوء تغذی یکی از اسباب
عمده کوری در بین اطفال هندی
محسوب میگردد.

امروز در کشور هند پنج میلیون نفر
نابینا است.

خانه کوران خوشحال یاد می‌شد به بمبئی برده شد. «اما من خوش نبودم. احساس میکردم که باید همراه بینایان درس بخوانم».

بناء وی بیک مکتب عالی که چند کیلو متر دورتر بود داخل گردید. چند ماه اول، ماه‌های مشکل بود. «چنین معلوم میشد که هیچ کسی متوجه من نبود. اما بعدتر رفقای مکتب به کمک و نجات من رسیدند. آنها برای من کتاب میخواندند و مرا کمک میکردند تا نوت بگیرم».

امروز پراوین نسبت بخود مطمئن و متیقن بوده و بدون کمک دیگران حرکت میکند و راه میرود. وی روزانه از ناحیه جارگوان واقع در حومه بمبئی جائیکه خودش به تنهایی در یک اپارتمان کوچک زندگی میکند

پنج میلیون کور :
در هند در حال حاضر پنج میلیون نفر کور می‌باشند. سی فیصد از این نابینایان اطفال بسن مکتب‌رو اند. (فیصدی نا بینایان در کشور های دیگر بیشتر در بین کلان سالان می باشد) اسباب عمده نابینائی عبارتست از :

(۱) سوء تغذی، بسیاری از اطفال از ناحیه عدم کفایه ویتامین «بی» دیده نمیتوانند. (۲) تراخم. «۳» مرض کتر اکت چشم (و قتیکه لنز چشم خیره می‌شود).

در ظرف ۲۰ سال آینده تعداد نابینایان در هند به ده میلیون نفر و در تمام جهان به سی میلیون خواهد رسید.

برای جلوگیری از نابینائی چه اقداماتی صورت می‌گیرد ؟ انجمن رویال کما منولت برای نابینایان بهمکاری انجمن ملی برای کوران سالانه ۳۰۰ کمپ چشم را تاسیس می‌کنند. موسسه «آیز آف اندیا» در ظرف سه سال گذشته ۷۰۰۰۰۰ نابینارا مورد تداوی و معالجه قرارداد که از جمله ۶۳۰۰۰ شانرا عملیات جراحی نموده است.

درین اواخر در گجرات یک کمپ چشم بمیان آمد. یک ماه قبل از افتتاح این کمپ یکصد و دو مرکز معاینه چشم در مناطق قبایلی در مدھیلا برادیش، راجستان و مهاراشترا تاسیس گردید. چهارده نفر جراح در هر پنج دقیقه یک عملیه جراحی

فقط بخت با پراوین یاری کرده بود که وی توانست به یمن آن داخل مدرسه گردد. «مادرم مرا بدو کانی



یکتعداد از کوران بحیث معلم، نماینده، ایجت بیه، آپریتور تیلفون و خبر رسان استخدام میشوند.

در شهر مابرده بود. ولی یک شخص رؤف و مهربانی (شیراز بسرای که خود نیز کور بود) نزد مادرم آمد و بوی از موجودیت مکاتب اطفال کور چیزها گفت».

پراوین به مکتب کوران که «بنام

تافلو ورا فوانتین که ۴۰ کیلو متر مسافه دارد راه می‌پیماید و از خانه های شخصی که جدیداً نابینا شده‌اند دیدن میکند.

«یکانه مشکل من در زمان نیست که جاده را عبور می‌کنم. فقط عده معدودی

پراوین داندیا پنج ساله بود که بمرض چیچک دچار شد و چشمان خود را از دست داد. علت آن این بود که به وی واکسین چیچک زرق نشده بود زیرا «برادر کلان من بزودی بعد از اینکه واکسین چیچک گرفت از دنیا چشم پوشید».

پدر شان که خیاط متوسط الحال در سورات بود فکر میکرد که باید واکسین چیچک به پراوین جوان داده نشود.

پراوین اکنون سی و سه سال دارد و بحیث یک معلم خانگی ایفاء وظیفه میکند. وظیفه اصلی او اینست که با کوران در تماس آید و امکانات تعلیم و تربیه و کار کردن را با ایشان مطرح کند.

پراوین اکنون میخواهد ازدواج کند. وی گفت: «دختری را میخواهم که دیده بتواند و باید مانند کلکین اطاقی باشد که با چهار دیوار بسته شده است. این امر برای وی مشکل خواهد بود زیرا مشارالیه مجبور خواهد بود که خود را بشرايط يك زندگي مشکل توافق دهد. من يك وظیفه مامون در انجمن مردان کور دارم در تاریخ از کالج ولسن بمبئی درجه ماستری گرفته ام».

فوت و سعیدی تعلیم و تربیه

مختلف همراه است



نابینایان در پروژه های اعمار سرك مصروف کار اند و از این راه آنها اعاشه مینمایند .

وظیفه را در مراکز تولیدی در فابریکه های دولتی، و یا در فارم های زراعتی پیدانمایند. مراکز تعلیمی و تربیتی کورس های عالی را برای نابینایان دایر میکنند و مکاتب تجارتی را تدویر می نمایند. بعد

وی علاوه کرد: بهترین شکل استخدام برای کوران کار کردن در مراکز تولیدی است. درین مراکز تمام شرایط ضروری کاری که نابینایان میخواهند بشمول ارتقاء و اعتلای فرهنگی میسر است.

در اتحاد شوروی ۴۸۰ تصدی وجود دارد که مصروف تولید موتور های برقی، ترانسفارمر ها، سامان ولوازم برقی، لین های برق، پرزه جات التوی موتور و ماشین های زراعتی بوده و کارگران آنها را همه نابینایان تشکیل میدهد.

امروز در اتحاد شوروی جمعا هفت هزار نابینای روشنفکر و تعلیم یافته مانند معلمین، نوازندگان آواز خوانان، قانون دانان، نویسندگان و کارگران مغز الکترونیکی موجود می باشند.

(بقیه در صفحه ۶۰)
صفحه ۴۱

و استخدام کنندگان آنقدر مثبت نبوده است. این از این لحاظ نیست که آنها بمقابل نابینایان همدردی نداشته اند. استخدام کنندگان اصلا فکر میکنند که نابینایان شاید قادر نباشند تا بمطالبات و اقتضات عملیات صنایع عصر حاضر جواب مطلوب دهند. در جمله کشور هائیکه پرابلم نابینایان را موفقانه حل نموده است اتحاد شوروی می باشد. میرمن فاضل بای گفت: تسهیلات خوبی برای نابینایان تهیه دیده شده است. «درهند پسران و دختران ما میتوانند آواز بخوانند، رقص کنند و آلات موسیقی را بنوازند.

بورس زمین، عسکری که در سال ۱۹۴۳ نابینا شد و اکنون رئیس شورای جهانی برای رفاه نابینایان می باشد از امکاناتی که برای استخدام نابینایان در صنایع و رشته های مسلکی در اتحاد شوروی موجود است حرف زده میگوید: هر نابینائی که آرزوی کار را داشته باشد میتواند برای دریافت کار و وظیفه برای نابینایان چه اقدامی صورت بگیرد؟ میرمن رحمت فاضل بای که يك عضو فعال كمپ چشم داهود در گجرات است درین مورد چنین گفت: ما مساعی زیادی در سراسر کشور برای پیدا کردن کار به نابینایان بخرج داده ایم. اما جواب کار فرمایان



این نابینایان میوه ها را می چینند تا بهره کار خود را در یابند.

تأثیر تنباکو بالای ارگانیزم انسان عمیق است. خصوصاً اینکه گفته میشود یک عدد سگری که کشیده میشود به اندازه‌ای بالای قلب اثر می‌گذارد که:

۱- یک کیلو متر انسان پای پیاده گردش کند.

۲- سه کیلو متر را انسان با بایسکل سفر کند.

۳- نیم متر مکعب چوب ارچه را اره کند و غیره بالای قلب اثر می‌کند.

آیا ما همیشه میتوانیم این مشق و تمرین را اجرا کنیم؟ نخیر هرگز! سالون سیورت را در منزل نمی‌توانیم بسازیم و اگر در جاده‌های عمومی به‌دوش بپردازیم بسیار امکان آن موجود است که رهگذران راجع به صحت عقل ما تبصره کنند...

در منزل به وضعیتی که روی دیوان نرم لم داده ایم و سگری به لب داریم میتوانیم ارگانیزم خود را با بر داشت همان فشار لازمه‌ای که در اثر دوش یک کیلو متر یا بایسکل دوانی سه هزار متره و سر از پیر شدن عرق از سر و پا و ایجاد نمودن مفکوره‌های عقلی در باره خود بدست می‌آوریم مورد تجربه قرار دهیم علاوه بر آن از نقطه نظر زمان نیز مفاد بیشتری حاصل میگردد آیا وقت طلا نیست و این طلا را نیز بکشیدن یک سگرت بدست آورده توانیم صفحه‌ای از روزنامه را مطالعه نماییم و یا پروگرام جالب تلویزیون را نیز مشا هده کنیم.

(در صورتیکه ممکن نیست در سالون سیورت همچو موهبتی را نصیب گردید) و اگر چند دانه سگرت را بیسم دود کنیم قادریم همچو فشاری را بر ارگا نیزم خود تحمل کنیم که معادل آنرا با بلند نمودن وزنه‌های ریکاردی هم نتوانیم مورد تجربه قرار دهیم.

اکنون که اظهارات دفاعیه ماروبه پایان است، امید داریم که تمام عوامل متذکره بتواند تبلیغات بسی ارزش‌کسانیکه علیه این عمل اقدام می‌کنند خنثی سازد. و هر وقتی که من تصور میکنم که در میلیون‌ها آپارتمان مختلف در منازل پاک و نظیف دود تنباکو متصاعد شده آواز سرفه‌ها بلند می‌گردد چه خورسند میشوند و عقیده‌ام در باره اینکس (زندگی ادامه‌می‌یابد، زنده‌با د زندگی) را سخت میگرد.

نه، نه... بابا... آنچه شما کرده‌اید قابل ستایش است... ولی من نمی‌توانم... نمیتوانم... می‌دانید نمیتوانم قدرت و اراده‌ام ضعیف است.

دور و نی وریا کاری پس است... حالا وقت آن رسیده که به مقام دفاع از همان ماده کشنده و مسموم‌کننده را که امروز معتادین به آن عادت کرده‌اند بر آمد.

و بدین ترتیب ما در نظر مگر فتن پیدایش دخانیات در مراحل تاریخی باید اعتراف کنیم فرضاً: همین دود تنباکو نبود که در زمان پطر اول در روسیه با دود بخاری‌ها یکجا شده بحیث سمبول پیشرفت‌های اقتصادی شناخته شد؟

و در عصر ما!... قبول میکنیم که در مسایل خانوادگی راجع به مزایای دخانیات صحبت کنیم بچقدر الفاظ رکیک و تلخی که ممکن است روز مره به خانم‌تان بگویند ولی به علت اینکه ذهن‌تان با سگرت مسدود است و مجال گفتن آن را نمی‌یابید؟

فکر میکنم هیچکسی در مورد از تو رینه گفتار فکاهی نو یسان معروف ایللی الفلا و پتروف که تصدیق کرده اند همه چیز از روی احصائیه به میدان میرسد تردیدی داشته باشد. بلی! احصائیه عمومی ارقامی را به دست میدهد که در اثر تحقیقات دامنه دار علمی به اثبات رسیده که



مترجم: ژرف بین

حرف حسابی در مورد دخانیات

ایجاد کرده، از قعر سینه آهی برون میدهند (مثل اینکه تا تخته مرگ با تنباکو وداع کردند نیستند) و می‌گویند:

عادت به دخانیات را همه کس مزمت کرده ولی کمتر دیده شده است که راجع به مزایای آن سخن گفته شده باشد. تبلیغاتی که علیه تنباکو به شکل لجام گسیخته اش راه افتیده بسی از معنا دین را تا اندازه تحت

تأثیر گرفته حتی میتوان گفت در دنیا بصد ها هزار نفر عملی و به تنباکو رو از سگرت و چلم گشتانده و دیگر سوی آن نرفته است، ولی کسانی که یارو باور صادق و فدا کار تنباکو اندو چاه‌های فلزی بایب‌ها و لپ‌نی‌ها دوستان وفادار آنها اند بطرز بسیار ساده و منطقی‌ای نمیتوانند از موقف خود در اجتماع و یاران همیشگی خود دفاع کنند.

نارها مابه صحنه‌هایی بر میخوریم که همچو انسانها بشکل گستاخانه اش نه تنها از تعریف و توصیف عمل‌شان دست بردار نیستند، بلکه برای آنها نیکه آرزو دارند اعتیاد به دخانیات را ترک گویند نیز مزاحمت



بنون شرح



این هم ششمین گول



دوکتور- این دروازه را دیده
میتواند؟ گوکیپر- خیر! پس بهتر
است بفکر فتنال نباشد.



وقتی که فتنالیست ها میخواهند
شطرنج کنند



نتیجه عکسبرداری يك ورزشكار

اعتیاد

خانم نسبتاً در مانده که از مشتریان
قدیمی این دوخانه بود با عصبانیت
به فروشنده گفت:

- نمی فهمم به چه مناسبت آن دوی
همیشگی را به من نمیدید.

فروشنده مودبانه جوابداد:
- چون همانطور یکه عرض کردم
مقررات جدیدی وضع شده است که
ما اجازه نداریم این دارو را بدون
نسخه طبیب به کسی بدهیم علتش
هم اینست که متوجه شده اند بعضی
ها بعد از مدتی به این دوا هم مثل
مواد مخدره معتاد میشوند.

زن که از شنیدن این حرف پر-
عصبانیتش افزوده بود فریاد زد:
واه واه چه مزخرفاتی، که این-
چنین حرفی را زده است. ابتدا چنین
چیزی نیست، خود من الان بیست
و پنج سال است که هر روز ازین دوا
میخورم و ابتدا به آن معتاد نشده ام.

راه چاره

کشتی در میان دریا در حال غرق
شدن بود و همه مسافران در نا راحتی
بسر میبردند درین موقع کپیتان
کشتی رو به مسافران کرد و گفت:
- آیا کسی از شما دعای نجات را
میداند.

مردی جلو آمده و گفت:

- بلی... من دعای نجات را می
دانم کپتان با خوشحالی گفت:
- بسیار خوب... تمام مسافران

را کمر بندهای نجات خواهیم داد جز
این آقا که دعای نجات را میداند.
چون ما از تعداد مسافران کشتی
يك کمر بند کم داریم...

سن زن

زنی از نویسنده شوخی پرسید:
بچه دلیل خانم های سی ساله خیلی
پیر تر از مرد های سی ساله بنظر
می رسند.

نویسنده جواب داد:

برای اینکه خانم های سی ساله
خیلی بیشتر از سی سال دارند.



امید وارم که خوشبخت باشم...

نویسنده

مردی علاقه زیادی به نویسنده گی
داشت ولی چون درین راه استعداد
نداشت مقالاتش مستقیماً به کاغذ
دانی ریخته میشد.

روزی یکی از دوستانش با و
گفت:

- خوب خوب درین روزها کارها
چطور است، از کجا پول بدست می
آوری.

دوستش سینه را صاف کرده و
گفت:

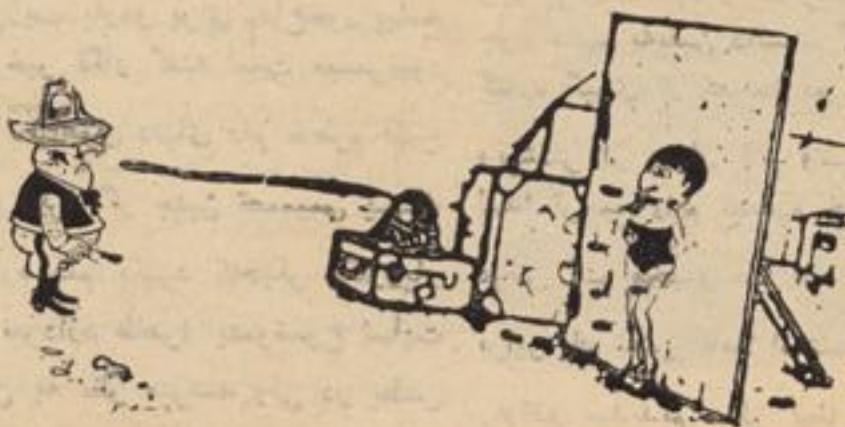
- از راه نو یسنده گی.

- چطور... بخاطر حق الزحمه
مقالات پول میگیری.

- نه جانم هر وقت بی پول می
شوم نامه ای به پدرم می نویسم تا
برایم پول بفرستد.



قدرت عشق



بنون شرح

ستارگان افسانه ساز



ایزابیل اجانی



روت ماریا هنر پیشه تیاترالمان

وجه برای ستاره راحت بخش نیست چون منهم به یقین دانستم که هیاهوی کناره گیری از سینما بمراتب زیادتر و بیشتر از جهان فلم و سینما ست لهذا ترجیح دادم تصمیم خودم را عوض کنم مخصوصا از اینکه در برابر يك نقش كاملا استثنائی خود را واقع میدیدیم دیگر تعلل و درنگ را جایز نشمردم.

ژنون

مشهوری است که شهرت او در قاره اروپا به نقطه معروجی رسیده است.

جایزه دیگر این مقابله به (موریس بیجارت) طراح و کوریو گرافر فرا- نسوی تعلق گرفت پارچه را که موریس عرضه نمود يك پارچه رقص كاملا جدید و ابتکاری بود که سخت مورد توجه واقع شد. اگر چه (موریس) در این مقابله چهار نوع رقص را به نمایش گذاشت ولی مقبول ترین پارچه او را هما نسا رقصی مدرن تشکیل میداد.

با در نظر داشت طرز کار وشوه های اختصاصی کار این دو هنر مند هیات داور جایزه (ایراز موس) برای شان داده شد.

جایزه مشتمل است از يك سندی اعتبار نامه وچهل و شش هزار دالر پول نقد برای هر دو هنر مند. **برژیت در نقش اصلی خود:**

برژیت باردو آشوبگر چهل ساله فرانسوی اخیرا در فلمی نقش يك دون ژوان «زن» را به عهده گرفته است اگر چه چندی قبل برژیت همینکه فلم «بلوارام» را آغاز کرد بهمه خبر نگاران گفته بود که دیگر بروی پرده فلم ظاهر نخواهد شد ولی برژیت قسبیکه در هیچ راهی از راه های زندگی ثابت قدم نمانده بود، در این قول خود هم وفادار نماند.

برژیت باردو برای دفاع خود بیاسخ يك خبر نگار گفته است میسر نبود که از هیاهوی دنیای فلم خاطرم فارغ شود زیرا اگر چنین تصمیمی يك ستاره فلم بگیرد که دیگر بکار و پار فلم نپردازد ظاهرا این موضوع نهایت سهل به نظر میرسد ولی در بطن خود سر و صدا هایی دارد که بهیچ

سکس آلود خود را بدلبها جابه برزند و موفقیت در خور خواسته خود را به دست بیاورند ولی (روت ماریا) در چند بازی اخیر خود ثابت ساخت که جلوه های هنری و قدرت تبارز حالات بقدری موثر است که چون مقنا طیبی احساسات بیننده را جذب میکند. از اینرو ستارگانیکه قدرت و استعداد بازیگری دارند بهیچ وجه بسوی بازی های سکس آمیز متمایل نمیشوند چنانکه (ماریا) فقط در پرتو استعداد خود بازیگری می کند و بس.

دو جایزه برای دو هنر مند:

اخیرا در مقابله بهترین آثار رقص که بمنظور انتخاب بهترین پارچه آن ترتیب شده بود دو هنر مند برجسته توانست که جایزه بزرگ این مقابله را در یافت نمایند. برنده اولی همانا (نیتی والویر) کوریو گرافر معروف انگلیسی است که جایزه را بخاطر يك پارچه کلاسیک او منظور کردند. (نیتی والویر) مردیست پنجاه و يك ساله که تا کنون پارچه های متعدد رقص های کلاسیک نور کلاسیک و مدرن تهیه نموده و یکی از کوریو گرافر های

(ایزابیل اجانی) دو شیزه خوش قیافه و هنر پیشه است همیشه بشاش که او را هنر پیشه خندان لقب داده اند که او بعد از يك سلسله هنرنمایی های موافقانه اخیرا در يك فلم کمیدی فرانسوی نقش عمده را یفا کرده که گردانندگان سینما و صا حبان صلاحیت برای ایزابل اجانی بخاطر بازی موفقیت آمیزش جازه معروف «سوزان بیا نجیتی» را برایش منظور کردند.

جایزه بیانچیتی مدال طلائی است که از چندین سال باینطرف برای بازیگران موفق سینما در فرانسه داده میشود.

بازیگری در پرتو استعداد:

«روت ماریا کوپیت شك» هنر پیشه چهل و سه ساله موبلاند تیاتر آلمان است که يك بار دیگر سال گذشته با بازی در نمایشنامه (سفر بصوب تلزیت) کار نامه یی در تیاتر یجا ماند ناقدان امور تیاتر در يك بخش کرتیک تیاتری در مورد بازی (روت ماریا) چنین ابراز نظر نموده اند که غالبا تصور میشود ستاره ها می توانند به خاطر نمایش اندام ویا بازی های



فیروز خان و هیما مالینی در فلم «دهر ماتما»



بریزیت بار دو در نقش اصلی خود

از هندوستان چندین بار دیده است اگر روی این احساس تشابه و مشابهت در بعضی از صحنه های آن ملاحظه شود انکاری ندارد ولی یک کاپی مکمل نیست.

ناظران تبصره می کنند که ممکن این موضوع برای فیروزخان مشکلاتی خلق کند بهتر است قبل از وقوع حادثه را جلوگیری کند و البته ایسن حرکت به نفع او خواهد بود.

فلم «آرمالا دوس» را حاصل کرد و بعدا فلم خود را بنام «مورنجن» به معرض نمایش قرار داد و نیز این کار را بکند تا به مشکلاتی بر نخورد. در جانب دیگر فیروز خان این همه شایعات را عاری از حقیقت خوانده گفته است چنین چیزی در فلم او بچشم نمیخورد که او را مجبور نماید تا حقوق فلم «کاد فادر» را خریداری کند. او اعتراف نموده که فلم «گاد فادر» یکی از فلمهای نهایت عالی عمیق امریکا می است که آنرا بیرون

آنان بهم خورد و از هم دیگر کنار گیری اختیار کردند.

(سلکپشنا) بجواب يك نامه نگار گفت: تازه وقتی میخواستم یکی از آهنگ های فلم «گیتا نجلی» را که پرو د یو سر و موزیک دا تر کتر آن همنت کمار است، ریکارد نمایم که همنت صاحب خواست که چون تا هنوز برای فلمش هیروئین انتخاب ننموده من نقش هیروئین را در فلمش بازی کنم. بمقابل این خسو امش اعضايم بلرزه افتاد و بدست پاچگی گفتم از من بازی در فلم ساخته نیست او مرا تشویق کرد و وقتی قرار دادم با همنت کمار امضا شد سیل پرودیو- سران بسویم سر از پرشود در طرف مدت یک هفته تقریباً چهار ده قرار داد را امضا نمودم که درین چهارده فلم همبازی هایم را جیش کهنه، نوین نشجل، فیروزخان، سنل وت، ریشی کپور، ششی کپور میباشند.

از او پرسیده شد: در این فلم های که بازی میکنی آیا آهنگ های فلم را هم خواهی سرود او جواب داد سعی خود را میکنم... ولی تصور نمیشود از عهده دو وظیفه مهم موفقانه بدر آیم شخصاً خودم ترجیح میدهم که آهنگ هارالتاجی و آشاجی بخوانند.

از سلکپشنا پرسیده شد آیا از زندگی جدید خود راضی میباشی یا خیر گفت:

تا زمانی که موفقیتی از این راه به دست نیآورده ام در يك اضطراب و تشویش خود را احساس میکنم البته وقتی فلمهایم بمو فقیقت روبروشد آنوقت این پرسش را جواب خواهم گفت:

آیا فلم جدید فیروز خان کاپی است؟

همگان در مورد فلم «وهر ماتما» کم و بیش اطلاعاتی دارند برای اینکه يك قسمت این فلم در کشور عزیزما تهیه شده است ولی قبل از اینکه این فلم به بازار عرضه شود در مورد فلم شایعات و افوا هاتی وجود پیدا کرد که گفته شده این فلم يك کاپی مکمل و صددرصد فلم معروف «گاد نادر» امریکائی است که در آن تعدیلات عمدی وارد کرده شده است. همچنان عده به فیروز خان پرو- دیوسر فلم توصیه نموده که هر چه زودتر باید مثل ششی کپور که حقوق

داستان فلم جدید بریزیت بار دو ترکیب است از قاجاق بری، دزدی اختطاف وزد و خورد های مود روز جهان سینما که بدون شك نقش بریزیت کاملاً بیسابقه حساب شده می تواند عده از خبر نگاران گفته اند بالاخره بریزیت بار دو موفق شد که نقش اصلی خود را در یافت کند.

در يك هفته پانزده فلم:

اخیراً سلکپشنا بدست که تازه به نام ونشانی در حوزه آواز خوانسی رسیده بود بسوی فلم و سینما متمایل شده و همنت کمار او را برای بازی در فلم «گیتا نجلی» بحیث هیروئین انتخاب و با وی قرار دادی امضاء نموده است.

(سلکپشنا) که بیشتر از بیست سال ندارد غالباً در پرو گرام های موسیقی با کشور کمار یکجا حصه میگرفت و بقدر این دو با هم گرم بودند که شایع شده بود آن دو با هم ازدواج خواهند کرد ولی بعد از صمیمیت سه ساله ناگهانی میانه



نمایی از رقص ابتکاری موریس بیجارت



نیتی والویر اکوریو اگر ۱ فر انگلیسی

هوشدار برای پدران و مادران

وجیزه ها

- آنچه شایسته نیست، نکند و آنچه حقیقت نیست نگوئید.

(مثل یونانی)

- در يك مباحثه خشم آلود بیسم آنست که حقیقت از دیده ما ناپدید شود.

(مثل لاتینی)

- آنکس که فعالیت ندارد بزرگترین

مفلس روی زمین است و هر کس که همه چیز خود را از دست داد اما فعالیت و اراده خود را حفظ کرده

زودی سالهای نا امیدی خود را بروز گام پیروزی تبدیل خواهد کرد.

(آندره مورو)

- کسیکه بکوشد و در کار خود نا امید شود بهتر است از کسی که بدون کوشش رستگار گردد.

(لویدجنز)

- هنر پیشگان ممتاز را با تماشای وضع سکوت و استماع آنها بهتر میتوان تشخیص دهید.

(کرکرو گلاس)

و اگر برای همیشه طالع لب خوشی هستی عفو نما.

(لاکورد)

- عفو از کسانی نیکوست که توانایی انتقام دارند.

(ابوزر جمیر حکیم)

- خطای بندگان باید بهر حال که پیدا شود، عفو از بزرگان.

(جوهری)

فرستنده نریمان، ن

دانند که چرا پسر شان معتاد به سگرت شده است و از دود کردن سگرت، فرزندشان چه میداند و چه لذت میبرد در صورتیکه امکان نداوی در نزد شان موجود باشد به

نداوی فرزند شان پیر دازند والی به واکتر مراجعه نمایند و این مسئله را سطحی فکر نکرده بلکه جدآ مراقبت نمایند.

عجب دوره و زمانه ای شده است انسان اصلا فکر نمیکند و انتظار ندارد که يك پسر ۹-۱۰ ساله با این سن و سال در حالیکه اگر ارزش پر سیده شود که دست راست و چپیت کدام است شاید نداند ولی سگرت کشیدن را با تمام معنی میداند.

چند روز قبل به سینما رفته بودم در همین یکی از سینمای شهر خود ما، پسرک کوچک تو جه مرا بخود جلب کرد، مانند بزرگان سگرت دود



مینمود بدو ن اینکه اصلا اعتنا یی نماید که

آیا این کار او خوب است یا خیر؟ فکرش را هم نمیکرد که این عمل او چقدر زننده است.

هر کت او آنقدر مرا تحت تاثیر آورده بود که ده ها سوال در نردم پیدا شد.

آیا پدر و مادر این پسرک میداند که پسر شان سگرت میکشد؟

پول سگرت را از کجا بدست آورده؟

چرا معتاد به کشیدن سگرت شده؟ آیا سگرت کشیدن امروز در آینه شده برایش خطراتی نخواهد داشت؟ ... و ده ها سوال دیگر که باید به هر کدام آن جوابی پیدا می نمودم و خود را قناعت میدادم.

مسلمان میدانم که هیچ پدر و مادری نمی خواهد که پسر شان سگرت کش باز آید آنهم در این سن و سالی که این پسرک دارد. اما يك

از تقلید و حرکات بی جای پرهیزیم

در جستجوی دوستان قلم

مایلم با برادران و خواهر انیکه در قسمت جمع آوری تکت پستی علاقه داشته باشند مکاتبه نمایم .
آدرس : محمد کریم (آرزو)
مدیریت عمومی تعلیم و تربیه
مدافعه هوایی .

...

میخواهم با کسانی که در باره ادبیات قرن ۱۹ معلومات داشته باشند مکاتبه نمایم .
آدرس :
لیسه حبیبیه محمد عثمان متعلم
صنف دهم .

...

آرزوی مکاتبه را با خواهران خود که در قسمت جمع آوری مسکوکات قدیمی علاقمند باشند دارم .
آدرس : لیس زرقونه - نظیفه
متعلم صنف نهم .

...

اینجانب محمد فاروق از لیسه حبیبیه میخواهم با کسانی که درباره موسیقی علاقمند باشند مکاتبه نمایم .
آدرس : لیس حبیبیه محمد فاروق
متعلم صنف یازدهم .

...

مایلم درباره تخنیک موتر معلومات تازه بدست آورم .
آدرس : عبدا لظاهر متعلم صنف یازدهم لیس تهنیک .

...

میخواهم در باره هنر رسامی و مجسمه سازی معلومات داشته باشم .
آدرس : لیس عالیشه درانی - طاهره
متعلم صنف نهم .

...

به آثار ویکتور هوگو نویسنده ، فرانسوی علاقمند هستم .
کسانی که با من هم عقیده اند و با آثار او آشنایی دارند به این آدرس : مکاتبه نمایند .
لیسه محمود طرزی - نجیب الله
متعلم صنف دهم .

...

مایلم به مکاتبه با خواهران و برادرانیکه در قسمت عکاسی - استعداد و معلومات داشته باشند دارم .
کسانی که مایل به مکاتبه اند لطفاً به این آدرس نامه بفرستند .
محموده - متعلم صنف نهم لیس زرقونه



اقتصاد خود و خانواده خود ضرر به زنی ؟
اما خوشبختانه اکثر جوانان ما به این نکته ملتفت اند امروز مردم ما ملک مابه نیروی جوانان احتیاج دارند و جوانان ما با درک که دارند وظایف خویش را دانسته اند که شعارشان باید کار باشد .
کار برای آبادانی کشور و کار برای آرامی مردم .
شیرین خویش داخل نمایم و با انجام دادن حرکات شانه ها ، دست ها ، ابرو ها و غیره خود را را مسخره دیگران سازیم .
آیا بقدر کافی ، ما مشغولیت های در زندگی نداریم که خود را بدان مصروف نگهداریم ؟
آیا لازم است که با وجود داشتن زندگی متوسط الحال باز هم بسا خواسته های نا معقول خویش به پیکر

اگر بعضی ها انگشت انتقاد بر برخی از کارها و اعمال ما میگذارند ، ما جوانان نباید ازین انتقادات سالم و سودمند آنها آزرده گردیم من خود جوانم اما از آن دسته جوانانیکه آرزو دارند در چشم دیگران خویش را مشخص با همیت و فهمیده جلوه دهد نیستیم .
ممکن است دانش و تحصیلا تم آنقدر زیاد نباشد ولی گفته میتوانم که همان چیزی را که يك جوان امروزی باید بداند من هم تا اندازه میدانم ولی این دلیل نمیشود که خود را در همه جا بدون اینکه مراعات موقعیت خویش و دیگران را نمایم با حرکات و ژست های به اصطلاح خارجی خود را فهمیده جلوه دهم .
متأسفانه باید بگویم که یکده جوانان ما به این نوع مریضی دچارند این عده جوانان بدون اینکه مراعات شخصیت خود و دیگران را نمایند با حرکات عجیب و غریب مانند بلند انداختن شاندر موقع صحبت ، بکار بردن کلمات و اصطلاحات خارج از جایی و زیان خود و ده ها حرکات دیگر که بعضی از آنها بدون موجب و بدون اینکه لازم باشد انجام میگیرد حرکات موجب میشود که عده بر ما بخندند و مسخره نمایند . چه ضرورت است که ما کلمات و اصطلاحات نا مانوس خارجی را در زبان اصیل و

حقایق و ارقام در مورد کتاب ، موزیک و جوانان



در جمهوری سوسیالیستی چک مطابق به آخرین احصائیه در دسامبر ۱۹۷۳ به تعداد ۷۷۵۸ کتابخانه عامه با ۲۰۲۴ شعبات مختلف وجود دارد شماره اعضای شامل کتابخانه ها ۱۰۲۷۶۰۵۲ نفر جوان رسیده که از جمله ۳۳۸ ۴۵۵ نفر آن کمتر از ۱۵ سال داشتند .

در جریان سال ۱۹۷۳ رقم کتاب های که طور امانت اخذ گردیده به ۹۸۷۹۹۴۲ ۴۵ جلد بالغ میگردد .
بر علاوه استماع موزیک در آشنای مطالعه توسط ایرفون ها که در ایجاد محیط مساعد مطالعه خالی از اهمیت بقیه در صفحه ۵۶ .

متعلمین وقت بیشتر خویش را در کتابخانه ها صرف میکنند

بیاتاباهم آشتی کنیم

من شکایت خود را به صفحه زنان و دختران مینویسم تا شاید زنم بخواند و دو باره بسویم برگردد .
مطلب بالا فشرده ای از گفتار آقای بود که چند روز قبل به دفتر مجله آمدند و برای مانتا کید کردند که مشکل شانرا که ناشی از اختلافات زنانه و هر بیست بنویسم تا برای شان کمکی کرده بتوانیم تا خانمشان از پسرش دست بکشد و دوباره بسوی کاشانه اش برگردد .

پرست در خانه مانده اند خودم به وظیفه ام رفته نمی توانم روزم بدو حالکم بدر است او بهانه میگرفت که چرا به شهر نرفتم زدن نمی رویم . چرا به خیاط خانه ... لباس هایم را برای دوخت نمی بری و یا چرا چنان میکنی و فلان نمیکنی .

من دیگر حوصله ام سر رفته ام و دارم بنویسم که منبع خوشبختی شهر نورفتن و به معروف ترین خیاط خانه رفتن نیست ، خوشبختی به قلم زدن



این مرد میگفت :
۷ سال قبل من وظیفه عروسی کردیم البته در چند سال اول زناتوی زندگی مان به خوشی می گذشت ولی بعد اختلافات دایمی شروع شد . زنم خواهر خوانده ای داشت که بسیار زیاد به خانه ما رفت و آمد میکرد ظاهر دختر خوبی معلوم میشد اما با آمدن و رفتن او میدیدم که اوضاع زنم خراب و خراب تر میشد . به کوچکترین موضوع بهانه میگرفت ، اطفال یگناه دالت و کوب میکرد ، و غالمغال راه می انداخت تا این که شروع کرد به قهر کردن و در عین زمان به خانه ای پدرش رفتن چندین مرتبه رفتیم با او آشتی کردم اما باز قهر کرد اطفالش بی سر

و شیک ترین لباس پوشیدن نیست بگوئید تابا یید و مرا از این فلاکت نجات بدهد .
ما سخنان این مرد را شنیدیم و آنرا به نشر سپردیم امید داریم تا خانم شان این ستون را بخواند و دلش برای اطفال بی سرپرستش بسوزد و ما برایش میگویم که خانم گرامی زندگی شما آیا به پارک شهر تو خلاصه شد آیا به قدم زدن خلاصه شد مانی گویم که شما از این کار تان دست بکشید نه بلکه از حد توان آن بسوی افراط نروید لحظه به سر و وضع طفل تان به زندگی فامیل تان و به شوهر تان نیز برسید لطفاً قهر را کنار بگذارید جنگل را از بین ببرید دوباره سوی فرزندانتان و شوهر تان برگردید .

کباب ماهی

یکدانه ماهی سفید را گرفته پوستش را بکنید و مانند گوشت کباب ریزه کنید و کوشش شود که استخوان پشت ماهی و دیگر خارهایش خارج گردد آنکه روی تکه های ماهی کمی پیاز تراش شده بگذارید لیکن نمک نزنید سپس روی آنها کمی آب لیمو و اندکی زعفران بریزید و نگهدارید شش .
بعد از چند دقیقه توتی های ماهی را به سیخ بکشید و روی آتش قرار دهید تا هر دو طرف آن سرخ شود . وقتیکه ماهی سرخ و آماده گردید روی آنها کمی آب لیمو و نمک را مخلوط کرده بریزید و آماده صرف است .

زنان و دختران



تهیه از: مریم محبوب

فرستنده سیده (شامل)

بخوان و ببیندیش

هر قدر کمتر آرزو داشته باشید کمتر ناگام میشوید ((پلوتارک))
بیش از بیست سال طول میکشد که زنی پسرشایسته ای پرورش دهد اما در دقیقه زن دیگری میتواند از همان پسر ، مرفاحقی بسازد .
زندگی مثل شبنمی است که از روی گلبرگ میگذرد و می افتد از زندگی ترسید اگر شکینا باشد ، زندگی را دوست خواهید داشت .
لطافت زنها مثل شادابی غنچه است و خیلی زود از بین میرود و چنان صدای خداست که از دل بیرون میاید .
هرگز دشمنی نمیتواند دوستی را شکست دهد .
توبه همیشه بر شمشیر پیر و ز می شود .
همانقدر که بفال دوست دار معامله است هنرمند از معامله بیزار و گریزان است .
«بالزاک»

مادر خوب برای مادران و پدران نصیحت میکند



این طور پیش آمد با و نکردم بلکه خودم نیز با و کمک کردم تا بتواند به آرزوی خود جامعه عمل بپوشاند نه آن طور که بصورت جدی ...

بلکه برایش راه های معقول و سنجیده آنرا یاد آوری کردم مثلا برایش گفتم اولاً نباید مکتب را به پایان برسانی بعداً درست را تا حد توان تکمیل کنی و اگر قناعت نمی کنی نگذار که پسر مورد نظرت ترا باز بچه قرار دهد و شخصیت تو و خانواده ات را بخاطر بیندازد درین مورد بعد

مفهم :

خودت از من بهتر میدانی .
خوب خواننده عزیز :

شما باید قضاوت کنید آیا این نظریات بهتر از

آن نیست که با مشورت و دشنام او را از خود میرانم

اگر ما به علق بسیاری از اختلافات زندگی زن

و شوهری نظری ببندازیم اگر خوب منبع آنرا

مورد بررسی و ارزیابی قرار بدهیم می بینیم که

اصل اختلاف از رویه ناهنجار پدر و مادر صورت

میگیرد پسر و یاد دختر نباید در چارچوب ذهنیت

های تعصب آلود خود پرورش گردد آنرا مقید

ساخت تا خواسته ها و آرزوهایش را نادیده گرفت

پدران مخصوصاً باید متوجه این گونه مسایل

باشند ، باید با رفتار عاقلانه و دوستانه ای

خویش جلب اعتماد پسر و یاد دختر را بنمایند باید

تا حد توان گوشش شود که در گوشت های شخصی

اولاد پدر و مادر دخالت نکنند حرکات او زیاد

کنجکاوی نشود نگویید کجاچه کردی کجا بودی ؟

فلان کردی و یا فلان جارفتی ؟ بلکه باید از راه

های مختلف مواظب او باشید .

در آوان کودکی طفلش را باید طوری پرورش کند که در ایام جوانی نباید از گفتن مسایل جدی احساس شرم کند و یا بعضی مسایل دیگر را پنهان سازد .

من خودم یک مادرم ، مادری که از هر حیث

توانسته ام طوری خود را برای فرزندانم

و انمود کنم که میتوانند با پیشانی باز مشکلات

خود را چه جدی باشد و یا در غیر آن برایم

مطرح سازند .

دوست مایه از یک سلسله مسایل دیگر

چنین ادامه میدهد .

من مادر چهار فرزندم که دوی آن پسر و دوی دیگر

دخترانم یکی از دخترانم تقریباً ۱۷ ساله عمر

دارد او را گذاشته ام که مطابق میل خود لباس

بپوشد با دوست های خود رفت و آمد داشته باشد

سینما برود و از قبیل این ها و در ضمن

دخترم با من طوری رفتار میکند که من اصلاً

انتظار آنرا ندارم که چیزی از آن درباره مشکلاتش

بپرسم در یکی روزهای اول هفته بود که دخترم

تقریباً مفهوم معلوم میشد ، صورت اش گل

انداخته بود لب و رویش کمی کشال بود

غذایش را خورده بعد از کمی استراحت نزد

آمد با تقریباً شرم و حیا برایم گفت که من

مدتها شده پسر و یاد دوست دارم و از او خوشم

می آید .

خوب درین قسمت من منجبت یک مادر باید با

مشت به ذهنش میزد ، و یا آنرا فحش و دشنام

میدادم و یا این که بابر خورد خشن و سستیزه

جویانه او را از خود میرانم که این کارها به

سن و سال تو غلط است و یا فلان فلان . نه هرگز من

درین هفته مانده داریم از یک خواننده این

مجله .

البته دوست مایه از یک سلسله شکایات

دوستانه مطلبی را برای مانوشت اند که قابل

نشر است و ما با حذف بعضی قسمت های آن

آنرا به نشر می سپاریم تا بگوش پدرهایی

برسد که از وضع فرزندان خود بیخبر هستند

و دوست مایه خود را «فاطمه کریم» معرفی کرده

اند شروع نامه شان این طور می باشد .

چرا پدر ها و مادر ها حق استقلال شخصی را

برای فرزندان شان در سن ۲۰ و ۱۹ نمی دهند

چرا مادرها با کوچکتر ین حرکت دخترشان

انتقادات خشن و زننده خود را نشر دخترهای

شان می کنند .

چرا عموماً پدرهای موجود است که پسر های

شانرا حق نمی دهند تا بدون اجازه شان و

استیذان آن ها به سینما و یا به منزل دوستان

بروند و یا دوست ما چنین میگویند .

چرا مادرها مثل دوست همراز و رفیق هم سن

با دخترهای شان مسایل جدی را حل و فصل

نمی کنند و گره از مشکلات شان نمی کشانند

منظورم از این مسایل آن مشکلاتی را می گویم که

دختری به سن ۲۰ و ۱۹ و یا سن پائینتر از آن

روبرو است و باید رهنمائی شود و دختر بتواند

با کمال میل مثل دوست صمیمی به مادر خود

نزدیک باشد البته ممکن است که خواننده های

عزیز با خواندن این مطلب در ذهنش تصور کند

که دختر با حجب و حیائیکه دارد او را اجازه نمی

دهد تا مسایل حیاتی و جدی را با مادر و یا خواهر

خود در میان بگذارد اما من مجبورم بگویم که مادر

خواهری از ما شکایت کرده اند .

سلام مرا از شهر دور افتاده ای هرات قبول

کنید مدت است که با مطالعه مجله وزین ژوندون

عات گرفتارم اما با کمال تأسف باید گفته شود

که قسمت زیاد مطالب مخصوص عده ای محدود

بوده و از طبقه نسوان کدام مضمونی به نشر

نمی رسد .

و اگر ماصفحات اختصاصی را مورد مطالعه قرار

دهیم می بینیم که عموماً مطالب آن جنبه خصوصی

را در بر گرفته و صورت عموم ندارد .

ما چندین مرتبه نامه های به آدرس مجله ارسال

داشتیم که متأسفانه یا نرسیده و یا این که اگر

رسیده باشد به چاپ نداده اند نمی دانم علت

چیست که موصفحات اختصاصی مطالب جالب

و خواندنی دارد ولی آنکه از درد مانکا به ما چه

سود .

من خودم چندین مرتبه مضامین در مورد طرز

آرایش موها ، طرز نگه داشتن جلد ، طرز تربیه

کودک نوشتیم ولی متأسفانه به چاپ نرسیده که

امیدواریم ازین به بعد مضامین ما را مخصوصاً آن عده

آیکه علاقه وافر به مجله شما دارند از حالت

انتظار بیرون کنند

(امضاء محفوظه)

دوست عزیز امضاء محفوظه

در جوابتان باید گفته شود که تاکنون از شما

چنین نامه نگرفتم تا آنرا چاپ کنیم مخصوصاً

در همین صفحه دوستان زیادی داریم که مضامین

قابل نشر برای ما میفرستند و ما آنرا به چاپ

آرایش روز



یک آرایش ملایم و طبیعی ، زیبایی را چند برابر میکند بی آنکه به چشم به خورد به خصوص برای روز هر چه از مواد آرایشی کمتر استفاده شود بهتر است با توجه به نکته های مشروح زیر میتوان این آرایش متناسب روز را بیاموزد :

ابتدا مقداری کریم مرطوب کننده روی پوست صورت و گردن بپوشید برای شادابی شدن صورت از روز گونه استفاده کنید اوژگونه را روی استخوان گونه بزنید . اگر زیر چشم های تان کیود و گود افتاده است ، مقدار زیر چشم بزنید . پلک بالا را با سایه روشن مثل صورتی ، زرد آبی روشن و سبز روشن رنگ بمالید برای زیر ابروها از سایه سفید استفاده کنید . یار پل زدن مژه ها ، آرایش چشم کامل میشود . لب ها را با روژ لبی به رنگ صورتی یا صورتی مایل به قهوه ای رنگ بزنید .

فرستنده : سیده «شاهل»

اگر میخواهید

اگر میخواهید که در وقت رنگ ناخن زدن به پاها انگشتان به هم نه چسبید در لابلای انگشتان پنبه ملایم قرار بدهید تا بصورت صحیح رنگ زده بتوانید .

اگر میخواهید ناخن های دستتان را یک برابر کنید از سوهان کوچکی که در منزل و یا نزد دوست تان موجود است استفاده کنید که این عمل هم به سبب کثرت کار شما کمک میکند و هم به زیبایی دست های تان می افزاید گوشش کنید که قسمت زیر پل ناخن ها را هرگز چراک نگذرد چون بسیار از دوستان از این حالت متنفرند .

مردی بانقلاب بقیه

تاینگای داستان :

گنتر مامور لایق پولیس به تعقیب سازمان بقیه ها زندگی اش را از کف داد. ایک معاون کمیسر پو لیس به تشویق دیک گاردون به تعقیب مایتلند پیر که مرد موزی است میباید. رای بنت جوان که نزد مایتلند کار میکند، به اثر تشویق لولا بسا نساوارتمان لوکس به کرایه گرفته می خواهد به خدمت خود نزد مایتلند پیرخانه دهد و تلاش خواهرش برای ادامه کار او نزد مایتلند به کدما نتیجه نمی رسد و او را ترغیب میکند دیک از طرف وزارت خارجه انگلیس مامور حفاظت یک سند میشود. اما اسناد از سیف منزل لارد فار میلی بطرز اسرار آمیزی به سرقت میرود با تحقیقات پو لیس هاکن هدی رکلپ هیرون گرفتار میشود. اما هاگن بطرز عجیبی فرار میکند و اکنون پولیس به اثر اشتباهی که دارد بکس های را که مرا جعین در شعبات حفظیه استیشن های ریل به امانت می سپرند در دفتر مرکزی تفتیش مینماید. در اتنای تفتیش بمبی در دفتر پو لیس متعلق میشود و اینک بقیه داستان.

از خوش چانسی مامور غلیظ پروری افتیده بود مجبور بودیم به آرامی امتداد ساحل را پیش برویم. اگر شما هنوز جریانات آنوقت را درست بخاطر داشته باشید، در آنصورت میتوانید دریانت که کشتی مانتانیا توسط یک کشتی یدکی که عازم پور سموت بود، تصادم کرد و همین تصادف زمینه را برای تطبیق نقشه ما مساعد گردانید از یک مجرای یاز به روی عرشه جهاز که ما با بار و بونه خود منتظر بودیم هر دو صندوق چوبی را به روی عرشه کشتی یدک کش انداخته، سپس خود و همکارم به روی آن کشتی پریدیم. طوریکه قبلا بشما گفتم، ما غلیظ به همه جا افتیده بود. چنانچه عمل و کار کنان کشتی یدک کش وقتی متوجه ما در میان مسا فران شدند که کشتی ما ما نتانازیدک کش جدا شده بود. اگر آنچه را که ما به

کپتان حکایت کردیم بسیار واضح و روشن بود، اما او مصالحتا گفته های ما را قبول کرد، اما من با دادن یک نوت ۲۰ دلاری صحت گفته های خود را برای او محکمتر ساختم ما تحت شرایط سنگین و مشکلات زیادنا وقت شام در پور سموت از کشتی پیاده شدیم. در پور سموت مامورین گمرک وجود نداشتند و خوشبختانه صندوق ها و کالای ما به ساحل رسید. ما فکر داشتیم که شب را در پور سموت بگذرانیم. اما وقتی بدنبال محل شب بانی بر آمدیم، من و دو ستم به یک مهساخانه کوچک رسیدیم. پس از گرفتن اتاق به بار رفتیم تا چیزی بنوشیم و در آنجا خبری شنیده بلا معطلی و شتابان به اتاق خود برگشتیم در بار مهسان خانه شنیدیم که موضوع سرقت کشف شده بود و پولیس به دنبال دو نفری میکشست که از کشتی مانتانیا به روی کشتی یدک کش پریده بودند، چون کپتان کشتی یدک کش آدرس این مهسانخانه را بجا داده بود، بنا بر این امیدی برای نجات از جنگ پولیس نداشتیم.

((ناتانیا))
ژونون

نخست دستبرد زدن به سیف های بانک را فرا گرفتیم. همه نگونه که یک داکتر رشته اناتومی را تحصیل میکند. به این ترتیب معلومات وسیعی در اطراف انواع و اقسام سیف های پول کسب کردم. وقتی مسیر زندگیم را تعیین نمودم، فوراً تصمیم گرفتم در یک فابریکه بزرگ تولید سیف های بانک کار کنم. مدت ۵ سال را در فابریکه و لور ها پتون مشغول کار شدم. در ۲۸ سالگی به امریکا برگشتم. و یک تعداد آلات و ابزار برای شکستن قفل های سیف تهیه کردم که چند هزار دالر خرج بر داشت. به کمک ابزار به تنهایی وارد کار شدم و اتاق خزانه نهیمین بانک ملی را باز نمودم. این نخستین دستبرد سه صد هزار دالر برای من آورد. نمیخواهم از فعالیت های خود لستی به شما ترتیب بدهم بعضی از سرقت هایم را فرا موش کرده ام. برخی از دزدی هایم بی اهمیت می باشد و با اشتباهات همراه بوده که لازم می افتد به تفصیل در باره آنها صحبت کرد. تصور میکنم همینقدر کافیست که بگویم غیر از الفاظ و کلماتی که هم اکنون از زبانم می شنوید، کدام اثباتی برای ادعا های خود ندارم. اسم من تنها با یک سرقت ارتباط پیدا میکند و آن دستبرد زدن به خزانه مانتانیا بود. در سال ۱۹۱۸ شنیدیم که مانتانیا ۵۴ میلیون فرانک نوت کاغذی به فرانسه می فرستاد. با نکتوت هم قبلا بصورت هید راو لکی پرس شده بود تا از حجم زیاد آن جلوگیری شود، به این ترتیب تمام مبلغ پول را در دو صندوق چوبی جاداده بودند در یک صندوق ۳۵ بسته، در صندوق دومی ۲۰ بندل و همه اش نوت های هزار فرانکی بود. کشتی می بایست در یک بندر گاه فرانسوی لنکر اندازد. تصور میکنم بندر هاور بود زیرا کشتی های بخار ماورای بحار در آنوقت هنوز به شیر بورگ پهلوی نمی گرفتند. حین لنکر اندازی سرقت انجام پذیرفته بود. بدین معنا که من قبلا صندوق

هارا عوض کرده دو صندوق دیگر که هیچ تفاوتی با صندوق های اصلی نداشت، در عوض صندوق های محتوی پول گذاشته بودم. همه چیز بوضع سابق برقرار بود و کوچکترین بی نظمی بشما هده نمی رسید. در حالیکه ما به امتداد ساحل آیرلند حرکت میکردیم، از بخت بدو ناسازگاری طالع من نقصی در کشتی پیدا شد. کپتان کشتی مانتانیا تصمیم گرفت به ساود هامپتون برود و از ادامه سفر به بندر فرانسوی منصرف گردد، یک تغییر یعنی در پلان مسافرت برای شخصی به شغل من تا لیرات جنون آمیزی همراه داشت مثل آنکه آوردن تغییری پلان کشف و کشتار در وسط جریان یک جنگ بالای صاحب منصبان تأثیر وارد میکند. من درین فرصت یک معاون کمکی هم داشتم، او مردی بود که پسا نتر به اثر مریضی مرد و یک چنین معامله برای یک نفر به تنهایی بسیار بزرگ



سری لاک اکنون غذای فوری برای اطفال

سری لاک جدید با ترکیب شیر قویا قدر
و شکر به پختن ضرورت ندارد. آنرا صرف
همراه آب مخلوط نمایید.

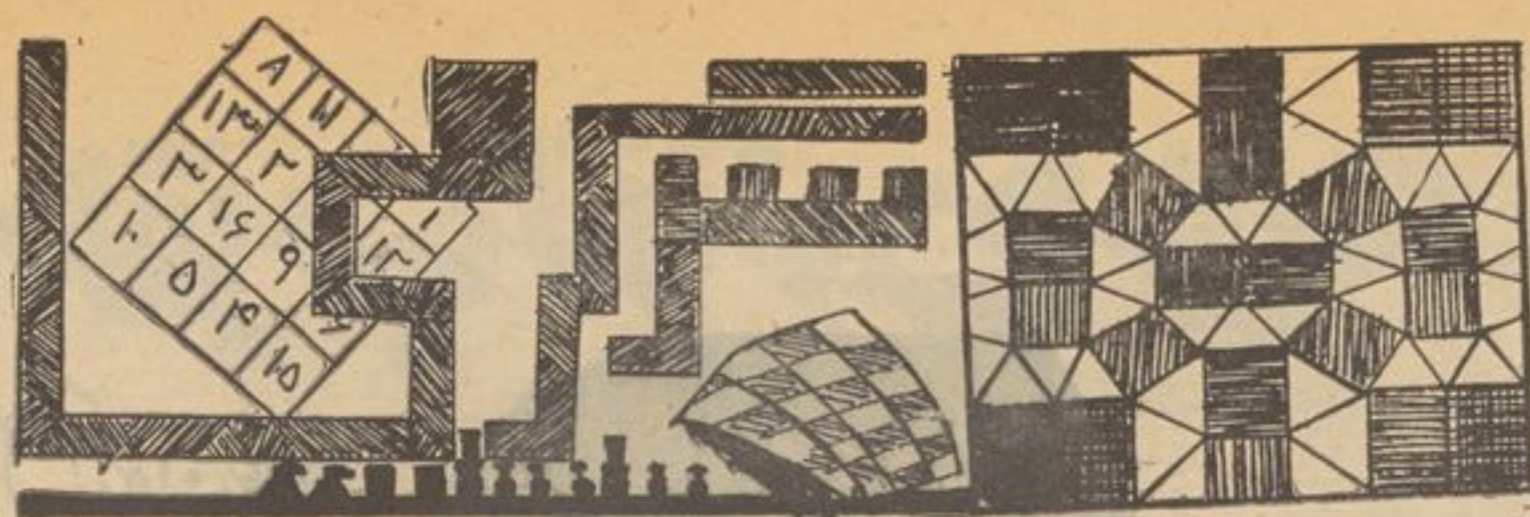
بلای سری لاک جدید با ترکیب شیر
و شکر عجیب غذای فوری برای اطفال است.

در هر گجاء و در هر زمان سری لاک را همراه آب مخلوط نماید غذای طفل در یک
لحظه آماده میشود. ویتامین ب۱، ب۲، ب۶، و آن ترکیب شده سری لاک را خیلی
مغذی - مولد انرژی و قوت ساخته است و در رشد سالم استخوانها و دندانها
طفل غذای مطلوب است.
بر علاوه سری لاک اقتصادی ترین غذای طفل است.



Cérélac® NESTLÉ

نستلی معروف ترین و معتبر ترین اسم در ساخت تغذیه طفل.



کدام يك؟



از پنج شکل مختلفی که در اینجا دیده میشود کدام يك میتواند باشکله سفیدی که در بین مستطیل سیاه واقع شده است مطابقت کند؟

جواب صحیح در هفته آینده تقدیم میشود.

او کیست؟

این سوال را محترمه سلطانه ابوی از مکروریان فرساده اند و پاسخ آنرا از خوانندگان عزیز میخواهند.

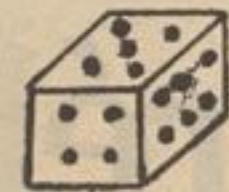
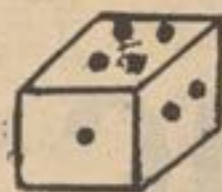
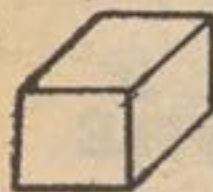
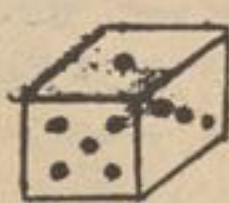
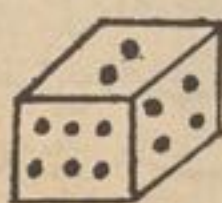
- ۱- یکی از نویسندگان نامدار فرانسه بود.
- ۲- در سال ۱۸۲۱ میلادی متولد شده است.
- ۳- در سال ۱۸۵۵ درگذشته است.

۴- در بنیادگذاری سبک ریالیسم در ادبیات جهان، او را یکی از معماران این سبک مهم ادبی میتوان خواند.

۵- از آثار وی چند کتاب به زبان دری ترجمه شده است که از آنجمله یکی «خاطرات يك دیوانه» می باشد.

۶- آیا میدانید که او کیست؟

آزمایش دقت



از جمله شش حالت ممکن برای يك مكعب، پنج حالت آن در ضمن پنج شکل مكعب که در این کلیشه دیده میشود آمده است و حالت ششم را شما باید به مدد نیروی ذکاوت خویش پیدا کنید.

البته باید بخاطر داشته باشید که هیچک از پهلوهای این مكعب هانباید دو نوبت در يك جهت قرار گیرد.

جدول اطلاعات عمومی

این جدول از ده کلمه مختلف که دو حرف «ن» و «س» در میان تمام آنها آمده است شکل می گیرد. برای اینکه در یافتن کلمات مطلوب اشکالی پیش نیاید از هر کلمه يك حرف دیگر را در جای خود آن حرف قرار داده ایم و شما باید آنرا یافتی باقی خانه های جدول را پر نمایید، شرح کلمات بدین قرار است:

۱- سرزمینی است در قلب آسیا که محبتش در قلب هر افغان جای دارد.

۲- از موسسات وابسته به موسسه ملل متحد که در امور فرهنگی خدمت میکند.

۳- نظم و ترتیبی که استوار و بیار می آورد.

۴- از گلهای معطر و دل انگیز بهاری است که رنگ آن غالباً سفید می باشد.

۵- حفظ کرامتش وظیفه همگانی است.

طرح کننده: مونسه بشیر

۶- در مقابل حوادث زمانه باید چنین باشیم.

۷- یکی از کشور های بزرگ جهان است.

۸- از جمله جمهوریت های اتحاد شوروی است.

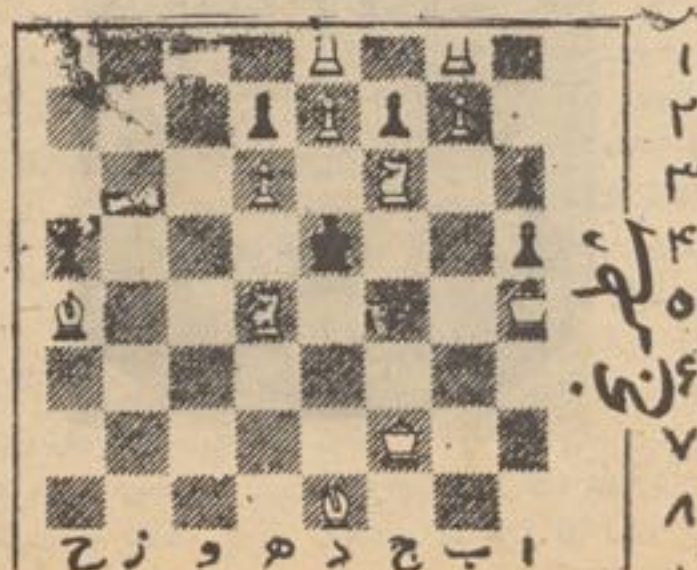
۹- فرع دانستن و خواستن است.

۱۰- رئیس جمهوری امریکا بود.

مساله شطرنج

در این صفحه شطرنج یازده مهره سفید و شش مهره سیاه دیده میشود نوبت حرکت از سفید است که سیاه را با سه حرکت مات میکند.

لطفاً پاسخ خود را به اداره مجله فرستاده روی پاکت هم بنویسید که مربوط به صفحه سرگرمی مجله



صورت حل جدول ادبی

در جدول ادبی شماره گذشته که بر اساس حرکت اسب شطرنج تنظیم شده بود، اسم دوازده شاعر افغانستان آمده بود به ترتیب ذیل

- ۱- حنظله «بارغیسی»
- ۲- دقیقی «بلخی»
- ۳- ازرقی «هروی»
- ۴- شهید «بلخی»
- ۵- جامی «هروی»
- ۶- ابو شعیب «هروی»
- ۷- فرخی «سیستانی»
- ۸- عنصری «بلخی»
- ۹- سنائی «غزنوی»
- ۱۰- ناصر خسرو «بلخی»
- ۱۱- امیر خسرو «بلخی»
- ۱۲- قاری «عبدالله ملک الشعرا»

صورت حل جدول کلمات متقاطع
شماره گذشته



سوال جغرافیائی و حسابی

- ۱- اول از ولایات شمالی کشور است؟
- ۲- از شش حرف ترکیب شده است.
- ۳- مجموع عدد حروف اول و دوم به حساب ابجد مساوی مجموع دو حرف سوم و ششم است.
- ۴- حرف چهارم نصف حرف دوم است.
- ۵- حرف سوم پنجاه برا بر حرف پنجم و حرف اول ده عدد از حرف آخر زیادتر قیمت دارد.
- کدام ولایت است؟

بازی اعداد

۳	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	=	۳۷۰۳۷۰۳۷
۶	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	=	۷۴۰۷۴۰۷۴
*	۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	= ۱۱۱۱۱۱۱۱
۱۲	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	=	۱۴۸۱۴۸۱۴۸
۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	=	۱۸۵۱۸۵۱۸۵
*	۱۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	= ۲۲۲۲۲۲۲۲
۲۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	=	۲۵۹۲۵۹۲۵۹
۲۴	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	=	۲۹۶۲۹۶۲۹۶
*	۲۷	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	= ۳۳۳۳۳۳۳۳

عدد ۱۲۳۴۵۶۷۹ عدد جا لبسی است. در این عدد که از یک تا هفت بر توالی طبیعی در ست شده است و عدد هشت دیده نمیشود، اما عدد (۹) آمده است. این خاصیت وجود دارد که اگر آنرا در عدد سه یا یکی از مضربهای سه یعنی ۶-۹-۱۲-۱۵-۱۸-۲۱-۲۴ و ۲۷ ضرب بکنیم حاصل ضرب، عددی خواهد بود که اگر از سمت چپ هر سه رقم آنرا از یکدیگر جدا کنیم، اعداد جدا شده بایکدیگر شبیه خواهند بود. و اگر آنرا در عدد نه یا یکی از مضربهای ۹ ضرب نماییم حاصل ضرب عددی خواهد بود که از قام آن یک نواخت می باشد. لطفاً به شکلی که در این صفحه آمده است توجه فرمائید. اعدادی که مقابل آنها ستاره گذاشته شده مضربهای ۹ میباشند که اگر تا ۸۱ هم پیش برویم همین قاعده صدق میکند.

پاسخ دهندگان

کسانی که به ارسال جواب صحیح

پرسشهای شماره گذشته موفق شده اند عبارتند از:

مختار مه پر وین شریفی از کتابخانه وزارت داخله، مختار مهر سلطان شمسی، بناغلی مر سلین مامور محاسبه وزارت داخله، بناغلی عبدالحمید غمخوار مامور تو زیع تذکره، بناغلی محمد رفیق متعلم صنف یازده لیسه نادریه، بناغلی ضیاء مجرایی و بناغلی محمد هاشم خالقی.

مؤلف این کتاب

کیست؟

کتابی است در تاریخ عمومی عالم از آغاز جهان تا پایان دوره مودود بن مسعود غزنوی که مؤلف رویدادها را با رعایت اختصار ذکر کرده و جدولهای سودمندی دارای اطلاعات تاریخی راجع به سلسله های فرمانروایان در آن گنجانیده و از عادات و رسوم و افسانه های ملل نیز اطلاعات مفیدی در کتاب آورده است.

نام کتاب بن زین الاخبار و سال تالیف آن ۴۴۰ هجری می باشد. آیا مؤلف آنرا می شناسید؟
جواب صحیح در شماره آینده تقدیم میشود.

لغز و معما

غالباً بین لغز و معما اشتباه رخ میدهد باین معنی که بعضی اشخاص لغز را معما یا معما را لغز میخوانند در صورتیکه مفهوم این دو صنعت بدیعی با یکدیگر فرق دارد.

لغز آنست که گوینده یا نویسنده چیزی را با دادن نشانیهای مختلف وصف کند.

لغز بیشتر به صورت سوال می آید و بهمین سبب در زبان دری به آن چیستان میگویند (چیست آن؟) اما معما آنست که گوینده یا نویسنده مطلبی را به زبان اشاره و رمز بیان کند بطوریکه شنونده یا خواننده ناچار باشد از اینکه در باره آن نیک بیندیشد تا حقیقت آنرا دریابد.

مثال لغز با اسم قیان:

چیست نه شلوار و نه پیراهنش هر چه خواهی می نهی در دامنش راست گوید هر چه گوید بی زبان از دهانی عقر بی در گردنش مثال معما با اسم نوح:

ماه لیلی صفتم چون به سفر بیرون شد

سوخت از

غم دل مجروح من و مجنون شد مثال لغز، احتیاجی به توضیح ندارد، اما مثال معما محتاج توضیح میباشد باین معنی که (دل مجروح) یعنی حرف وسطی کلمه مجروح (ر) از بین میرود و (مجروح) باقی میماند و «مجنون شد» یعنی دو حرف میم و جیم به حرف نون مبدل میشود و در نتیجه اسم نوح حاصل میگردد.

اینک معمایی تقدیم میکنیم و حل آنرا از شما میخواهیم. اگر نتوانستید راه حل آنرا پیدا کنید شماره آینده را بخوانید این معما به اسم (کریم) و گوینده اش مولانا جامی است:

بنشین نفسی خاطر جامی در یاب بکشا کره از کمر بگردان می ناب



گروهی از تماشاگران در شب های رمضان

شب های رمضان از ساعت

عکسها از ظاهر صابر

گزارش از: سلطانعلی دانشور

- هنر در خدمت مردم...
- از تالار هتل انتر کانتی منتقل گرفته تا صاحب کنسرت؟! از تصنیف های اصیل تا پارچه های تقلیدی...
- و مهوش با آواز دلکشش شور و هنگامه بر پا کرد و گلباران شد

پیشگفتاری بر این گزارش: همه امروز بسوی تحولات فرهنگی و کلتور مصممانه و متین گام بر میداریم و باین اصل یقین داریم که هنر در برابر اجتماع مسئول میباشد و البته منطق این مطلب هم آشکار و روشن است، زیرا هنر از وسایل نیرومند تأثیر اجتماعی است و گناه بزرگی است که این وسیله نیرومند تأثیر اجتماعی بزیان اجتماع مورد استفاده قرار گیرد.

در دوران ما هنر بی دور نما و هنر ذهنی و بویج بدر نمیخورد، هنر باید رهنما و فرهنگ آخرین باشد، تا مبدا رستا خیز افکار و اعمال انسانی قرار گیرد و انتباهات نیک و مثبتی از خود بجا گذارد.

هنرمندان ما اعم از شاعران، نویسندگان، درام نویسان، نقادان، نقاشان و سیقیدانان و حتی معماران و غیره درقبال اجتماع و نظام جمهوری دارای مسئولیت مشترکند، اکثر

هنرمندان ما آگاهی از درد اجتماعی دارند، هنرمند واقعی کسی است که درقید احساسات و تمایلات کو چک و بیش با افتاده و شخصی بند نباشد، بلکه بسوی آرمانهای بسز رنگ و اندیشه های تابناک هنری قلم گذارد امروز حقیقت گویی و صداقت هنری از اهم مسایلی است درینصورت مسئولیت و رسالت اجتماعی هنری لحظه ای از نظر هنرمند باید دور نباشد.

هنرمند امروز باید از بلاغت و رسایی هنری بوجه خوبی برخوردار باشد، منظور از بلاغت و رسایی هنری آنست که منطق هنری قابل فهم و بیان هنری برای تماشاگر قابل درک باشد، نه اینکه بلاغت هنری را به مبهم گویی پیچیدگی و شکل گرایی بی مضمون و بی مفهوم مبدل سازند.

اکثر هنرمندان ما دارای قریحه هنری خوبی میباشند و اگر این قریحه با کار خستگی ناپذیر آموزششی و تمرینی با احساس عمیق مسئولیت و باتفکر سنجید، بیان رسا او گیرا توأم گردد در اعماق روح مردم تأثیر نیکوی بجا میگذارد. هنرمند امروزی باید بسوی هنر اصیل ملی رجوع داشته باشد و دست از تقلید بیجا و ژوندون



احمد ظاهر خواننده نسل جوان

بدیدن دسته هنرمندان و رادیو افغانستان که در تالار هوتل پلازا کنسرت میدهند، می روم دسته هنرمندان رادیو که ر هری آنرا استاد سلیم سر مست بهیتم دارد، آواز خوانان معروف شمس الدین سرور، ژیل سو ما، سپروان و ظاهر قبا می و چهار نفر نوازنده و ر زیده رادیو حصه دارند که هر شب پنج ساعت با آرایه آهنگ ها و پارچه های خویش تماشاگران را محظوظ لطف و ورق بزنید

تماشای مردم قرار بد هد و دل خود را بدان خوش سازد، اگر چه مرض کابی ایزم در محافل هنری ما دارای سابقه طو لا نسی است.

هنرمندان و رزیده را رادیو افغانستان در پلازا هوتل

بعد از استماع کنسرت گروه هنری علی بابا رستوران خیبر را ترک میکنم و

هاو دسته های آواز خوانان و سر ایندگان دیدن کرده و این گزارش شما را از جریان تمام این محافل مطلع میسازد، این مشاهدات را حسب ذیل با هم مرور میکنیم:

گروه علی بابا در رستوران خیبر

نخست بدیدن گروه چهار نفری علی بابا در رستوران خیبر میرویم. شب جمعه است گروه آنبوه تماشاچی ایندسته هنری درجا های معین، پشت میز نشسته اند و درجمله تماشاگران بیشتر طبقه متوسط و عسده محدودی قشر ترو تمند که سرو ضع آراسته ای دارد، بالا میل های خود آمده اند جوانان دارای اکثریت هستند، با اشتیاق و هیجان انتظار آغاز کنسرت را دارند.

دسته موزیک علی بابا که از طرف سر دسته آن بنام باند موزیک علی بابا معرفی میشود، پیش از چهار هاست، عرض وجود کرده موقعیت خود را نزد مردم احراز نموده، عزیز رسول گیتار نواز و رزیده است، آهنگ های جاز و غربی را با جوی خوبی تقلید و پیاده مینمایند، یکی دیگر از اعضای این گروه اعظم غیرت نام دارد، آوازخوان است صدای گیرایش شبیه احمد ظاهر است تصنیف بعضی از آهنگها ساخته خودش می باشد، در باند موزیک ارگن مینوازد.

این گروه هنری با اکثریت تمام طلی اظهار نظری معنویت را بر مادیات ترجیح میدهند و هنر را در خدمت مردم میخوانند، ابراز

از سالن نمایش خراج میگرد باید اجتماع وانسان ها را طوری نشان داد که هر

دوی آنها بعوامل بنیادی و اساسی ارتباط داشته و به تماشاگر احساس خود آگاهی و انگیزه خویشستن شناس بدهد یعنی تماشاگر وقتی سالن نمایش را ترک میکند، تغییری یافته باشد، باید از آنچه که روی داده است خودش نتیجه گیری نماید تا بدین طریق نیروی اندیشمندان او تحریک گردد.

نقش بازیگر واقعی در نمایش - آنست که نقش تماشاگر را بحیثیت یک بیننده ساده در نظر داشته باشد، احساس او را، دیده و طرز تفکر او و بالاخره زندگی او را در قبال وقایع حلاجی کرده دو باره آن را به تماشاگر عرضه کند، زندگی با صحنه و بازیگر را با انسانهای بیرون صحنه

تا یک بعد از نیمه شب



گروه پیام با سرودن آهنگ روز باعث سرگرمی تماشاچیان میشود

آرزو میکنند تا از طریق بخش و تقدیم پارچه های شرقی و غربی و اخذ حق الزحمه ناچیز در هر محافل و مجالس حصه بگیرند و خاصا در خوشی و سرور و محافل شادمانی هموطنان بی بضاعت خویش که توان مالی ندارند سهم بگیرند و شادی شانرا بیش از پیش شاد تر بسازند. این گروه هنری که یکتا شان در رشته موسیقی از تحصیلات خارج هم بر خوردن است عقیده دارند که هنر مند باید اصالت هنر را همیشه از نظر دور نداشته باشد، اینها پیشرفت و تحول موسیقی را سیستم نو تیشن منوط میدانند و هم میگویند که میتوان موزیک غربی را با تلفیق موسیقی کشور خود که بر اصالت ملی آن لطمه وارد نشود، رایج ساخت.

تکت ادخال کنسرت این گروه سسی افغانیست.

ساعت هشت و نیم کنسرت بانواختن نغمه ای پر شور آغاز میشود، صدای کف زدنهای تماشاگران سالن رستوران را بلرزه میاندازد، پارچه هایکی دنبال دیگر همراه با موزیک تند جاز توام با استقبال تماشاچیان ادامه پیدا میکند.

نکته قابل تذکر در خورد یادآوری اینست که در اکثر تماشات هنری که شاهد و ناظر آن بودم، تقلید و کابی آهنگ هاو پارچه های دگران است. آواز خوان های از راه نور رسیده و تازه نفس که جدید در دنیای پهنایور هر قدم میگذارند، فوراکار خود را از تقلید و کابیگری آغاز میکنند و با ابتکار باصالت آهنگهای خوانندگان اصلی صدمه جبران، ناپذیری وارد مینمایند، البته اینگونه تقلید کار نیست میندلو در خور انتقاد و هم نمیتواند بر فاعل آن نام هنرمند را گذاشت زیرا هنر مند آن است که قوه ابتکار و نیروی خلاقیت در کار هنری داشته باشد، اگر چنین نباشد گویا اینگونه هنر مندانی از استعداد و ابتکار هنری برخوردار نیستند درینصورت لازم نیست کابی نارسایی هنر دگران را به معرفی فرو برد

ارتباط دهد و در مقابل مجموعه آنچه که تماشاگر می بیند، بیاندیشد و نتیجه گیری دآوری نماید.

هدف اولی گردانندگان اینچنین نمایش های هنری این باشد که زندگی را همیشه در حال تحول و تبدیل بنگرو با ساس این قانونمندی هنر خود را بسود گروه بی شما ری بکار ببرد. تا بدین وسیله توانسته باشد دانیای تماشاگر را بالا و بالاتر ببرد و بدینسان مکلفیتها و مسئولیت های اجتماعی خود را بنحو شایسته ای با انجام رسانیده باشد.

موسیقی نیز هنری است بدیع و روحنواز آهنگها و سرود های دل انگیز یکه از حنجره آواز خوان هنر مند، با نوای دلپذیر سازها در شبهای ماه مبارک رمضان فضایی سالن های هوتل ها رستوران ها را لبریز میسازد، شادمانی و فرحت بار میآورد، آواز خوانهای ملی و محلی و خوانندگان آماتور که در شبهای رمضان هنر نمایی میکنند، موجب سرور و خوشحالی تماشاگران خود را فراهم میسازند هنر نمایی همه شان تماشا و وقابل تامل است هر گروه و دسته هنری نظر بشیوه کار و علائق هنری از خسود تماشاگرانی دارد، البته آنچه بیشتر قابل اهمیت است، ذوق و سلیقه مردم است، آنکه با آواز مینوش علاقه دارد، بشنیدن آواز احمد ظاهر علاقه نشان نمیدهد، دگر که به کنسرت های سحاب و شبستان حصه می گیرد، بدیدار دگران ابراز علاقمندی نمیکند، بهین ترتیب هر هنر مند از خود علاقمند و طرفدار بخصوصی دارد، نگارنده این گزارش همراه عکاس مجله در شب های ماه مبارک رمضان از هنر نمایی تمام گروه شماره ۳۰

بر تری ایند سته هنری نسبت به بعضی گروه ها اینست که هر آواز خوان پارچه سر و د می خودش را میسراید ، در یک رسته تالار جایگاه مخصوص برای فامیل های علاقمند باواز این هنر مندان تخصیص داده شده و متبانی تالار هتل را تماشاگران انفرادی اشغال میدارند ، کنسرت ایندسته از نظم و ترتیب خاصی برخوردار است در بین تماشاگران این دسته هنری سرگرو مردم دیده میشود از خانواده های ثروتمند گرفته تا کارگران ، مامورین ، - شاگردان معارف و مردم شهر .

درین آواخر که بازار تپ ریکا در گرم است و بهای آنهم بطور روز افزونی روبه صعود است در همه جا رایج و میشدو- صاحبان این وسیله تجملی موقع راغبتم شمرده از چنین کنسرتها چندین گسیست مجانی از آواز خوان مورد نظر خود ثبت میدارند که باصلاح بیک تیر دو نشان می زنند ، از یکسو نمایان هنری را تماشا میکنند و از سوی دیگر آهنگها را مجانی ثبت مینمایند ، در هر ستیج چندین تپ ریکارد گرداشته شده که صاحبان آن به تماشاگران دور و نزدیک خود مجال حرف زدن را که باعث اخلال ثبت تپشان گردد ، نمیدهند و بابلند شدن کوچکترین آوازی ، صدای اعتراضشان بلند می شود .

سرور ، زیلا و سو ها نسبت با برین بیشتر مورد استقبال قرار میگیرند و در هر نوبت بیش از پنج تاشش آهنگ را میسرایند ، ایندسته چون از رهبری استاد سلیم سرمست برخوردار است باانتظام و انسجام خاصی بدون کدام سنگی کنسرت راپیش میبرند و رفاضایت خاطر تماشاگران رابه نحوی شایسته فراهم میسازند ، هر پارچه ایکه اجرا میشود با هله و کف زدنهای متواتر استقبال میگردد . در شب های جمعه بیشتری مردم با استفاده از رخصتی روز جمعه شب خوش را در همچو محافلی میگذرانند ، نسبت بدگرشپا - سالن پلازا هو تل مملو از تماشاگران می باشد و حتی یک چو کی هم خالی پیدانی شود . تکت ادخال ایندسته هم سی افغانی است .

سرور در جواب پرسشی میگوید: سعی وتلاش ما اینست که رفاضایت مندی تماشاگران رابا تقدیم پارچه های متنوع ودلچسب جلب نمایم و هم بدین ترتیب توانستیم باشیم وظیفه هنری خود را در قبال مردم خود به نحوی خوبی انجام بدیم . هنگامیکه از جریان کنسرت ایندسته عکسبرداری نمایم باحیرت واستفهام تماشاگران روبه رو میشویم چون مجال توضیح دادن نیست انجارابا خاطره خوشی ترك میکنم .

گروه هنری پیام در سپین زر هو تل

بعد از تماشای کنسرت هنر مندان وادبو به هو تل سپین زر بدیدن گروه هنری پیامی روم ، گروه هنری پیام سه نفر است ، آرمن نواز ، گیتار یست و جازبند نواز ، تالار هو تل را غبار دود سگرت فرا گرفته و در دورای نور خیرمی گروه های رنگه سالن هتل ، به مشکل دسته پیام را می بینیم که در کنج تالار مشغول کنسرت هستند ، موزیک جاز تندی در حال اجرا است و آهنگ آن غربی است ، عده ای از پسران جوان در بیس رقص تویست میرقصند ، تماشاگران با چنج کشیدن ، اشپلاق و چکچک با جوانان گروه موزیک همخوانی مینمایند . تالار یکپارچه شور و هیجان مینماید .

با عکاس در گوشه نشسته انتظار موقع مناسب را میکشیم تا از صحنه جالب و گروه هنری عکس بگیریم . در یمنو فغ متوجه می شویم که شخصی من با پیروی از نو جوانان در صحنه رقص داخل میشود باتاب و پیچ وادان اندام خود هر چه میگو شد بسا جوانان تازه نفس همخوانی کند ، از عهده



سیف الدین با نواختن آتشپور شنوندگان را مسحور ساخته بود

آن برآمده نمیتواند ، نفس سوخته و خسته بچوکی خود می نشیند باتکان داد نسویر گذشت ایام عمر و نیروی از دست رفته چون السوس میخورد و باحسرت و تاسف رقص تند و خستگی نا پذیر جوانان را نظاره میکند ، و بدینسان یاد دوران جوانی رابه دلش تازه میکند .

باتماشای این صحنه جا کب سپین زر هتل را ترک میکنم .

سحاب کنسرت

سحاب کنسرت در سالن هو یلی در نزدیکی سرچو که در طبقه دوم مارگیتی موقعیت دارد ، هنگامیکه ما برای تماشای سحاب کنسرت داخل رهرو تالار میشویم . گفتگوی تندی بین مامورین تحصیلی مالیات و مسوولین کنسرت در جریان است . وقتی بانها نزدیک میشویم ، می بینیم که اختلاف و گفتگوی شان روی موضوع تعداد نفر است ، آوانیکه آگاه میشوند که ما می میخواهیم از جریان کنسرت برای ژوندون راپود تهیه مینماییم دفعتا گفتگوی شان جای خود را به آرامش میدهد و صلح موقت بین

شان برقرار میگردد . سالن تیاتر را جمع غیری اشغال کرده است .

در روی ستیج هنر مندان سحاب کنسرت اترک را تمثیل مینمایند هنر مندان سحاب کنسرت هشت نفر است در راس آن هنر مند باسابقه تیاترینا غلی سابر فرادارد قرار گرفته یساکتن از مسوولین کنسرت بعضی از هنر مندان سحاب - ده سال سابقه هنری دارند و هم علاوه میدارند که قرار است برای هنر نمایی بولایات کشور هم مسافرت نمایند .

درینموقع چهار زن و چهار مرد پشت میکروفون قرار میگیرد پارچه کورس جمهوری را دسته جمعی میسرایند و تماشاگران با کف زدنهای ممتد آنان را همراهی مینمایند .

سپس پرده پایین میافتد وبعد از تغییر دکور پارچه تمثیلی دیگری به مرحله اجرا گذاشته میشود درین پارچه جریان زندگی جوان عیاشی تمثیل میشود که باجال و نیرنگ سر راه دختران و زنان دام می نهد و آنانرا فریب میدهد . چون این جوان بیکار و عاطل است مدتی زیادی باین کار ادامه داده نمیتواند ، بالاخره مچش باز

میشود و چهره واقعی اش نمایان و بر ملا میگردد و با سر افکندگی و شرمساری در حالیکه از زندگی ننگین خود سخت نادم و پشیمان است ، بزندانهای شرافتمندانه رو میاورد مشغول کار و زحمتکشی نیرو و بازوی خود میشود .

اگر چه تمثیل پارچه دا رای خلا ها ، نارسایی ها و کم تجربگی های بعضی - ممثلین است با اینهم چون محتوی آن از زندگی توده بی الهام گرفته ، با همه خلاها از طرف تماشاگران بگرمی استقبال می گردد .

آهنگ های فلکلوری و محلی که تصنیف اکثر آن ساخته پنا غلی سابر است قابل تذکر است پارچه های تمثیلی منظوم از همه

بیشتر مورد دلچسپی قرار میگیرد . همه تماشاگران این کنسرت طبقه پایین اجتماع هستند و عده ای هموطنان و لایالی هم در بین شان بنظر میرسد .

شبستان کنسرت

شبستان کنسرت رو بروی سحاب



زیلا خواننده محبوب رادیو افغانستان

پرخون جانب منازل شان روان شوند البته با خود مزه میکنند که ساعت گیری و تفریح بچان ما نشست.

در این شب زنده داری گا می باو قایم جایی بر میخورد یم از جمله اینکه یکمده اشخاص پر توقع و خود خواه هر چاکه عکاسی سر راه شان قرار میگیرند بدون در نظر گرفتن مشکلات عکاسی که همه کار هایشان زیر ذره بین پر پیچ و خم میگذرد با عکس و تمنا خواهش میکنند که یک قطعه عکس از ایشان گرفته شود هر چه اصرار کنی که عکاس برای گرفتن عکسهای شخصی نیامده باز هم دست از مزاحمت و اصرار نمیکشند انسان مجبور است باز دست دادن چند دقیقه وقت و ادویه دلایل و منطق زیاد از سر ایشان خود را خلاص کند و احیاناً اگر رشیدی مرتبه فلش و ابروی مبارکشان رو شن کند.

لازم بیاد آور یست که با غلب گمانیک تعداد رستورانها و کافیهایی هم باقی مانده که مایه بدین آنمو قی نشده ایم که از نوعیت شب زنده داری و هنر نما یی های هنرمندان گزارش تهیه میگردیم البته اگر زنده بودیم در ماه مبارک رمضان سالهای آینده دست باین کار خواهیم زد و از خجالت شان بیرون خواهیم آمد.

پیشامد خوب صاحبان هتلهای و هنر متدان از مطبوعات است تشکر شان به هنر متدان و مطبوعات است تشکر میکنیم بعضی هنر متدان که با خبرنگار ویا نویسندهای سر دجار میشود بزرگ خوب سعی میکند که رول بازی کند که بنظر من اینکار از اصالت هنر شان میکاهد و بیشتر کارشان شکل مصنوعی به خود میگیرد بهتر است هنر مند ، هنر مند باشد تا با صالته و ماهیت هنرش لطمه وارد نشود.

شب عکس شما خوب میامد ولی متأسفانه حالی اینکار از دستم پوره نیست... ولی او نمیدانست که کمره مجبور فلش است و شب هم میتواند مثل روز عکس بگیرد.

صدا های عجیب و غریب و اشپلاق در وقت آواز خواندن هنر متدان جنس لطیف در همه هتلهای ما و در همه سالنها رایج است بعضی پسران جوان بد پندرتیب بخود نمایی و به اصطلاح عامیانه بکا ککی مبادرت میورزند یا یکنوع غرور و قد بلند که بیجا دست باینگونه حرکات نادرست و خلاف آداب معاشرت می زنند و مو جیب ناراحتی و مزاحمت اطرافیان و تماشاگران را فراهم میسازند البته برای شان گفته شده هم نمیتواند که بالای چشم تان ایرو است.

در تالار رستوران فیاض خواننده مشهور
سید الدین که بنام (سیفو) معروف است بادهسته نوازندگان خود آواز میخواند - تماشاگرانی زیادی برای استماع آوازش آمده بودند از همه بیشتر قیپ و یکار در برای ثبت آواز (سیفو) آورده شده بود مگروفون های قیپ ها را چنان در پیشروی ستیج - اویزان کرد بودند که وقتی از دور تماشا کنی خیال میکنی که در اطراف ستیج - میکوبت تار دوانیده است البته بخاطر پستری ثبت شدن آهنگهای صاحبان قیپ متباقسی - تماشاگران هم نفس هارا از ترس در سینه حبس مینمایند تا مورد خشم و غضب آنها قرار نگیرند.

بعد از خاتمه پذیر فتن شب زنده داری های شبیای و مضان که بطور عموم ساعت یک بعد از نصف شب است پروایم عمده موضوع پیدا کردن وسیله نقلیه است که غیر از تکی سرو یس قطعا وجود ندارد اکثر تماشاگران اینگونه محافل توان پرداخت گرایه تکی را که از طرف شب نرخ آن بیلا میرود ندارند مجبور میشوند پای پیاده با جگر

مها حبه اختصاصی خواهد داد و به سوالات خوانندگان خود پاسخ خواهد داد زیرا این نخستین بار است که مهوش با داشتن چند سال سابقه آواز خوانی حاضر شده بر روی ستیج و در برابر علاقمندان آوازش کنسرت بدهد. مهوش تنها در سیمپای چوبه کنسرت میدهد و قیمت تکت آن یکصد افغانی است.

بایک نظر اندازی عمو می به نمایشات و کنسرت های که شب های ماه مبارک - رمضان از نزدیک ناظر آن بودم، مو قی - ترین همه گروه های هنری مهوش بود. - اگر چه همه کنسرت ها و نمایشات از خود تماشا گران داشتند عده آواز خانجایی هم هستند که غیر از تقلید و کاپی آهنگها که کیفیت و اصلیت اصلی آهنگ را از بین می برند کار دیگری ندارد و بعضی تقلیدین این نوع کاپی و تقلید آهنگ را بابتدال می زنند که بهیچوجه با خوانندگان خوب قابل مقایسه نیست.

احمد ظاهر و هوتل انتر کانتی ننتل

احمد ظاهر آواز خوان جوان و پیاستعداد که در هوتل انتر کانتی ننتل در شبهای جمعه کنسرت میدهد. علاقه مندان بخصوص دارد و طبقه جوان و علاقمند به آواز احمد ظاهر سالن کنسرت را پر میکند و از صدای گرم و تصنیف های جلب اولدت میبرند. احمد ظاهر و کنسرت هایش در نوع کار خود کمتر رقیبی چون خود دارد.

در حاشیه این گزارش :
کاشم شیدا یی که از آواز گرم و ملایمی برخوردار است بادهسته خود در هتلهای هوتل آواز میخواند شبی که قرار بود ایشان را از نزدیک ملاقات کنیم با اجازه صاحب هوتل بکدام عروسی برای هنر نمایی رفته بود - تصادفاً وقتی از جوار مترو پول میگذشتیم آوازش در آنهو تل بگوش ماریسد همانجا رفته از وی قطعه عکسی گرفتیم ولی فرصت صحبت با وی میسر نشد.

در هو تل ایض دسته آواز خوان های محلی آهنگهای عجیب و غریب و پیش پا افتاده را میخواند با اینهم عده ای برای تماشا یی آن گرد آمده بودند در موقع عکاسی پای من بچو کی یی پند شد و چاینگ از آلر این تصادم چه شد نزدیک بود مورد غضب صاحب چاینگ قرار بگیریم و قتی متوجه کمره عکاسی شد با کتایه بنفر همجو رش گفت: (از دپ شان معلوم میشه که ادمهای کنهی هستن خیر اس که جای مازه چه کند که دکه کس میبود کنیشتان میفهمیدیم.)

در هوتل پلازا صاحب هوتل که سر دخل نشسته بود وقتی عکاسی را دید با نفوس گفت کاشکی مرا وقت خیر میدادید که - گروهیهای برق هو تل را زیاد میساختم که در

کنسرت واقع است. در اینجا از تالار - رستوران برای نمایشات هنری استفاده شده است آواز خوانان و ممثلان این کنسرت پنج نفر زن و پنج نفر مرد میباشند، زنان آواز خوان از صدای گریز پر خور داری باشند.

هنگامیکه وارد تالار شهبستان کنسرت شدیم، تماشاگران تمام چو کی ها را - اشغال کرده بودند و از بین شان بدشواری خود را بدلتلر مسوول کنسرت رسانیدیم، در دلتلر بین دو آواز خوان زن روی کدام - موضوعی بگو مگوی سختی در گرفته بود.

میانجگری اطرافیان شان چندان مو ثرواقع نمیشد و شعله خشم شان راه نیز بیشتر بر بیا نکشت. - چینیکه تو چه شان بطسرف کمره عکاسی شد، حدس زدند که وارد شدن عکاسی درین موقع بدون دلیل نیست و ناگهان سکوت جای بحث و جدل را گرفت اما وقتی از نیت ما واقف شدند که برای تهیه گزارش آمده ایم، با گر می مارا پذیرفتند، کنسرت طبق پرو گرام جریان داشت هر هنر مند بعد از آنانس روی ستیج حاضر می

شد و پرو گرامش را اجرا میکرد. - اکثر ایند سته های هنری از ما خواستند تا بایم شانرا از طریق مجله محبوب شان رونو ن برادیو افغانستان برسانیم، تا برای شان موقع داده شود که آهنگهای جدید خود را در رادیو ثبت نمایند تا برای تمام مردم کشور از طریق رادیو پخش گردد، آنها - اظهار داشتند که ما هنر خود را منحصر -

علاقمندان هرگز نمیسازیم ولی چون زمینه برای ما مساعد نیست و هم توان مسا فرترا بولایت کنکور نداریم، لذا یگانه دستگاه که بتواند معنای ما را با مردم سراسر مملکت استوار نگه داشته میتواند، رادیو - افغانستان است.

هنر نمایی هنر متدان شهبستان کنسرت علاقمندان فراوانی را بسوی خود جلب کرده بود این هنر متدان علاوه بر آواز خوانی نمایشات تمثیلی نیز داشتند.

قطعه های تمثیلی که به نمایش گذاشته میشود از چند جهت در خور تذکرات است.

هنر مند بهر انداز یکه از استعداد هنری بر خوردار باشد باز هم اگر بصورت - درست دایرکت و در هنمایی نشود، استعداد لیاقتش تیارز نمیکند. - بهمین علت ایجاب مینماید تا مسوولین اینگونه نمایشات از همه بیشتر با آموزش و پرورش استعداد های نهفته هنری تو چه مبدول دارند، تا از یکسو هنرمند بیش از پیش ورزیده و پخته گردد، از سوی دیگر موقع آنرا پیدا کرده بتواند تا در آینده بالای نقش و پرستار خود حاکمیت بیابد و به خلا های تمثیل و بازیگری خود، خودش پی برده و باصلاح و دفع نواقص آن پیر دازد.

آواز دلکش مهوش شور ی بر پا کرد

ساعت ۱۱ شب داخل سالون همایون هوتل شدیم. مهوش با آواز دل انگیزش آهنگ جدیدی «ای نی نوای چلوان» را میخواند، خوا ستاران آوازشای مهوش نسبت تنگی جای چنان فشرده و نز دیک درسا لن نشسته بودند، که جای پای ماندن هم پیدا نمیشد، تماشاگران با چنان علاقمندی خاص گوش و هو ش شان را متوجه آواز دلکش مهوش ساخته بودند که گویا همه معو شده اند و قار و متانت خاصی در تالار هوتل حکمفر ما است از پار چه های سرو دگی مهوش چنان استقبال بی نظیری بعمل میاید که سابقه ندارد، علاقمندان آوازش لحظه به لحظه اورا جلبان نموده و بدینتر قیپ سپاسگزاری علاقمندی شانرا ابراز میدارند صدای کف زد نهایی معتدد تالار هوتل طنین انداز است و استاد هاشم بابرا د رانش نو از ندگی دسته موسیقی مهوش را بالیان متبسم و خندان بهمدارده عکاس مجله با تلاش فراوان مو قی میشود از مهوش و دسته موسیقی اش عکسی بگیرد البته رونو ن در فر ست مناسب با مهوش



هنر متدان جوان رادیو افغانستان در حال اجرای کنسرت

دو صد فیصد افزایش

سال	بودجه	تولید تخم پيله به جعبه	فروش فی جعبه
۱۳۳۶	۶۰۱۳۶۰۶	۱۳۳۹۱ جعبه	۶۰ - افغانی
	۵۰۰ دالر		
۱۳۳۷	۵۱۳۵۰۰۰	۲۰۶۳۲ دز	۶۰ - افغانی
	۵۰۰ دالر		
۱۳۳۸	۱۲۰۰۰۰۰۰	۷۵۳۰ دز	۸۰ - افغانی
	۲۸۰۰ دالر		
۱۳۳۹	۶۰۰۰۰۰۰	۹۵۱۲ دز	۸۰ - افغانی
۱۳۵۰	۶۰۰۰۰۰۰	۱۱۸۶۹ دز	۸۰ - افغانی
۱۳۵۱	۳۰۰۰۰۰۰	۳۲۳۷۹ دز	۱۰۰ - دز
۱۳۵۲	۳۵۰۰۰۰۰	۱۶۱۹۶ دز	۱۰۰ - دز
۱۳۵۳	۳۸۵۱۸۵۶	۲۷۰۰۰ دز	۱۰۰ - دز

تولیدات تخم که در فوق ذکر گردید مطابق در خواست هر ولایت از قرار فی جعبه مبلغ یکصد افغانی به پيله و ران کشور بفروش میرسد .
 بنیادینی شاه احمد فیضی آمر عمومی پيله وری در مورد شروع کمپاین و تغذیه کرم پيله اظهار داشت .

در يك سال دو کمپاین وسیع صورت میگیرد که کمپاین اول در ماه ثور شروع و در سرطان ختم می گردد و کمپاین دوم از اول ماه اسد آغاز و در نیمه اول میزان پایان می رسد در کمپاین اول خوراکه کرم پيله از اطراف واکناف کابل و سرک پروان جمع آوری میگردد در کمپاین دوم خوراکه کرم پيله از خود فارم ها که قبل بمنظور تغذیه کرم پيله احداث گردیده جمع آوری میشود . موصوف افزود :

معمولاً دهاقین کشور عزیز ما بعد از خریداری ، تخم پيله را در ماه حمل و ثور که برگ توت نسبتاً کلان میگردد رو با انکشاف میگذارند بعد از ۳۵ روز کرم پيله شروع به تاردوانی و غوزه های مولده برای تار کشی ابریشم آماده میشود چون در مملکت عزیز ما فابریکه تار کشی ابریشم موجود نیست پيله و ران ما غوزه ها را در دستگاه های مطلق خویش به کار می اندازند و از حاصل آن امرار معیشت مینمایند .

رئیس و ترنری و مالداري در پاسخ این سوال که از مقدار (۲۲۳۱) كيلو گرام غوزه که در دو کمپاین امسال بدست آمده چه نوع استفاده بعمل می آید اظهار داشت طوریکه در فوق ذکر گردید هدف پروژه پيله وری استحصال تخم تجارتی و مادری که عاری از هر گونه امراض باشد و توزیع آن به پيله و ران کشور می باشد . یعنی غوزه های حاصله که در دو کمپاین استحصال گردید شامل غوزه انکشافی و غیر انکشافی (قطع شده و سالم) میباشد پيله و ران کشور آنرا در ختم هر دو کمپاین خریداری مینماید . در سال های گذشته فی کيلو غوزه انکشافی را (۹۶) افغانی بفروش میرسانیدند در حالیکه در این نظام فرخنده فی کيلو غوزه انکشافی ۳۰۰ افغانی بفروش رسیده است . دهقانان کشور ما از غوزه های انکشافی در دستگاه های محلی کار میگیرند .

موصوف افزود :

مقصد از تولید ۲۷ هزار جعبه تخم تجارتی که در دو کمپاین بدست آمد و این معیار تولید در تاریخ تولید پيله وری بی سابقه میباشد استحصال غوزه غیر انکشافی برای پيله و ران کشور میباشد در ختم هر سال سهمیه هر ولایت از قرار فی جعبه مبلغ یکصد افغانی بالای پيله و ران کشور به پول نقد بفروش میرسد

صفحه ۵۸

میشود .

پيله و ران کشور ما از هر جعبه در ظرف ۳۵ روز مبلغ چهار هزار افغانی مفاد خالص بدست می آورند که از ۲۷ هزار جعبه تخم تجارتی (۲۱۶۰۰۰) کيلو غوزه بدست می آید و فی کيلو غوزه غیر انکشافی مبلغ پنجم افغانی خرید و فروش می گردد بنا بر آن مجموع عواید غیر مستقیم پروژه از مدرک فروش ۲۷ هزار جعبه تخم تجارتی به

(۱۰۸۰۰۰۰۰) یکصد و هشت میلیون افغانی بالغ میگردد که دهاقین و پيله و ران کشور مستقیماً از آن بهره مند میگردند .

تخم تجارتی ما از نگاه کیفیت و کمیت دارای جنسیت عالی میباشد ظرفیت پروژه پيله وری دارا ۲۰ هزار جعبه تخم تجارتی است و با آنکه امسال هفت هزار جعبه از ظرفیت پروژه بیشتر تولید شده اما در حصه آن تقاضا پيله و ران کشور را بصورت اساسی مرفوع ساخته در نظر است که يك تعداد مامورین



کرم پيله در حالت تاردوانی و جمع آوری در بستر های مخصوص

نمی تواند بنابر آن در برج قوس سال ۱۳۵۲ پیشنهاد گردید تا يك پروژه دیگر در ولایت هرات که

گهواره ابریشم است تاسیس گردد . البته توجه مقامات مديصلاح در این مورد معطوف گردید . و عنقریب با تاسیس آن اقدامات لازم بعمل خواهد آمد .

منظور از تولید تخم ما دری استحصال تخم تجارتی برای پيله و ران کشور در هر سال میباشد چگونگی تخم مادری از موضوعات سری پروژه بحساب می آید بنا بر آن از ارائه توضیح در زمینه معذرت خواسته

بقيه در صفحه ۶۱ ژوندون

منطقه کانال سوئیس

های دیرین مصر یها میباشد درواقع امر نخستین مرحله فعال ساختن این شاهراه آبی بشمار میرود. در مرحله اول متخصصین فکر میکردند که ریک به ضخامت یکمتر در طول هفت سال بستر کانال را فرا گرفته بوسیله شاولها بیرون کشیده خواهد شد ولی تازه حالا ملتفت شده اند که درین شاهراه آبی یکصد و پنجاه ساله غیر از یک متر ریک موانع دیگری نیز وجود دارد. مثلاً تنها بدنه ده سفینه مال بر دار یکی از موانع بزرگ کشتیرانی محسوب میگردد از جمله این کشتیها تنها یک کشتی مسافر بردار بنام مکه که یازده هزار تن ظرفیت دارد به دوازده پارچه جدا گانه تقسیم و از کانال بیرون کشیده شد. گذشته از آن اسرائیلی ها در طی جنگ اخیر اکتوبر سال گذشته در کانال سوئز سد مستحکم کانکریتی برای عبور وسایل جنگی ساخته اند و از طرفی هم در طول بیشتر از صد کیلو متر کانال سوئز انواع مختلف سلاح از قبیل تانک زرهپوش و موترهای بار بردار بشکل قراضه افتاده است.

اد میرال کارول امریکایی که در تصفیه کانال سوئز با هر گونه همکاری با شرکت های انگلیسی، فرانسوی و مصری آماده میباشد به پیشرفت کار تصفیه کانال روز بروز خوشبین تر میگردد. چنانچه به احضار دو کشتی تصفیه ویک جرثقیل یک هزار تنه آلمانی که فعلاً در بندر ها مبورگ لنکر انداخته هدایاتی صا در کرده است نامبرده امید واز است که تا اخیر ماه دسمبر لا اقل یک لاین کانال برای عبور کشتیهای که یازده متر ارتفاع داشته باشند آماده گردد. به نظر اد میرال مذکور مصرف تصفیه کانال به بیست میلیون دالر بالغ خواهد گردید.

مصر یها همین حالا برای آیند کانال نقشه های بزرگی طرح کرده اند مثلاً در قدم نخست میخواهند به مصرف سه ملیارد مارك کانال را در ظرف هفت سال بعدی عریض بگردانند که کشتیهای نفت بردار با

دو صد و پنجاه هزار تن نفت خام بتوانند از کانال سوئز عبور کنند آنوقت است که عبور از کانال برای مصر یها ارزشی خواهد داشت زیرا به قرار تخمیناتی که متخصصین بعمل آورده اند، از صحرای سینا معا دل یکمیلیارد دالر عایدی بدست خواهد آمد. در مورد عریض ساختن کانال سوئز یک ضرورت دیگر نیز عرض اندام کرده است و آن عبارت از سفاین بزرگ نفتکش است که می توانند دو صد و پنجاه هزار تن نفت خام را انتقال بدهند و لهذا باید کانال سوئز برای عبور ازین کشتیها مهیا گردد.

هر چند تا اکنون کانال سوئز یک منطقه ممنوعه میباشد و شهر سوئز از طرف قوای اسراییلی سخت آسپیدیده و اسماعیلیه به خرابه زاری تبدیل شده و تنها در پورت سعید آثار و علایم حیات آهسته آهسته به مشاهد می رسد. جاده ها و خط آهن در امتداد کانال سوئز هنوز در ترمیم نشده و هنوز هم باد صحرا بر گونه های توپهای از کار افتاده و خانهای مخروبه بوسه میزند. ولی با این ویرانیهای که از طرف عساکر اسراییلی بر این مناطق وارد گردیده باز هم انور السادات رئیس جمهوریت مصر یکن از رجال با تجربه مصری را بحیث وزیر عمران مجدد مقرر از وی تقاضا کرده است که منطقه کانال را به بهشت روی زمین تبدیل کند وزیر عمران مجدد مصر عثمان احمد عثمان نام دارد.

خود مصر یها وجوه هنگفتی را برای آیند این منطقه در نظر گرفته اند. از جمله پلانهای شان یکی این است که مبلغ سه ملیارد مارك آلمانی را در هفت سال برای سران مجدد این منطقه مصرف کنند.

بر طبق پلان مصر یها شهر های مخروبه و متروک دوکنار کانال سوئز هموار میگردند و بجای آن شهر های باشکوه تر از گذشته آباد خواهند گشت همچنان جاده های عصری و خطوط آهن برقی میدانیهای هوایی و مناطق آزاد گمرکی تاسیس خواهد شد. به این ترتیب صحرای خشک

و لم یزرع به مناطق خوش آب و هوا و صنعتی تبدیل خواهد گشت و سیل سیاحین به این مناطق رو خواهند آورد.

سهام آلمانیها در عمران این ساختمان ها :

عثمان احمد عثمان که پنجاه و هشت سال قبل در اسماعیلیه تولد گردیده ادعا میکند که هیچ شخص دیگری مانند او مناطق کانال سوئز را نمیشناسد. این انجینیر مصری در سایه تلاش و کوشش دلاوری و قابلیت کار یک شرکت ساختمانی بحیث یکی از موسسات بزرگ ساختمانی ممالک عربی بمیان آورده است. شرکت ساختمانی نا مبرده در ساختمان بند عالی اسوان، درساختمان پلها، بندر رگه ها و قاپریکه ها در مصر و میدانیهای هوایی در عربستان سعودی، سرکها و مکاتب کویت، کانال ها و هوتلها در اردن، لیبیا، عراق و سودان سهم موثر و وسیعی داشته است.

وقتی این شخص در پاره آیند سوئز صحبت میکند آنوقت دور نمای کانال خوبتر مجسم می شود.

چند سال بعد سرکهای درجه اول و خطوط آهن برقی منطقه کانال را با مرکز جمهوریت مصر وصل خواهد کرد.

با تاسیس یک منطقه آزاد گمرکی که وسعت ساحه آن نسبت به ساحه بندر آزاده مبورگ بزرگتر خواهد بود به شهر سوئز قیافه جدیدی خواهد بخشید.

امور ماهیگیری و زراعتی مدرن تر خواهد گردید.

صنایع مختلف که کشور همین حالا به تولیدات آن سخت نیاز مند میباشد بعدی توسعه داده خواهد شد که برای صدور بخارج آماده گردد مثلاً از قبیل سمنت کود کیمیاوی و امثال آن.

قبل از جنگ اکتوبر در پورت سعید (اسماعیلیه) سوئز و نواحی کانال در حدود یکنیم میلیون تن زندگی میکردند در حالیکه پیشبینی میگردد که در طی ده سال آیند نفوس این مناطق صد فیصد افزایش خواهد یافت.

خود آمر ساختمانی کانال سوئز میگوید بگزارید که ملت مصر خود شان به حقیقت استعداد شان ملتفت گردند. به نظر نا مبرده سرمایه

بولی سوال مهمی نیست زیرا استعداد خودش سرمایه هنگفتی بشمار میرود همه بسوی انکشاف اقتصادی کشور های شان میشتابند.

وقتی در مورد مجدد خانه های شخصی مردم در منطقه کانال

سوئز ازنا مبرده سوال شد در جواب اظهار داشت که چون منازل زیاد و ویران شده و حکومت به تنهایی از عهده ساختمان مجدد برآمده نمیتواند در حالیکه از طرف دیگر توقع این

است که شهر ها بار دیگر و بسرعت ممکنه از گریبان ویرانیها مجدداً سر بیرون بکشند لهذا تجویز گرفته شده است هر کس قابلیت اعمار مجدد خانه ویران شده شخصی خود را داشته باشد با شداد طرف حکومت همین حال

مبلغی در حدود بیست هزار مارك آلمانی بوی بصورت پلا عوض داده خواهد شد مشروط بر اینکه همین فردای حصول پول بکار ساختمانی خویش آغاز کند.

سر مایگزاری بین المللی نیز راه خودش را بسوی کانال باز خواهد کرد. زیرا همینکه در کانال سوئز شریان تجارت بین المللی مجدداً فعال گردد سرمایه سرشاری به مملکت سرازیر خواهد گزدید.

همین حالا هیئتهای اقتصادی کشور های ایالات متحده امریکا جمهوریت اتحادی آلمان و جاپا نیهار هوتلهای هیلتون و شیر اتون قاهره زندگی می کنند و با مقامات مسئول مصر در باره عقد قرار داد های تجارتی سر

مایگذاری وسیع در مصر مشغول گفتگو میباشد چنانچه تازه بانك های امریکایی شعبات شان را در قاهره باز کرده اند تا زمینه سرما یگزاری

در مصر و سایر ممالک عربی به پیمانان بزرگ فراهم گردد.

ارزش های جهانی اسلام

جهان نابینایان

دکتر مار تین لو تر کینگ یکسری از دانشمندان پیر دست ور هیر بزرگ سیاهان دریکی از بیانیه های مهم و تاریخی اش سیاهان از نظر افتاده را مورد خطاب قرار داد و گفت :

«قوانین بشری تا حال بضع شما سیاهان کاری را از پیش نبرده است و این شما هستید که برای شما حتی ما هست ذاتی یک انسان را قایل نمیشوند و شما را از مجامع و مواقع حساس بیرون میرانند و ملتفت باید شد که امروز جز اسلام و قوانین عالی و انسانی آن پناه گاه دیگری برای شما سیاهان سراغ نمیشود و تنها همین این است که جز انسانیت و معنویت را نمی شناسند و امتیازی میان شما و دیگران در حقیقت و واقعیت آن وجود ندارد و من خود با اسلام معتقد بوده ام و آن را بهیچ یگانه و نه بهیچ بفرزندان و بیچارگان و از نظر افتادگان می شناسم»

گرایش سیاهان بدین اسلام ، امروز از واقعیت های محسوس و ناانابل انکار است چنانچه اگر ما جریان کار انجمن های اسلامی برخی از کشورهای اسلامی را در ممالک اروپایی و آفریقایی تحت مطالعه قرار بدیم بوضوح درمی یابیم که سالانه تاجه انداز از سیاهان قاره های مختلف با علاقه مندی خاصی با اسلام میگردانند و آنرا بهیچ یگانه و وسیله نجات بخشی خوش می پذیرند .

اسلام میگوید آنها از نگاه ارزش های ذاتی و مقام و حیثیت بهشابه دندانه های شانه اند و همچنانیکه دندانه های شانه در ارزش و موقف فرقی از هم ندارند و هر چند کوتاهی و پادرازی قامت و جسامت شان تفاوت داشته باشد باز هم دارای مقام ازندگی مساوی و یک شان هستند و این تفاوت در قامت و اندوخته جسامت مساوات آنها را سلب نمیکند و ارزش یکی را نسبت به دیگری پیشتری نمی سازد اسلام در هر موقع و هر مرحله این حقایق و واقعیت های حیاتی و عالی خویش را ضمن مشالها و نمونه ها تقدیم و بیان مینماید و با گذارش ساده و عام فهم ، توجه انسان را را موافقت های زندگی و ارزش های بزرگ بلند پایه که سعادت نوع بشر را در کلیه شئون حیات مادی و معنوی تضمین مینماید جلب میکند

دانشمندان بزرگ جهانی و مخصوصا آنهایکه در راه آزادی و تثبیت ارزش های حقیقی انسانی در راه تحقق بخشیدن با اصل مساوات و برابری در میان انسانها مبارزه کرده اند غالباً از اساسات و اصول حیاتی و انسانی اسلام متأثر بوده اند و با تأثر پذیری کامل از واقعیت های اسلامی راه خویش را بسوی موقت پیش گرفته اند

از جمله این دانشمندان و پیشاهنگان اصلاحات بشری در قرنهای بعد یکی هم مهاتما گاندی را میتوان نام برد او با اسلام و آری دیگر جهان معتقد بود و از گفتار و طرز تفکرش در زمینه مبارزات بغاوت آزادی ملت ها و ایجاد مساوات در میان قباایل و نژادها ، پیداست که فلسفه تعلیمت های اصلاحی وی کمتر تفاوتی با اصول و حقایق اسلامی دارد

اینک برای روشنی بیشتر موضوع و اینکه چگونه ارتباط میان افکار گاندی و مسائلی حیاتی اسلام دارد مثالی در زمینه تقدیم میشود در میان اهل هند گروهی بود موسوم به گروه (باریا) و یا گروه از نظر افتاده این طایفه با اساس حکم دیانت بودایی ، زشت و نامطلوب شمرده میشد طوریکه مردم از آنها اجتناب میکردند و تحقیر شان مینمودند و جز اعمال و کارهای خبیث و پست و راپایشان نمی سپردند اما گاندی از همان دوران صباوت خود ناپسند بودن این طرز روش و اندیشه و ادراک کرده بود روزگار مبارزات اصلاحی و مبارزه برای از بین و آند شایسته انسانها نمیدانست ازینرو

بردن خرافات ، این موضوع را جدی گرفت و اهمیت زیادی برای قایل گردید ، او فکر کرد که **درواه نجات خاک و وطن از شر نابینایی ها** ازین طایفه کار باید گرفت و بمنظور بلند ساختن حیثیت و ارزش آنها اقدامات عملی بخرج باید داد زیرا او میگفت این گروه مانند سایرین عضوی اند از جسم بزرگ و وطن و علیل بودن آنها سبب عدالت و تمام جسم میگردد حال با در نظر داشت اینکه اسلام نیز سالها پیش ازین گفته گاندی ارشاد کرده که بی نوع انسان حیثیت اعضای یک جسم را دارد و چون عضوی ازین جسم ببرد علیل گراید ، تمام جسم از علالت و رنج اندر شکوه خواهد شد ، این ادعا روشن میگردد که گاندی مطابق به تعالیم اسلامی حرف زده و تحت تأثیر آن بوده است

این نکته نیز باید نخواهد بود که این تعبیر ما بنام اسلام الهام از فرامایش پیشاهنگ جهان تربیت (سعدی) نیست آنجا که گفته بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیاده و هرند چو عضوی بذر آورد روزگار بذر عضو هارا نماند قرار

بلکه این ادعای ما ترجمه چو کاتی و خالص حدیث پیامبر عالمیقام اسلام است که این شعر پر حکمت سعدی نیز عیناً و بدون زیادت و نقصان تعبیری از آن بحیاط می رود . گاندی با شجاعت کامل خود را در طرف این گروه از نظر افتاده گرفت و اعلان کرد که مسئله (باریا) باری است که بر دوش دیانت هندو سنگینی مینماید و ممکن نیست این مسئله زاده دین هند باشد و بلکه مسئله بیگانه ای است که با روح و طبیعت این دین سازش ندارد و بایست ریشه آن بصورت صحیح جستجو گردد و من بصراحت ابراز میدارم مرکز بادی که زشتی و نامطلوب بودن گروهی از وطنداران و ملت را جزئی از تصویر قطعی خود قرار میدهد آشنائی نخواهم داشت

گاندی با اساس این طرز تفکر خود انجمن را بنام و مجلس (گروه از نظر افتاده) تشکیل کرد و خودش شخصاً ریاست آنرا بدست گرفت او در مجلس حق این گروه را اعلان کرد مساوات ایشان را با سایر برادران موطن شان تثبیت نمود و آنها را دوباره با انسانیت خویش که افرینش برای شان از ذاتی فرموده بسود برگردانید و در نتیجه همین گروه موخر ترین گروه را در مبارزات برای اصلاح عمومی تشکیل دادند

اکنون این قضایات با ما است که این طرز اجراءات و این نحوه اندیشه گاندی چه فرق و تفاوتی ازین ارشاد قرآنی دارد که بای مردم وای انسان ها عا شما را از یک مورد وزن خلق کردیم و تقسیم شما بگروه ها و طوایف مختلف جز برای آن نیست که شما یکدیگر را خوبتر بشناسید و به پیشگاه خداوند (ج) بلند پایه تسوین شما و راستکار ترین شما با تقوی ترین شماست هم چنان فرموده های حیات بخش پنا سر اسلام که در همین زمینه عنوانی بشریت و برای نجات بشریت از طرز تفکرهای ضد انسانی صادر گردیده یک و دو نیست و حشر و قیامت همه آنها از حوصله این بحث بیرون میباشد

مادر گاندی نیز از زنان معتقد به خدا (ج) و عظمت آفریدگار بود و او برای گاندی در هنگام نشسته های مناجاتی و راتلین میکرد و در هنگام طلوع صبح میگفت : ای زیبایی که از افق شرق سرمیشی : دانه های سرور و حیات را در دلبای مردم بندگان ای نوریکه از خصال تاریکی های شب بیرون میجی جهان را بسوی صبح امید و سعادت هدایت نما

ای ستاره گلن پر تلالو و بی قبار و ستاره گانی که هنوز نقش قدم هابروی شانه نشسته با موجهای آرام پیش آید تا دنیا را از خواب بیدار سازد زندگی بر انگیزد و دنیا را روشنایی بخشد

در پیدا کردن کار برای ده هزار نابینا در تأسیسات صنعتی در مهاراشترا دهلی ، بنگال غربی ، مدھیا پرادیش گجرات و میسور کمک و مساعدت نموده است . این انجمن مطبعه را بکار انداخته که در آن تعداد زیاد پروژه کتاب سخنگوی انجمن ملی نابینایان برای کوران مفید ثابت شده است . میرمن فرینی گاکرات که مسکرتر پروژه مذکور است گفت : ۱۹۰ پایه تیپ ریکاردر بانوار های لسانهای هندی ، مرا تی ، و انگلیسی که هر کدام ۲۱ ساعت دوام میکنند اکنون برای نابینایان تعلیم یافته توزیع می شود . این تیپ ریکاردر ها اکنون در کشور های پیشرفته دیگر از مود افتیده است . ماحالا در صدد دریافت سه پایه ماشین از زیلانند جدید می باشیم . ما همچنین از تیپ ریکاردر های کو چکی که در داخل کشور تولید می شود استفاده میکنیم و آنرا برای متعلمین در برابر یک مبلغ کم عاریت میدهم

پروژه کتاب سخنگوی چهار صد موضوع را در رشته های قسانو ن تاریخ ، لسان ، ریاضیات و غیره تهیه نموده است

کمپ چشم داهود در گجرات ، صد سکار شیب را برای نابینایان جهت مطالعات علمی در رشته های فیز و تریای موسیقی ، ستوگرافی و موضوعات تجار تی و تخنیک تهیه دیده است

این کمپ همچنین یک کورس مکتوب نویسی را با همکاری مکتب نابینایان هدلی ایالات متحده امریکا براه انداخته است و سال گذشته دو جایزه بزرگ را برای متعلمین لایق تخصیص داد

مرکز تربیوی زراعتی دهات (تاسب) که در سال ۱۹۶۰ در فانتزا واقع در دامان تأسیس گردیده یگانه پروژه منحصر بفردیست که در آسیا برای نابینایان وجود دارد . این پروژه برای آن رویکار آمد تا نابینایان غریب و بیچاره را در دهات زیر تعلیم

و تربیه قرار داده و آنها را در رشته های کشت و زراعت و تجارت تربیه نماید . (باید گفت که سالانه به تعداد ۱۰۰۰۰ نفر در مناطق روستائی کور می شوند)

پروژه (تاسب) در یک ساحه ۲۴۰ ایکر زمین بفعالیت آغاز نموده است درین ساحه نارپال ، کیله ، و مانگو شیکو و نخلستانها وجود دارد . در پنجاه ایکر این ساحه ، شالی و برنج گندم ، جوار ، چار مغز زمینی ، و غیره زرع می شود . جوانان نابینا (بین سنین ۱۶ و ۴۰) بصورت رایگان زیر تربیه گرفته می شوند . اعاشه ، اباته لباس و خدمات صحی شان مجانی تهیه میگردد . این کورس مدت یک و نیم سال دوام نموده و مقررات تعلیمی آن مطابق به مقررات تعلیمی یک مکتب زراعت است . بر علاوه مضامین دیگر درین کورس موسیقی ، کارهای دستی بافندگی ، نجاری ، خیاطی خشت ریزی غرودی و چپری سازی ، و طویله سازی خیشاوه کردن ، زرع سبزیجات و حبوبات ، و تربیه گل ، دسته بندی گل ، زنبور داری ، دوکاندازی ، تربیه حیوانات ، فارم مرغداری و غیره نیز تدریس می شود

نابینایان به موسساتی مانند (تاسب) ضرورت و احتیاج دارند تا زمینه های تربیتی و کار را برای شان مساعد سازد . اقدامات دیگری در کار است تا مردم ما را از گور شدن نجات دهد . اینها عبارتند از :

- ۱- تهیه غذای بهتر برای اطفال که باید شامل زوغن های نباتی لبنیات ، و سبزیجات تازه باشد
- ۲- یک مبارزه عمومی مملکت شمول برای انجام معاینات چشم مخصوصا در مناطق دهاتی
- ۳- تهیه عینک برای محتاجین و ضرورت مندان
- ۴- تدای و معالجه طبی که باید شامل پیوند قرینه چشم باشد

دوست ندارم قلبی پاک و پاکیزه که بمر و حبله نزدیک نمیشود ، قلبی که به نیکی و شایستگی ایمان دارد و کفر را نمی شناسد . مادر گاندی بطور دایم این تلقین را بیشتر از هر چیز دیگری تکرار میکرد : من آزادم من شجاعم و زبان من جز بق حرف نمیزند هیچ کس را نخواهم زد . بمن قلبی عطا کردی که شر و بدی را تلقین مینمود : پروردگار من مجبو عظمت خاص تو را ست . مرا آزاد آفریدی و من ذلت و پستی را نمی شناسم . مرا شجاع خلق کردی و من شکست را نیاموخته ام . مرا قوه نقل و بیان دادی و من جز بق حرف نخواهم زد . بمن قلبی عطا کردی که شر و بدی را

میزمدور ژوندون

در مورد پروگرامهای صحی رادیو نیز عین مطلب بشکل دیگر مطرح است و آن اینکه پروگرامهای صحی روی مشکلات اکثریت مردم افغانستان بحث نمیکند و موضوعاتی هم که در این پروگرامها روی آن صحبت میشود نمی تواند همگانی باشد اداره تهیه کننده باتوجه به شرایط زندگی عمو می، بادر نظر داشت اقتصاد خانواده ها و بادر نظر گرفتن سویه و میزان فهم عمو می بیشتر روی مسایل وقایعی و طرق جلوگیری از امراض پروگرامهای صحی خود را ترتیب نماید. در مورد پروگرامهای دیگر رادیو من اعتقاد دارم که چه از نظر فورم و چه از نظر محتوی رادیو پروگرامهای شبنبدنی و خوب تهیه میگردد. و میتواند از عینیت زندگی مردم نمایندگی نماید بخش اطلاعاتی رادیو اکنون مانند همه کشور های پیشرفته خبر و اطلاع رسانی مردم میرساند و بخش های آموزشی نیز خیلی خوب تهیه میگردد.

سیمای عبادی :

ایرادی دارم در زمینه بخش جواب به نامه ها در پروگرام کورنی ژوندون در این پروگرام بدون آنکه باصل معضله توجه گردد شرایط نو پسند نامه در نظر گرفته شود و گام عملی در جهت رفع مشکل برداشته شود فقط پند است و اندرز بان مادر اندرز، آن شوهر، آن - پدر و آن -

و این درست نمیباشد و حتی حتی تلف میگردد و کسی بنا حق محکوم میشود و در خود را به پرو دیوسر پروگرام خانوادگی رادیو و یا متصدی صفحات خانواده ژوندون می نگارد، انتظار توصیه و اندرز را

ندارد، چه اگر توصیه و پند مفیدی افتاد به یقین کار آن بیچاره برادر و ژوندون نمی کشید گاه کوشیده میشود کمی هم تراژیدی و غم انگیز شود شاید، این خود نوعی غم شریکی باشد. ولی چه فایده، رادیو میتواند همکاری - جمعی از استادان پوهنتون را در این بخش طور افتخاری جلب نماید تا جوابی که داده میشود مشوره مفید باشد و موثر.

عبدالله رحیمی :

نظر من این است که بخش پروگرامهای خانوادگی رادیو با صفحات ژوندون در همین زمینه باید مدغم گردد باین ترتیب هر دو واحد نشراتی میتوانند از گروه مشورتی مشترکی استفاده نمایند و هم اگر عین پرابلم های که در رادیو به نسبت کمی و وقت بصورت فشرده و کوتاه شده نشر میگردد برای انتباه خانواده ها بصورت قصه ترتیب شده و در ژوندون نشر گردد کار مفید وار زندگی ای است. در بخش های دیگر رادیو واقعا موفق است و پروگرامهای عالی پرو دیوس میگرد.

شماره ۳۰ - ۳۱

و موسیقی مسوولیت داشته باشند تا هر تصنیف قبل از کمپوز به سبیل شان اصلاح گردد و هم اشتباهات نطقان رادیو برایشان یادداشت گردد. در این صورت بزودی میتوان اطمینان داشت که پروگرامهای رادیو از نظر ادبی بی عیب ثبت و نشر میگردد.

در مورد مجله ژوندون نیز يك نکته قابل یادآوری است و آن اینکه این مجله باید مشوق استعداد های جوان و آماتور باشد و با توجه باینکه ظرفیت های هنری و ادبی بشکل خلافت خود در کشور ما فراوان است آنرا کشف و معرفی نماید، چنین روشی ایست مجله را محبوب تر میسازد.

رووف راصح :

باتشکر از همه شما خانواده های علمند که در دور صحبت ما اشتراك نمودید جلسه امروز را در همین جا پایان میدهم، البته تمام نظرات و انتقادات شما هم توسط مسوولین رادیو و هم در حیات تحریر مجله ژوندون مورد مطالعه قرار میگیرد و تاجای امکان کوشش میگردد خواست های شما برآورده گردد.

تادور بعدی صحبت مادر این ولایت که بازم در خدمت شما خواهیم بود خدا حافظ و با امید اینکه همیشه از راه مکاتیب رادیوی خود و یگانه مجله خانوادگی خود همکار باشید و نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را بازم برای ما بفرستید.

بقیه صفحه ۵۸

دو صد فیصد افزایش

نقاط کشور بشکل ابتدائی رائج بوده است. این پیشه از نگاه مفاد ناشی از حاصل ابریشم يك حرفه پر منفعت بشمار میرود انكشاف پيله وری در کشور عزیز ما آینده درخشان دارد چه مساعدت آب و هوا و فراوانی درخت توت در همه نقاط کشور امكانات ترویج و تکثیر پيله وری را فراهم می آورد. در صورتیکه پروژه پيله وری با تمامی ضرورت آن در ولایت هرات و سمت شمال تاسیس گردد در آن وقت پيله وری افغانستان در جهان درجه اول بشمار خواهد رفت فعلا چون کدام فابریکه تار کشی موجود نیست دهقانان کشور ما در

دستگاه های معطلی خود بصورت خیلی ابتدائی ابریشم را تار کشی مینمایند برای رفع این معضله در قبال تاسیس يك پروژه پيله وری در ولایت هرات که در آینده نزدیک با یکی از ممالک دوست در زمینه عقد قرارداد میگردد تاسیس فابریکه تار کشی ابریشم نیز در نظر گرفته شده است.

غیر از پروژه پيله وری دارالامان پروژه دیگری داریم اما وزارت زراعت و آبیاری تلاش مینماید که پيله وری را در اطراف واکتاف منسلک توسعه بدهد و سویه عواید طبقه زارع و سطح زندگی مردم را ازین رهگذر بلند ببرد.

بقیه صفحه ۱۵

پاسخهای کوتاه

مخترمه طاهره فارغ التحصیل لیسه لشکرگاه :

چشم میگوئیم نظر شما بیشتر بر آورده گردد و مطالب مورد علاقه شما در مجله نشر گردد. سفارش شمارا هم به متصدیان صفحات (زبان و دختران) و (جوانان) رساندیم از اذعان شما متشکرند و سپاسگزار آن هنرمند رادیو که شما صدا و تمثیل او را دوست دارید از این علاقمندی شما امتنان دارد نظر شما هم در مورد مجله ژوندون کاملاً درست است این مجله از مردم، برای مردم و در خدمت مردم است بازم با ما به آدرس کابل انصاری وات، مجله ژوندون صفحات خانوادگی مکاتیب کینه و نظرات انتقادی و اصلاحی خود و دیگر شهریان خود را برای ما بفرستید تا با امتنان از شما از آن استفاده گردد، خوش باشید.

نیاغلی انور ضیاء : مشکل خود را به آدرس ژوندون گروه مشورتی بنویسید تاجای امکان باتشاکم میگردد، تشکر.

بقیه صفحه ۴۷

حقایق و ارقام

نیست از جمله ضروریات کتابخانه ها محسوب و در کتابخانه های موصوف ۸۹۷۷۳ صفحه موزیک وجود دارد. در اطاق مطالعه کتابخانه ۱۸۶۷۷۴ جلد کتاب جهت مطالعه در داخل محوطه کتابخانه وجود داشته و از مجموع کتابها و صفحات موسیقی قابل استفاده بوده است. باید به خاطر داشت که ارقام مذکور از کتابخانه های که توسط دولت اداره می گردند اخذ شده در حالیکه هزاران نفر دگر از کتابخانه های که در محیط کار شان تنظیم گردیده مستفید شده اند اطفال کتب مورد ضرورت را از مکاتب و مدارس از شفاخانه ها عساکر از مراکز تربیتی نظامی بدست میاورند. کتابخانه های علمی و مسلکی و پوهنتون ها از قید بر شاری فوق خارج اند جوانان محصل کار گران انجمنیان و متخصصین قسمت اعظم وقت شان را جهت تتبع و از یاد معلومات و هم مطلع شدن هر چه سریعتر از وقایع جهانی در داخل این کتابخانه ها صرف نمایند.

د تلي ۳۲ يادوطن دنجات ورځ

مشرقي يو سترو انقلاب مينځ ته راغی او په هيواد کې د جمهوريت ښکلي نظام قايم شو او - زموږ د خلکو هغه هيلې او ارمانونه چې د کلو کلو واکمنۍ د پاره په زړه کې درلودلې تر سره شوي او په افغانستان کې د نېکمرغي اوسيدات پلوشی او وپانگې خوري شوي .

وا قعيت دادی چې جمهوريت ښکلي او په زړه پوري نظام دی او په دې نظام کې خلکو ته واک او اختيار ورکول کيږي چې ملي اجتماعي اقتصادي ، چارې د حکومت سره په کم کوشنې سمبال کاندې نو همداروځه ده چې افغانان د جمهوريت سره د زړه له کړو می مینه لري او ددې نظام د ټينگښت دلو مېړورځي را عيسی د هغه د عالي حد فوږوپه تحقق کې هغه او کوشنې چارې دي او ددې ملي او منلي نظام ملاتړ کوي او زموږ انقلابي دولت د خلکو د سواکالي په هيله د پسرغوره او ښه کارونه سر ته رسولی دي په دې ترڅ کې بېوزلو او مستحقو کورنيو ته دهيواد په زراعتي سترو پسرورو کې ځمکې ووېشلې شوي او دا کتر يست د هوسا يني په هيله يو لړ گټور او په زړه پوري پروگرامونه طرح او تر تطبيق لاندې ونيول په همدې توگه يو شمېر دنوي ژوند د شرايطو او ايجاباتو مطابق بولې اوانين مينځ ته راغلل د کارگرانو حقوق تامين او دهغوۍ د راتلونکي ژوند د ښه کيدو او اقتصادي حالت د پياوړتيا کيدوپه برخه کې په زړه پوري تمايم غوره شول .

جمهوريت سره خلک ځکه مينه او علاقه لري چې هغه د ديني شعایر او ملي روحيې سره پوره ، پوره سمون لري او جمهوريت د نظم ، ناروا حق تلفی ، تبعيض اجتماعي مفاسدو سره په ټينگه مبارزه کوي او په دې غوره نظام کې حق ، حقدار ته سپارول کيږي .

نوددی دپاره چې د جمهوريت ښکلي نظام ټول حد فوږه او پروگرامونه په ښه توگه سر ته ورسې شي چې زموږ ټول خلک لکه څرنگه چې د نظام سره داول نه تر اوسه و لارداري ښو دلی په عمل کې هم په گټور کوشنونو او مساعيو لاس پوري کاندې .

موږ په داسې حال کې چې دنجات دستري ورځې نمانځه اويا دونه کوو دوطن ناجبی اعليحضرت محمد نادر شاه روح ته دروداستوو او دافغانستان دسر لوړی اودجمهوري نظام دبقا او پايښت په لاره کې دهيوادوالو صادقانه کوشنونه او مشترکي مساعی ضروري بولو .

بقیه صفحه ۳

ارزش های جهانی

خلقتا کم ان اکرمکم عندالله اتقاکم .
یعنی ای مردم وای بني آدم شمارا از يك مرد ويك زن وجود آوردم و ممتاز ترين شما نزد خداوند «ج» پرهيزگار ترين ورستگار ترين شما است و تفاوت های نژاد و قوم و زبان و رنگ مايه هيچ نوع برتری و امتياز بوده نمیتواند . و هر جاودر هر موقع از مساوات حرف ميزد ، برادری و اتحاد و هماهنگی را توصيه ميکړد مبارزه در برابر بي عدالتي ها ظلم و تجاوز و حق تلفی وغيره ناملايمات را وظيفه هر فرد انسان و وطنپرستان ميخواند و اينها همه از حقايق اند که دين اسلام قرن ها قبل از انديشه ايسن شخصيت نامي مشرق زمين جز تعاليم بشري و دشوار های پر ادب جهانی خود ساخته است و تا کيدش نموده که سعادت و پيروي واقعی و حقيقي انسان حاجز در شرايط فراهم شدن اين مميزات و عوامل سعادت بخش ميسر شده نمیتواند .

بقیه صفحه ۳۳

قصه کوچک تابستان

پایین دریاچه آرام ، که مانند نگین انگشتی لشم و در خشنه معلوم میشد ، قرار داشت .
چپه های آرام امواج مانند انگشتان - رنگ پریده که کلید رادور بد هد بالای پته های زینه بالا میشد و پایین میرفت .
بلندی بی پایان طاق آسمان ، با هزاران هزار ستاره چشمک زن آفرین بسته شده بود آرامش سنگین غرق شده بود یکی ازین ستارگان این لحظه ویا وقت دیگر ناگهان از فرا خنای آسمان بزرگ آمده و در شب - تابستان ، در تاریکی دره ها ، وادی ها ، کوه ها ویا دریا های دور دست معو میشد گویی که بیک نیروی کوره مانند روح تشنه دوزخنا های سر نوشت های ناپیدا به گاوش می بردازد .

(پایان)

باگام های فزاد در دل تار یکی شب پنهان شدو لی بانهم گام هایش حکا یتگر پیروی اش بود . ناوقت شده بود . ولی گمانتی که معمولاً در چنین شبهای گرم بمن دست میداد رخت بر بسته بود و جای خود را به لذتی که از آگاهی سر نوشت دیگران است داد . بهمین سبب در همان آرامش شب بسوی ویلای کار لو تا ، که زینه های مرمیش بداخل آب دریاچه پایین آمده بود ، براه افتادم وروی سنگهای سرد آن نشستم چراغ های بیلا گویو ، که لحظه قبل مانند کرم های شب تاب در درخت ، بنظر می آمد اکنون روی آب آرام در یاجه آرام گرفته معلوم شده و یکی بدنیا ل دیگر در محفل سیاه تا ر یکی پنهان می شد ند ودر

بر فراز دریای آمو

به موجب این قرار داد پروژه سازی و دیزاین این پل به همکاری اتحاد شوروی در ظرف ۱۷ ماه صورت میگیرد .
احداث این پل در امر انکشاف روابط تجارتي و اقتصادی بین جمهوريت افغانستان و اتحاد شوروی اهمیت بسزای کسب خوا هد کرد زیرا فعلا حمل و نقل اموال بین هر دو مملکت از بالای دریای آمو در بنادر افغانی و شوروی بآدو توقف بین دونوبت انجام داده میشود که باعث معطلی در حمل و نقل شده و از جانبی هم باعث بلند بردن مصارف ترانسپورتی میگردد .

با ساختمان سیفونهای رود واخل ۱۷ هزار جریب زمین آبیاری میگردد

کار ساختمان سیفونهای بستر رود واخل شیندند هشتاد فیصد پیشرفته است .
شاغلی سید داود والی فراه اخیراً از جریان کار سیفونها که بطول یکصد و هفت متر و قطر هشتاد سانتی به کمک مشترک انکشاف دهات و اهالی تحت ساختمان گرفته شده است دیدن نموده و در باره پیشرفت کار با ایمانده با موظفین مذاکره کرد .
یک منبع آن ولایت گفت با تکمیل ا یسن سیفونها هفده هزار جریب زمین زراعتی شیندند که از بهر سود آبیاری میگرد ودر اثر سیلابهای موسمی که از شیشه واخل سرازیر میگردید متاثر می شد مصون خواهد ماند .

صفحه ۶۲

گزارش از غزنی

خوانندگان ارجمند ژوندون اطلاع دارند که بر حسب موافقه ایکه با هیات شرق شناسی «سیمو» ایتالوی بمیان آمده حفر یاتی در تپه سر دار غزنی باز هم ادامه مییابد و آثار باستان چون مقبره بهرام شاه و سلطان مسعود سوم تر میمیشود .
توقع میروند نقشه های عمرانی که از طرف ریاست شهر سا زی برای ولایات طرح شده است هرچه زودتر در غزنی مورد تطبیق قرار گیرد .
از قرار معلوم در پر تو پلانها و طرح زیری های مترقی که از طرف دولت جمهوری جوان ما بی ریزی شده است ، شهر غزنی اکنون در روند انکشاف و پیشرفت های مثبت از نظر ساختمانی قرار گرفته و مشکلات مختلف که مردم با آن مواجه هستند در آینده مرفوع خواهد شد .

اینیش



مسؤل مدير :

علی محمد «بريالی»

معاون روستا باختری

مهتم م.ع عثمان زاده

مسؤل مدير دد فتر تيلفون: ۲۶۸۴۹

مسؤل مدير دد فتر تيلفون: ۲۱۹۶۰

سوچورد ۲۶۸۵۱

معاون دد فتر ارتباطی تيلفون ۱۰

د توزیع او شکایات مدیریت ارتباطی

تيلفون ۵۹

پته: انصاری واپ

داستراک بیه

به باندنیو هیوادو کښی ۲۴هالر

دیوی گڼی بیه ۱۳ افغانی

په کابل کښی ۱۰۰۰ افغانی

پیام رهبر ملی مابناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم

هموطنان عزیز *

یک جامعه را وقتی سعادتمند میتوان گفت که عوامل و موجبات بد بختی افراد آن مانند فقر بیماری بیسوادی و امثال آن از بین برود. نظام جمهوری مصمم است در حدود امکان و توان با سهم گیری و همکاری همه جانبه مردم خویش این مشکلات را رفع و این نیاز مندی را بر آورده سازد. یقین دارم مردم ما بادرک این وجیه انسانی در راه

تقویه این موسسه عام المنفعه از هیچگونه کمک و همکاری دریغ نخواهند نمود. سره میاشت که از آغاز تاسیس خود همیشه در مواقع حوادث به مصیبت زدگان رسیدگی و وظایف خویش را انجام داده است نیاز مند کمک و همکاریهای هموطنان گرامی میباشد بناء آرزوی ما اینست که همه خواهران و برادران نه تنها در روزهای هفته مخصوص صی سره میاشت، بلکه در هر

وقت و هر جا از کمک های مادی و معنوی دریغ نه نمایند تا این موسسه خیریه بتواند بیش از پیش مصدر خدمات ارزنده به جامعه ما و در ساحه بین المللی گردد.

در خانه از بار گاه پروردگار توانا برای عموم هموطنان عزیز توفیق میبخشیم تا از راه کمک به این مرکز واحد ملی و بین المللی وظیفه مقدس اسلامی و افغانی و انسانی خویش را در برابر هموطنان مصیبت دیده و هموطنان مستمند خود انجام دهند و همچنین موفقت کارکنان سره میاشت را در وظایفیکه به اقبال جامعه افغانی و جامعه بزرگ بشریت بر عهده دارند خواستارم.

بانکnotes هزار افغانیگی در چلند قرار میگیرد



وزارت مالیه به تعقیب ابلاغیه قبلی خویش به اطلاع عموم هموطنان عزیز میرساند که دافغانستان بانک بر علاوه بانکnotesهای صد افغانیگی و بیست افغانیگی جمهوری دیت که بدوران چلند قرار دارد بانکnotes نوع هزار افغانیگی آنرا که از نگاه رنگ و سایر و دیگر مشخصات بابانکnotesهای سابقه متفاوت بوده و همین به فوتوی بنیادغلی رئیس دولت و موسس نظام جمهوری میا شد تهیه و عنقریب در پهلوی دیگر بانکnotesها بدو ران چلند می گذارد.

بانکnotes متذکره که در پهلوی دیگر بانکnotesها بدو ران چلند گذارده میشود و عالتا مطابق بانکnotesهای سابقه دارای حکم واحد پولی و عین قدرت و تبادل و اجر امیاشد.



مو ضوع جهت آگاهی اطلاع گردید و فوتوی بانکnotes مذکور جهت معلومات بیشتر در جراید کشور نشر میشود.

از هموطنان تقاضا میشود بمقصد عو ض نمودن یک نوع نوت به نوع دیگران به بانکها، شیری خانکه ها و نمایندگی ها مراجعه فرموده از هردو نوع نوت جدید و سابق منحبث پول قانونی برای معاملات و داد و ستد استفاده نمایند. دافغانستان بانک نوت جدید را از طریق پرداخت های یومی خویش نقلی به احتیاج و ضرورت به مقدار پول در اقتصاد احساس میگرد بخش توزیع مینماید.

بقیه صفحه ۳

بنیادغلی رئیس دولت و صدراعظم

تشریف برده و در آنجا ذواتی را که در ادای نماز یا ایشان اشتراک داشتند پذیرفتند و هر یک از آنها مراتب تبریکات شان را به مناسبت حلول این ایام متبرک و خجسته به بنیادغلی رئیس دولت عرض کردند.

خبر نگاران باختر اطلاع میدهند که هزاران نفر از اهالی شهر و نواحی کابل با شور و شعف زاید الوصفی در مساجد جامع اجتماع نموده و نماز عید را باصفای نیت که زاده طبع مردمان مسلمان ماست اداء کردند.

همچنان مردم دین دوست ما در سراسر کشور نماز عید سعید فطر را در عید گاه ها و مساجد جامع مراکز و ولایات ولسوالی ها و قراء مربوط شان اداء نمودند.

نامه نگاران باختر علاوه میکنند که پس از ادای نماز عید در تمام عیدگاه ها و مساجد علما و خطبا موعظه هائی پیرامون ادای فریضه روزه و ایام متبرک عید ایراد نموده صد ها هزار نفر برای پیشرفت و تعالی کشور در پرتو نظام جمهوری دعا کردند.

بقیه صفحه ۷

معین سیاسی وزارت امور خارجه

بنیادغلی وحید عبدالله بااعضای کمیته روابط خارجی و کمیته فرعی مجلس نمایندگان امریکا برای جنرل آسیا هم ملاقات کرد.

بنیادغلی معین سیاسی در دعوت تها ری اشتراک نمود که از طرف بنیادغلی انگر سول وکیل وزارت خارجه امریکا به افتخار ایشان داده شده بود و دران یکمده از مامورین وزارت خارجه امریکا بعضی ازاعضای سنا و مجلس نمایندگان آنکشور نیز شرکت داشتند.

بنیادغلی وحید عبدالله هنگام مسافرت به واشنگتن بانیادغلی مکنامارا رئیس بانسک جهانی نیز ملاقات نموده روی مسائل مورد علاقه مذاکراتی بعمل آوردند.



Thank you for reading

Find more e-books and articles on Ketabton - your multilingual digital library.

www.ketabton.com

Ketabton - Pashto, Farsi, Arabic & English